

رجوع بیک اداره که از سوابق اعمال مأمورین خودش مطلع باشد بجهت بیک وزیر و اکتفا نمود که معلوم نیست نظریات او درباره اجراء چیست و امر و وزیر کیست و فردا کی خواهد بود بقرینه بنده این ترتیب مکتبی رشته اداری را از هم میبرد و همین طور که در کمیسیون با حضور آقای مدرس صحبت شد باید تعیین رؤسای و بیشکاران مالی بر حسب پیشنهاد بیک اداره باشد حالا این اداره صلاحیت این امر را دارد یا ندارد آن مطلبی است علیحده ولی اساساً اگر معتقد شویم که این امر بیک اداره که همیشه بواسطه مخالفت دو امورات مالی زیادتر است گمان میکنم باید تصدیق کنیم که از طرف آن اداره پیشنهاد شود و کمیسیون هم این بود تصویب کرده که آن اداره که نظریاتش در کارهای مالی بیشتر در خیل است نباید تعیین مأمورین مالی را وزیر مالی پیشنهاد کند و وزیر مالی تصویب نماید حالا اگر در اساس این مطلب مخالفی باشد عقیده شان این باشد که وزیر حق داشته باشد که بدون مراجعه بیک اداره بیک مأموری معین کند بنده و اشخاصی که با عقیده بنده موافقت دارند باین ترتیب مخالف هستیم و میگوئیم که وزیر را نباید مخیر نمود که بدون مراجعه بیک اداره بیک مأموری را منصوب نماید پس خوب است آقایان دقت نظری بفرمایند که چه اداره صلاحیت بخواهد داشت این پیشنهاد را بکنند ولی اساساً اگر بخواهند مخالفت بکنند و بگویند تعیین مأمورین فقط با اختیار وزیر مالی باشد باین را خیلی غلط میدانم و عقیده ام اینست که نباید در تعیین بیشکاران و امانت مالی بوزیر مالی اختیارات تام داده شود و الا بترتیب چند سال قبل رجعت کردیم تعیین آنها بطور مزایمه خواهد شد و همان ترتیبی پیش خواهد آمد که مارا مجبور کرد قانون ۲۳ جوزا را وضع کنیم

آقای شیخ محمد حسن گروسی - بنده بطوریکه پیشنهاد شده و خود نیز امضا کرده ام عرض میکنم باید در تعیین مأمورین مالی پیشنهاد از طرف اداره پرسنل و منزهات بشود نه از طرف خزانه داری

مدرس - مذاکرات در اینخصوص خیلی شده است این ترتیبی را که آقای حاج عزالمالک فرمودند ترتیب علمی است که باید بیک اداره پیشنهاد کند و چون پیشنهاد های اداره خزانه داری را تجربه کردیم حالا خوب است این مسئله پیشنهاد را بجهت بیک اداره دیگری بکنیم یا اینکه بیک اداره کلی عایداتی در مملکت تشکیل کنیم و این پیشنهاد از طرف او بشود یا همانطوریکه آقای حاج شیخ محمد حسن گفته اند رفتار شود یا اداره تشخیص و اکتفا کرد علی ایحال چون پیشنهاد اداره خزانه را تجربه کرده و درست تلفت شده ایم باید بیک اداره دیگری را از قبیل اداره تشخیص عایدات یا اداره محاسبات یا اداره پرسنل معین نمود که او پیشنهاد نماید و بنده باین منته مخالفم که پیشنهاد از طرف خزانه داری بشود بواسطه اینکه در اینصورت حقیقتاً اخبار با وزیر مالی نخواهد بود زیرا وقتی که خزانه داری پیشنهاد کرد و وزیر مالی تصویب ننمود تا باین پیشنهاد بماند با اگر با هم که عاقبت بدون نظر آن پیشنهاد کننده تصویب نخواهد شد پس این مأمور از طرف وزیر مالی منصوب نخواهد

شد و مأمور بیکه از طرف وزیر منصوب نشود همانطوریکه است که دیدیم و مقاسد بیکه بر آن مترتب شد باز مشاهده خواهیم کرد.

مخیر - بنده خیلی متأسف هستم از اینکه بیاناتی که آقای مدرس فرمودند بر خلاف اظهار بود و خلاصه فلسفه را که اظهار داشتند این بود که ما نظر به تجربه که کرده ایم پیشنهاد خزانه داری نتیجه خوبی نداشت و تصور فرموده اند که این خزانه داری که مطابق تشکیلات جدید معین می شود یا آن خزانه داری که مطابق قانون ۲۳ جوزا معین شد بود بیک چیز مشترکی دارد و حال اینکه اگر دقت بفرمایند غیر از ح - خ - زالف - نون - ه چیز مشترک دیگری ندارند و بقرینه بنده همان وزیری که بعضی از آقایان اینهمه اصرار دارند تمام اختیارات را در وجود او متمرکز بکنند اگر حقیقتاً بتواند این قانون را اجرا کند بهترین قانون خواهد بود که نوشته شده است و بنده در مقابل پاره از اظهارات آقای حاج شیخ اسدالله باین نکته اکتفا نموده و عرض میکنم که خوب است در مقابل قانون و قانون گذاری که در داخل اشخاص شویم البته باید مجلس بیک رأی که میباید از روی دقت و ملاحظه باشد ولی در شور اول قانون تشکیلات مالی در موقعی که راجع بوظایف خزانه داری مذاکره میشد بنده دیده دو فقره از وظایف او در مجلس تصویب شد یکی تمرکز و جمع آوری تمام عایدات نقدی و جنسی دولت و دیگری تأدیبه حوالجات مستقیم و اعتباری وزیر مالی در حدود مقررده قانون وقتی که این دو مسئله در مجلس مذاکره و تصویب شود معلوم است که مجلس در نظر ندارد خزانه را تحویل بیک صندوق آهنی بکنند که مازاد عایدات و لایات بآن وارد شود و خزانه دار فقط مکلف به تحویل گرفتن آن باشد بلکه خزانه داری خواهد بود که مطابق تشکیلات جدید و بر حسب این قانون تأسیس میشود و مطابق با قانون اداره است در عرض ادارات وزارت مالی و در تحت او همان وزیری خواهد بود که آقادر اصرار دارند مقتدر باشد و چنانکه برای سایر اداراتی که تأسیس شده است وظایف را قائل شده اند که بیک مسئله وصول و دیگری مسئله تأدیبه مخارج دولتی باشد و قریب در مرکز برای بیک اداره این دواصل را قائل شدیم و گفتیم که باید آن اداره امر وصول و مخارج را مرتب بکنند و معتقد شدیم که هر دو از وظائف اداره خزانه داری است البته علاوه بر مرکز دولت در تمام نقاط مملکت ایران هم مخارج دارد لذا باید تمام وسائل انجام این وظیفه را هم برای او فراهم کنیم الا آن حرف اولی ما طبعاً بر ما خد خواهد بود و حرفی زدیم که وسائل در موقع تشکیلات از او سلب کردیم پس ما مجبوریم قائل شویم خزانه داری وظیفه اش جمع آوری و مسئول وصول عایدات میباشد و تأدیبه مخارج مملکتی هم بعهده او گذاشته شده است و از نقطه نظر وصول خودسریهای سابق مرتفع و محدود بحدود معینی شده است پس باید مأمورین در موقع جمع آوری عایدات محدود باشند بدستور - العملها و صورت جزء جمعهای که از طرف اداره سکل تشخیص عایدات برای آنها فرستاده میشود

پس این بیک حدی است که مقرر شده و بواسطه آن تا بیک اندازه از خود سربها جلوگیری خواهد شد و از حیث مخارج هم معلوم است بعد از خیلی سختی محدود شده است و اجازه مخارجی که مطابق بودجه و اعتبارات مصوبه باشد و حواله آن رسیده باشد بخرزانه داری داده شده پس ما باید بگوئیم که از برای هر یک از عملیات این ادارات مختلفه ممکن است مأمورین مختلفه در ولایات داشته باشیم این بیک نظری است که شاید از روی کاذب خیلی مشتمع و در عالم الفاظ خیلی خوب نباشد و در زمینه آنهم بیک حرفهای خیلی قشنگ گفته شود ولی این بیک نظری است که حقیقتاً روح ندارد و از جهاتی بی تناسب خواهد بود که یکی از آن جهات اجازه نماندن بودجه مملکت میباشد یا این است که باید در کلیه ایالات و ولایات فقط بیک مأمور اکتفا کنیم و مسلم است آن مأمور کارش وصول عایدات هم تأدیبه مخارج دولتی خواهد بود حالا نمی دانم آقایان در باب تعیین مأمور بیکه در فلان ولایت کارش عملش وصول مالیات و تأدیبه مخارج دولتی می باشد چه تصور میکنند آیا تصور میفرمایند که باید آن مأمور از طرف اداره دیگری غیر از اداره خزانه پیشنهاد شود و بطوری تعیین شود که به چه نظر اداره در مرکز مسئولیت آن وظایف را دارد و در آن باشد بقرینه بنده این تصور غلط است و صحیح نیست بواسطه اینکه وقتی در مرکز بیک اداره مکلف باین تکلیف شد طبعاً برای اجراء این تکلیف اول اختیاری که باید باو داده شود اینست که در تعیین مأمورینی که برای انجام تکلیف او معین میشوند نظر داشته باشند نه اینکه نظر او را هیچ شرط ندانیم اگر در این ماده دوباره دقت فرمایند معلوم میشود که در تعیین مأمورین فقط برای خزانه داری حق پیشنهاد کردن را قائل شده و در مقابل اینکه از این حد هم قدری کاسته شود برای وزیر مالی حق رد این پیشنهاد را هم قائل شده ایم و اینکه آقایان میگویند حکم وزیر مالی در اینجا فقط بیک لفظ ظاهری است و هیچ معنوی ندارد بواسطه اینکه آن مأمور وقتی که بولایات رفت خودش را مستقماً از طرف خزانه مأمور خواهد دانست و غیر از دستور العمل اداره خزانه کار دیگری نخواهد کرد بنده عرض میکنم از این ترتیب هم جلوگیری شده است و حق انفصال آن مأمور بوزیر عدلیه داده شده است علاوه بیک معاکماتی را هم قائل شده ایم که هر کس از مأمورین مالی شکایتی داشته باشد بان محکمه رجوع کند و تصدیقات اداری آنها هم بیک مجلس مشاوره عالی معول شده است برخلاف سابق که اگر کسی شکایتی از مأمورین مالی داشت بخود آن مأمور رجوع میکردند و از خود او توضیح میخواستند و البته آن مأمور هم جواب صحیحی نمیداد

بالاخر رسیدگی بدهای حقوقی را چه بجا کلمات و رسیدگی بقرصبات اداری مأمورین بیک مجلس مشاوره عالی معول شده و حق انفصال آنها را هم مستقیماً بوزیر مالی داده اند بنا بر این از آقایان استمداد میکنم که بیش از این تقاضا نفرمایند که حتماً باید بر حسب پیشنهاد اداره پرسنل پیشنهاد شود و دقت بفرمایند موافقتی که برای تشکیلات مالی ولایات نوشته میشود

باید حتماً تا قانونی از برای تشکیلات مالی مرکزی نوشته میشود مطابق بکنند و این قانون باید بیک قانونی باشد که در تمام موادش بیکدیگر مربوط و شامل بیک اصولی باشد در خانه عرض خود بیک مسئله را میخوانم عرض کنم که آیا آقایان این تعاشی را از چه دارند از کله خزانه داری یا از عملیات گذشته آن طبایع تصور کرد که این تعاشی را از کله خزانه داری ندارند زیرا ممکن است بجای آن کله کله دیگری تعیین بیک نام دیگری وضع کنیم هیچ اهمیتی ندارد و عملیات را وقتی تصور میفرمایند چه خوب و چه بد اگر وزیر مالی خوب باشد ممکن است عملیات اداره تشخیص عایدات مرکزی وزارت مالی هم خوب باشد و اگر بد هم باشد ممکن است تمام ادارات مثل هم باشند پس خوب است اصرار نکنند که بدی یا خوبی منحصر بخرزانه داری خواهد بود

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی نمیدانند (گفته شد کافی نیست)

رئیس - وی میگوید آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست

آقا سید فاضل - بنده اولاً اینها هم اهل این مملکت و علاقه داران باین مملکت یعنی این ملت فقیر چه گناهی کرده اند که باید اینقدر در تحت فشار باشند بواسطه قانون ۲۳ جوزا که برداشته شد و اقامت روح قانون ۲۳ جوزا در این قانون میباشد و در قانون تشکیلات مرکزی که مذاکره می شد باید مأمورین هم از ترتیبات ولایات بخواهی مسیوق هستند و تصدیق خواهند فرمود که در اقصای بلاد ایران این قانون تشکیلات چه سوء اثری خواهد داشت دیگر اینکه فرمودند اعضائی که برای ولایات لازم است باید از بیک اداره معین شود بنده باین قدمت موافقم ولی نه باین ترتیب که خزانه دار پیشنهاد کند اگر بیک بیشکار مالی در بیک ولایتی برخلاف وظایف خودش رفتار کند البته چه اداره خزانه چه سایر ادارات می توانند خلاف او را برض وزیر برسانند تا وزیر او را معزول کند ولی اگر اجزائی بجهت ولایات لازم شود اداره پرسنل ده نفر باینج نفر را پیشنهاد میکنند و از بین آنها وزیر هر کس را خواست انتخاب میکند چنانچه در سایر ادارات هم همینطور است و گمانم اینست که محتاج به پیشنهاد خزانه داری نباشد مثلاً امروز رئیس اوقاف فلان محل فلان تقصیر کرده و او را منفسل میکنند بقوی پیشنهادی که اینجا نوشته اند پیشنهاد تعیینی است در تعیینی است یعنی هر چه او پیشنهاد میکند باید قبول شود زیرا بیک صبارت دیگری در ذیل نوشته اگر وزیر قبول نکرد باز در تانی پیشنهاد میکنند و معنی این پیشنهاد تانی اینست که عاقبت باید پذیرد بنده عرض میکنم که این پیشنهاد مشر نمی نیست و عملاً مراد از این پیشنهاد تانی اینست که خزانه دار تعیین میکنند و اینکه میفرمایند بعضی ادارات مثل اداره تشخیص عایدات و اداره محاسبات و غیره که در قانون تشکیلات مرکزی گذشته در مرکز تشکیل میشود و بصورت جمع و خرج عایدی مملکت رسیدگی میکنند و امانت مالی و بیشکاران مالی هم

بولایات میروند و مالیاتهای را که از مودیان بیکجا میگیرند بخرزانه داری میبرند از آنجا ابتدا علاج این فشار را از نمیکند و اگر درست دقت بفرمایند روح قانون ۲۳ جوزا در همان چیزی است که از مودیان بیکجا میگیرند و ما هنوز مودیان متعددی در این چند ساله ندیده و نشنیده ایم مثل اینکه خودم در گیلان و بعضی جاهای دیگر بوده و دیدم که هر مأمور بیکه از طرف دولت می آید هر چه مطالبه کرده داده اند و بنده این قانون تشکیلات را کاملاً ملاحظه کرده ام و ابتدا رفع آن فشار و اختیاراتی که در قانون ۲۳ جوزا بوده است نکرده است فرمایشات آقای مخیر هم که بنده را قانع نکردند بنده هم سایر آقایان را قانع کرده است یا خیر.

مخیر - عرایض بنده اگر آقارا قانع نکرد فرمایشات ایشان هم در اصل قانون نبود که کسی را قانع کند

مقتضی السلطنه - اینکه آقای مخیر اظهار داشتند در این قانون باید آن نظریه داشته باشیم که با قانون مرکزی مطابقت بکنند بنده خاطر معترضان را متذکر میکنم که هنوز معلوم نیست در آن قانون تشکیلات مرکزی هم نظر موافقتی باشد بنده که یکی از نمایندگان ممالک است تشکیلات هم مخالفم و هر ایشم را در شور دوم خواهم کرد اینکه می فرمایند خزانه مثل سابق نیست و اختیارات از خزانه دار گرفته شده است اینطور نیست فقط به حوالجات تصویب کمیسیون تطبیق حوالجات و امضای وزیر مالی ولی در سایر مواد گمان نمیکند اختیاری برای وزیر باشد و هیچ فرقی نکرده خود آقای مخیر هم از ترتیبات ولایات بخواهی مسیوق هستند و تصدیق خواهند فرمود که در اقصای بلاد ایران این قانون تشکیلات چه سوء اثری خواهد داشت دیگر اینکه فرمودند اعضائی که برای ولایات لازم است باید از بیک اداره معین شود بنده باین قدمت موافقم ولی نه باین ترتیب که خزانه دار پیشنهاد کند اگر بیک بیشکار مالی در بیک ولایتی برخلاف وظایف خودش رفتار کند البته چه اداره خزانه چه سایر ادارات می توانند خلاف او را برض وزیر برسانند تا وزیر او را معزول کند ولی اگر اجزائی بجهت ولایات لازم شود اداره پرسنل ده نفر باینج نفر را پیشنهاد میکنند و از بین آنها وزیر هر کس را خواست انتخاب میکند چنانچه در سایر ادارات هم همینطور است و گمانم اینست که محتاج به پیشنهاد خزانه داری نباشد مثلاً امروز رئیس اوقاف فلان محل فلان تقصیر کرده و او را منفسل میکنند بقوی پیشنهادی که اینجا نوشته اند پیشنهاد تعیینی است در تعیینی است یعنی هر چه او پیشنهاد میکند باید قبول شود زیرا بیک صبارت دیگری در ذیل نوشته اگر وزیر قبول نکرد باز در تانی پیشنهاد میکنند و معنی این پیشنهاد تانی اینست که عاقبت باید پذیرد بنده عرض میکنم که این پیشنهاد مشر نمی نیست و عملاً مراد از این پیشنهاد تانی اینست که خزانه دار تعیین میکنند و اینکه میفرمایند بعضی ادارات مثل اداره تشخیص عایدات و اداره محاسبات و غیره که در قانون تشکیلات مرکزی گذشته در مرکز تشکیل میشود و بصورت جمع و خرج عایدی مملکت رسیدگی میکنند و امانت مالی و بیشکاران مالی هم

تشخیص عایدات میتوانند برض وزیر برسانند و تصدیقات آن آدم را رجوع به مجلس مشاوره عالی نمایند و رسیدگی کنند چنانچه خلاف کارست معزول شود و این که فرمودند با این تشکیلاتی که در مرکز داریم از قبیل معاکمات و غیره باید توحش آقایان رفع شود بنده عرض میکنم خود آن معاکمات بیشتر اسباب توحش ما است زیرا فلان آدمی که امین مالی از اوس می تواند بیک مسافت خیلی بپاید است چطور می تواند از بیک مسافت خیلی بپاید بتهران بیاید شکایت کند که فلان امین مالی فلان مقداره از من پول گرفته است در صورتی که اگر خواسته باشد بیاید باید میباید خرج کند و دوسال هم معطل بشود و ربع صدی پنج مدینه را بدهد و مبلغی متضرر شود و بعد برود بنا بر این بنده بیکی مخالفم که از طرف خزانه داری پیشنهاد بشود و باید در هر موافقی که لازم شد اداره پرسنل آن آدم را معین کند و بنظر برسانند و حکم صادر شود.

مخیر - بنده عرایض خودم را تکرار نمیکند فقط عرض میکنم در اینجا که میفرمایند باید اداره پرسنل امضا را معین بکنند مثل اینست که گفته شود وزیر مختار ایران را در لندن اداره پرسنل وزارت خارجه باید معین کند اداره پرسنل بیک وظائف اداری مخصوصی دارد اداره پرسنل باید اسامی اشخاص و مأموریت و وقایع خدمت آنها را ثبت کند نه اینکه مداخلات در کار وزیر یا غیره بنماید ولی در ضمن تعیین فلان مأمور فلان جا اگر اداره پرسنل مراجعه نمایند برای اینست که اگر بیک مأموری از خارج برداشته شده باشد اداره پرسنل اسم چند نفر را معین می کند و هر بیک را که لایق باشند و خوب امتحان داده باشند معین خواهد کرد و همین قضیه در پرسنل وزارت مالی هم هست معلوم است وقتی قرار شد بیک مأموری برای فلان ولایت تعیین شود اسم اولار طرف اداره پرسنل تعیین میشود اسم از اینکه تعیین این مأمور به پیشنهاد خزانه باشد یا به پیشنهاد اداره دیگری به حال باید از اشخاصی باشد که اسمش در اداره پرسنل ضبط است پس این مسئله هیچ مربوط بهم نیست پیشنهاد کردن اداره پرسنل از حیث بودن اشخاص در فلان اداره است و پیشنهاد کردن فلان اداره از بیک نقطه نظر دیگری است پس این دو نقطه نظر را نباید بهم مخلوط کرد اما اینکه فرمودند اگر بیک امین مالی در بعضی از ولایات جرمی از کسی بگیرد تکلیف آن آدم چیست بیکجا برود و بنده عرض میکنم این ایراد باین قانون وارد نیست سابق چه میکردند در همان دوره هائی که تعیین امضاء و بیشکاران مالی با وزیر بود مثلاً در (دره جز) اگر امین مالی سی تومان از کسی میگرفت در آنجا معاکماتی نبود عاقبت رجوع میکردند بر مرکز بوزیر مالی و در امورات او رسیدگی میشد چنانچه حقیقت داشت شاید معزول میشد اگر آنوقت معزول میشد حالاهم معزول میشد پس در اینصورت از آقایان خواهش دارم که بیک قدری دقت بفرمایند و قریباً بخواهند بیک قانونی وضع بکنند بیک اظهاراتی بنا ملت و تعدیلات امنای مالی که اصلاً از این قانون

موضوع مباحثه نیست نفرمایند و يك اظهار متعلقى
بفرمایند و بگویند در اینجا فلان ایراد قانونی وارد
است و خوب است همیشه مراعات نراکت را بفرمایند
بنده متأسف هستم از اینکه مخیر هستم و باید نظر
کنم باین دفاعرا کنم و تصور بفرمایند که در باب
تعیین صدور امتناء و پیشکاران مالى در ایران بنده
شخصاً ذیقبع نباشم بلکه اغلب نمایندگان مسیوقند
که بنده از همه ذیقبع تریم

رئیس - مذاکرات کافی نیست - (اظهارى
نشد) رای میگیریم آقایان که مذاکرات را کافی
میدانند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)
رئیس - کافی نمیدانند - اگر مقصود آقایان
پیشنهاد است پیشنهاد شده است

حاج شیخ اسدالله - چون آقای مخیر فرمودند
داخل در اشخاص در ضمن قانون گذاری نباید شد
بنده هم داخل در اشخاص نمیخوم داخل میخوم در
ترتیب قانون و نظریاتی که در این قانون راجع به
تشکیلات ولایات دارم در اینجا برای تعیین پیشکاران
و امتناء مالى يك اختیاراتی بخرانه داری داده است
صحيح است که قانونگذار نباید با شخص کار داشته
باشد ولی قانونگذار باید نظر بمقتضیات وقت داشته
باشد و مقتضیات مملکت را بشنجد و به پند این
قانون بدست کسی اجرا می شود تمام این
جزئیات را در ضمن قانون گذاری باید ملاحظه کند
قانون فرانسه را امروز در ایران نمیخواهیم اجرا
بکنیم و همچنین قانون مالى انگلیس را مانده توانیم
در این مملکت جاری کنیم با اینکه تصدیق دارم خیلی
خوب قانونی هم هست ولی از برای آن مملکت نه
از برای این مملکت باز عرض میکنم قانونگذار
باید مقتضیات محل را در ضمن قانون گذاری ملاحظه
کند یعنی باید نظری هم بجاری قانون داشته باشد
میرمایند اگر وزیر مالى نظرات نامه در این قانون
بکند و بوقع اجرا بگذارد خیلی خوب قانونی نوشته
شده است بله از قانون (۲۳) جزوا را هم يك
وزیری میتوانست که بوقع اجرا بگذارد اینطور
نمیشد بنده عرض میکنم نمیتوانست نه اینکه تمهید
کرده باشد که بوقع اجرا بگذارد اگر کاملاً بوقع
اجرا میگذاشت باین اندازه هرج و مرج در عایدات
مملکت نمیشد بنده عرض میکنم اختیار را بدست يك
نفر خزانه دار دادن هیچ چیز خوبی نیست و ابدأ
تعیین پیشکاران مالى و امتناء مالى را نباید بمهمله
خزانه دار گذاشت اگرچه در ذیل این عبارت نوشته
شده (در صورتی که وزیر مالى با پیشنهاد خزانه داری
مکمل موافقت نداشته باشد تجدید پیشنهاد خواهد
شد) ولی بنده عرض میکنم بمالاً باید پیشنهاد خزانه داری
را قبول بکنند بواسطه این که فرضاً در مرتبه
اول رد کرد در مرتبه ثانیه هم رد کرد آخرش چه
عاقبت مجبور است پیشنهاد او را قبول کند خزانه دار
پیشنهاد خودش را تجدید میکند معنی اینست که
عاقبت باید وزیر مالى پیشنهاد خزانه داری را بپذیرد
و اینکه میرمایند در اینجا نوشته شده بفرمان همایونی
منصوب میشوند این عبارت برای پیشکاران مالى
يك تعارف بسیار خوبی است یا آنکه تفسیری نمی
کنند عرالش میکنند و هكذا وزارت خارجه ما که
يك قدری سمت اداری دارد وزارت مالى هم همین
قسم است حالا ما مأمورین و پیشکاران مالى ولایات

را با يك طرح تازه باید معین کنیم فلسفه آن را
نمیدانیم چیست پیشکاران و امتناء مالى را باید مثل
رؤسای مرکزى که وزیر مالى معین میکند باید معین
کنیم مثلا ادارات مرکزى يکى اداره تشخیص است
رئیس او را کی معین میکنند و همچنین ادارات دیگر
را که در مرکز است البته وزیر معین میکند امتناء
و پیشکاران مالى ولایات و رؤسای مرکزى در عرض
هم هستند و باید وزیر معین کند باین ترتیب که
اداره پرسنل که اسامی اشخاص را در کتاب و در
دوسیه خود ضبط میکند بوزیر معرفی میکند و نظر
و رایى هم ندارد اما اینکه میگویند خزانه داری
پیشنهاد می کند این معرفی نیست این نصب
است و نصب حق رئیس وزارت خارجه است
مگر نصب اجراء جزئى که هر اداره دارد و الان نصب
رؤسای باید بوزیر مالى بشناید و این پیشنهاد خزانه دار
که حالى مطرح مذاکره است با این ترتیب تعیین
دارد زیرا از طرف پرسنل معرفی صرف است و از
طرف خزانه دار نصب است آقای مخیر در ضمن
بیان نشان فرمودند که ما حق عزل را بوزیر داده ایم
بلى این حق عزل منتهى نمی بخشد بواسطه اینکه
ما در دوره قبل دیدیم که مأمورین ما خرابی کردند
و بعد از عزل هم به چوچه آن خرابیها تدارك نشد
این که گفتند مجلس شورای ملی نبود بعد از اینهم
ممکن است که همینطور بشود زیرا همیشه مجلس
شورای ملی که نخواهد بود ۲ سال هست و بعد باز
۲ سال میکشد تا مجدداً متفرغ شود و اینکه فرمودند
قانون ۲۳ جزوا را اگر روزها بمورد اجرا میگذارند
اینطور نمیشد عرض میکنم این قانون هم بمواز این
آنطورى که باید اجرا شود نخواهد شد مساحکایت
آنها کرده ایم میگوئیم يك زهرى بکسی میدهیم
بخورد بعد در او میدهیم چاق میشود داعی تعاریرم يك
کاری میکنیم که مجمل و مشتبه باشد که فرضاً يك کما
بشود بله آقای مخیر يك برایش علمی در کمیون فرمودند
و آن این بود که باین ترتیب که مأمورین و پیشکاران
مالى هیچ در تحت نظر خزانه داری نباشد لازم میشود
مخارج بوقع بشود و تقبیلش در مخارج نباشد بمقصد
بنده این بیانات هر چه میشود تکرار است

رئیس - باید در موقع توضیح دادن فقط
راجع به پیشنهاد توضیح داده شود نه اینکه داخل
در اصل مطلب شد

مخیر - اینکه میرمایند مأمورین مالى بمثل
سایر وزارت خانه ها معین شود عرض میکنم ترتیب
وزارتخانه ها مختلف است و هر وزارتخانه يك ترتیبی
دارد مثلا در وزارتت اگر اینطور بشود تصدیق
خواهند فرمود که هیچ اشکالی فراهم نخواهد شد
بواسطه اینکه اختیارات فوق العاده بوزیر مالى داده
نشده است و بعد از آنی که امتناء با پیشکاران مالى
بهر نقطه گرفتند مطابق تشکیلات مرکزى روابطش
با تمام ادارت معین است هم روابطی با خزانه داری
و هم با وزارت مالى بجهت اینکه صورت عایدی خودش
را باید آخر هر برج بخرانه داری بفرستد از آنطرف
هم با اداره معاسرات معین است که در آخر هر برج
بهر ماه صورت معاسرات خودش را میدهد و اداره
معاسرات هم از جمع و خرج و بودجه اطلاع پیدا
خواهد کرد همچنین بمقصد بنده باید يك صورتی هم
بگذاره تطبیق حوالجات بفرستد چنانچه سابقاً هم عرض
کرده و حالا داخل در آن موضوع نمی شوم

استعمال بکنند پس چون مجلس هست و این قدرت در
دست ماست نباید از لفظ خزانه داری آنقدر وحشت بکنیم
این ترتیب معین مثل يك کسی است که باقیانی داشته
باشد و يك وقتی مسافرت بکند و باقیان عوض اینکه
آب بدهند بخرتای او را بکنند و بسوزاند پس باید گفت
که دیگر اسم باقیان را نباید بردخیز باقیان لازم است
ولی چون صاحبان نبود باقیان آندرخت هارا بسوزانده
و کشته است والا اگر بود گل کاری میکرد پس این
خرابیها از لفظ خزانه دار نبود از نبودن صاحب بود
بنده عرض میکنم نمیتوان تمام جزئیاتی که در کنار
اداره میشود در قانون ذکر کرد برای جلوگیری از
بعضی ترتیبات هم ما يك پیش بینی کرده ایم و آن
نظامنامه هائی است که برای وزارت مالى خواهیم نوشت
و آن نظامنامه از جزئیات چیزهائی که در قانون
پیش بینی نشده است جلوگیری میکند مثلاً در مسئله
پیشنهاد خزانه داری که موضوع بحث شده است و ما
تصور میکنیم از سوه پیشنهاد بعضی خرابیها وارد
خواهد شد همان مطلب را با اداره پرسنل هم می توانیم
تصور کنیم که اگر پرسنل يك شخصی فاسد یا يك
شخصی مقتدری شد یعنی شخصی شد که ما می ترسیم
همان مقاصد را دارد و حال آنکه چرا باید بترسیم ما
تمام ادارات را در تحت امر وزیر نوشته ایم اداره خزانه
داری اداره معاسرات و اداره پرسنل هم در عرض
هم متساویاً در تحت امر وزیر مالى فرض میکنیم بر
فرض يك خزانه دار که همانوز تشخیص نداد ایم ایرانی
باشد یا اروپائی زیرا اختیار در دست خودمان است
و با خود وزیر مالى است که مسئولیت اداره کردن مالى
مملکت را بعهده گرفته است مثلاً فرض می کنیم
خزانه دار يك کسی باشد که آدم خوبی نباشد ما
که اینجا نوشته ایم فوراً از وزیر مالى سؤال میکنیم
که فلان امین مالى در فلان جا حرکت بی قاصده را
کرده است وقتی که این خبر بما رسید جداً وزیر
مالى ناچار است آن امین مالى را از آنجا بردارد
میگویند بواسطه اینکه در تحت نفوذ خزانه داری
است مخالفت خواهد کرد فوراً خود خزانه دار را
بر میدارد و معزول میکند کجای این قانون نوشته
شده است که او حق ندارد رؤسای ادارات خودش
را معزول کند باین اختیاریکه مجلس باو داده است
هر وقت یا هر ساعتی به بیند بواسطه خودش عمل
نکرده آن اختیار را از او سلب خواهد کرد یعنی
هر ساعت که او بوطایف یا انتظامات خودش عمل
نکرد او را تحت معاکمه میکشد بشاوهه صالحی
رجوع میکند پس از ثبوت تقصیر او را عزل می
کند دیگری را می گمارد چون وزیر مالى مسئول
ما است او باید این مسئله را انجام بدهد در واقع
روح تشکیلات مالى تشکیلات ولایات است چون
امر دادوستد از ولایات انجام میشود و عمده مواد
تشکیلات ولایات هم این ماده است در واقع روح
قانون مالى مربوط به همین قسم است و پس اگر بحث
زادى در اینجا بشود يك چیز زیادى نخواهد بود
در نظامنامه هائی هم که بعد در اینجا بنویسیم برای
این ادارات حتماً در آن نظامنامه ترتیب امتناء را
باید بنویسیم چون امتیاز قضای شرط است باینلیل
این که امور مالى يکى از امورات مهم
فسى است که باید کلیه حساب بدانند
معلومات داشته باشند امتعان داده باشند و امتان
داشته باشند و پیشکاران مالى هم معتبر باشند و شکسته

نباشند ول کرد نباشند تمام اینها يك چیزهائی است
که باید در نظامنامه وزارت مالى نوشته شود در این
صورت اگر موافقت بکنند باید کمیسیون قوانین مالى
را صبح و عصر تشکیل بدیم و باین کار رسیدگی
کنیم و نظامنامه ما را بنویسیم بدیم بدست وزیر
مالى هر کس میخواهد باشد وزیر مالى هم که مستظهر
بمجلس است با کمال قدرت آنرا اجرا میکند در
خانه عرض میکنم خوب است يك قدری دقت بکنید
و التفاتی بفرمایند که این قانون را خیلی زود
بگذرانیم و در جزئیات آن که عملاً موضوع بحث
نیست در اینجا مذاکره نکنیم که وقت مجلس
تضییع نشود
رئیس - حالا مذاکرات را آقایان کافی
میدانند (اظهارى نشد)
رئیس - سه فقره پیشنهاد رسیده است يکى
از طرف آقای مدرس و يکى هم از طرف آقای
آقاسید فاضل يك پیشنهاد دیگر هم هست که چهار
نفر امضاء کرده اند فراتر میشود (پیشنهاد آقای مدرس
بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم بجای ماده هفتاد این قسم
نوشته شود (پیشکاران مالى بر حسب پیشنهاد اداره
پرسنل و تصویب وزیر مالى و فرمان همایونی و
امناء مالى بر حسب پیشنهاد اداره پرسنل و حکم وزیر
مالى معین میشوند)
رئیس - پیشنهادی هم که با مضای چهارده
نفر رسیده همین است (بمضمون فوق قرائت شد)
رئیس - پیشنهاد آقای آقاسید فاضل قرائت
میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم ماده هفتاد چنین نوشته
شود (پیشکاران و امتناء مالى بر حسب پیشنهاد اداره
پرسنل و تصویب وزیر مالى و فرمان همایونی در
خصوص پیشکاران و حکم وزیر مالى در خصوص
امناء مالى معین میشوند و دائره پرسنل مکلف است
که آراء مشورتی رؤسای اداره تشخیص عایدات و
خزانه داری محاسبات کل را در تعیین پیشکاران
و امتناء مالى تحصیل نموده و به پیشنهاد خود
ضمیمه نمایند
رئیس - پیشنهاد آقای آقاسید فاضل هم
همان پیشنهاد اولی است که قرائت شد بضمیمه يك
جزئى اختلاف عبارتی حالا مسترد میدارید یا باید
رای بگیریم
آقاسید فاضل - مسترد میدارم
رئیس - پس همان پیشنهاد اولی را باید مطرح
مذاکره قرارداد آقای مخیر توضیحی دارید
مخیر - توضیح بدهند بعد عرض کنم
مدرس - اگرچه گمان میکنم هر چه در این موضوع
مذاکره کنیم معنا تکرار خواهد بود ولی چون اشاره
به بعضی مطالب شد عرض میکنم اولاً ما نمیتوانیم
باید طرح تازه در کار مالى بکنیم یا بهمان طریقی که
مرسوم است باید رفتا کنیم مثلاً ما چند وزارتخانه
داریم وزارت پست و تلگراف داریم وزارت داخله
داریم اینها هر کدام يك مأموریتی دارند مأموریشان
را بطور معین میکنند مثلاً تکرار خانه يك وزارت
خانه است بترتیب اداری اداره میشود يك مأمورى
دارد که محل اشخاص را ضبط کرده است و شخص
خوب و بد را تمیز میدهد بعد از آنکه میخواهد
مأمورى برای جانی معین کند اداره پرسنل بوزیر

پیشنهاد میکنند وزیر معین میکند مدتی هم میکند
یا تفسیری میکند نه اینکه اثری در تعیین امتناء و
پیشکاران مالى داشته باشد خلاصه این است که
اختیار را بدست خزانه میده میفرمایند در ضمن
تشکیلات مرکزى بعضی وظایف برای خزانه داری
معین شده است و اختیار وصول و خرج بعهده او
و گذار شده است بنده عرض میکنم هنوز هم معلوم
نیست آن اختیار را مجلس برای خزانه دار تصویب
خواهد کرد یا نه بر فرض اینکه تصویب هم بکنند
این اندازه اختیاری که در تشکیلات ولایات بخرانه
داری داده شده است در ضمن تشکیلات مرکزى
داده نشده است و در آنجا فقط میگویند خزانه داری
مأمور جمع آوری عایدات مملکتی است و آنهم اقسام
مختلفه دارد يکى آنست که عایداتی را که مأمور
مالى از محل دریافت کرده از آنها دریافت میکند
و جمع میکند این از وظایف خزانه داری است البته
باید اینکار را بکند که اگر هر آینه در آخر هر
برج و در آخر هر ماه صورت آن عایدی خودش را
بخرانه داری نداد خزانه دار باید در کمال سختی
مطالبه عایدات را بکند مگر اینکه پیشکار مالى
مدلل بدارد که هنوز عایداتی از محل وصول نشده
است آنوقت يك ترتیب دیگرى دارد این اندازه
اختیارات را خزانه داری دارد اما بکلی اختیار امضاء
و پیشکاران مالى را بخرانه دار دادن بکلی قلم
است و تصور نمیکند در هیچ مملکتی هم اینطور
باشد که جمع و خرج را بدست خزانه دار بدهند
بله تصدیق دارم که اگر آن وضع قدیم هم که
آقای مخیر فرمودند خوب بود که وزیر مالى بفعل
مایشاه بود دیگر محتاج باین ترتیب نمیشدیم چون
وضع قدیم را خوب ندیدیم و دیدیم که وزیر مالى
ما مالى مملکت را حراج نمود مجبور شدیم قانونی
بگذاریم که دیگر مثل سابق نشود این راهم بنده
تصدیق دارم و حرفی ندار اما از آنطرف هم آن
اختیارات را بکلی بخرانه دار دادن یعنی از وزارت
مالى گرفتن و دادن بخرانه دار صحيح نسبت و البته
خودتان تصدیق خواهید فرمود که قلم است پس
چه باید بشود اگر يك اداره جمعی در این قانون بود
این وظایف اداره جمع بود ولی در اینجا صحبت شد
که اگر اداره جمع را بلیخه در این قانون اضافه بکنیم
يك مخارج فوق العاده بر بودجه مملکتی تحمیل
میشود این را قبول، دائم ملاحظه صرفه و
اقتصاد شده است پس نه اختیارات را
بدست مالى وزارت مالى باید داد نه بدست خزانه داری
ممکن است مطابق ترتیبات اداری سایر وزارتخانهها
باشد چنانکه در وزارت عدلیه هم همین معمول شده
است تعیین و نصب قضاة و اعضاء عدلیه مطابق يك
امتناعی و بهرای مجلس مشاوره عالی است چرا این
مشاوره عالی رؤسای ادارات برای رسیدگی باشخاص
داوطلب خدمت خزانه داری مشاوره کنند و سابقاً
اصال اشخاص و بمعلومات و اخلاق و افعال آنها
رسیدگی نمایند بعد از اینکه رسیدگی کردند اینها
يكرائی اتخاذ میشود و آن رای را پیشنهاد وزیر
بیکند و تعیین آنها را با اختیار وزیر میکنند و تدارك
پست و تلگراف را يكطور تعیین میکنند در وزارت
داخله طور دیگر و در وزارت عدلیه بطرح دیگر
وزارت خارجه هم بطریق دیگر پس در همه وزارت

خانهها تعیین مأمورین يك حال ندارد و اینکه مقرر نماید
 پیشنهاد خزانه داری نصب است و مقصود هم از پیشنهاد
 معرفی است و مقرر نماید آنهم وظیفه اداره پرسنل
 است برای رفع شبهه عرض میکنم که آقا پیشنهاد
 کنند (بمعرفی خزانه و تصویب وزیر معین شوند)
 بنده این پیشنهاد را می پذیرم برای آنکه تصور
 نفرمایند مقصود نصب است اختیار نصب با وزیر
 مالمه است و مقصود معرفی است اداره خزانه که يك
 کسی را پیشنهاد می کند لیاقت او را برای يك
 رسمیتی معرفی می نماید و اداره خزانه حق دارد
 این پیشنهاد را بکند برای اینکه يك توافق نظری
 بین اداره پیشنهاد کننده و وزیر مالمه باید باشد
 و چون خارج از موضوع پیشنهاد نمیخواهم بشوم
 بطور اشاره عرض میکنم که آقایان قسمت خرجی
 را که برای خزانه داری معتمد هستند تصور نفرمایند
 و راه حلی برای بنده پیدا کنند آن وقت بنده دیگر
 عرضی ندارم این مأمورین که معین میشوند اگر
 مستقیماً به میل وزیر و معرفی اداره پرسنل باشند آن
 وقت نقیضت که اول وظیفه اداره خزانه است باید
 توسط کدام مأمور بشود این را درست دقت
 نفرمایند بعد اگر حرفی دارند جوایش را عرض میکنم
 رئیس - پیشنهادی است از آقای حاج شیخ
 اسدالله و پیشنهادی از طرف آقای عبدالملک که
 تقریباً مضمونشان یکی است و یکی هم از آقای
 حاج شیخ حبیبالله - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله
 قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) بنده
 پیشنهاد میکنم که ماده هفتاد این قسم نوشته شود
 (پیشکاران مالمه بر حسب پیشنهاد دائره پرسنل و
 تصویب هیئت مشاوره عالی و فرمان همایونی و امنای
 مالمه بر حسب پیشنهاد دائره پرسنل و تصویب هیئت
 مشاوره عالی و حکم وزارتی معین میشوند) پیشنهاد
 آقای عبدالملک نیز بمضمون ذیل قرائت شد (بنده
 پیشنهاد میکنم که ماده هفتاد این طور نوشته شود
 (پیشکاران مالمه به پیشنهاد اداره پرسنل و تصویب
 مشاوره عالی و حکم وزارتی و فرمان همایونی
 منصوب و در نصب امنای مالمه به پیشنهاد پرسنل
 و تصویب مشاوره عالی و حکم وزارتی اکتفا میشود)
 (پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیبالله بمضمون ذیل
 قرائت شد) بنده پیشنهاد می نمایم که ماده هفتاد
 اینقسم نوشته شود (پیشکاران مالمه بر حسب پیشنهاد
 خزانه داری کل و تصدیق وزیر مالمه و فرمان
 همایونی معین میشوند مادامی که خزانه مسلمان و تیره
 ایران بوده باشد
 رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله توضیح بدهند
 ولی مختصر باشد
حاج شیخ اسدالله - بنده نظرم در این
 پیشنهاد این بود که بعد از اینکه دائره پرسنل
 پیشنهاد کرده هیئت مشاوره عالی هم تصویب کرد
 و حکم یا فرمان صادر شد تمام نظریات در این
 ترتیب جمع شده دیگر محتاج تصویب خزانه داری
 نیست زیرا در آن هیئت مشاوره عالی تمام رؤسای
 ادارت جمع هستند رئیس خزانه داری هست رئیس
 تشخیص عایدات رئیس کمیسیون تطبیق حوالجات

و رئیس محاسبات هستند بعد از اینکه سابقه عمل آن شخص
 را رئیس پرسنل اظهار کرد تمام این نظریات در اینجا
 جمع شده هم سابقه اعمال آنها که در اداره پرسنل هست هم
 نظریات سایر رؤسای ادارات که در آنها نظر کرده اند
 و وزیر مالمه هم که در آن هیئت ریاست مستقیم دارد
 و در این صورت بنظر بنده تمام آن اشکالات که در
 اینجا میشود دیگر آنوقت نمیتواند نفرمایند رئیس
 خزانه در باب امناه و پیشکاران مالمه در صورتیکه
 مأمور جمع آوری عایدات است هیچ نظری نداشته
 زیرا در آنها هم نظر اوست و هم نظر سایر رؤسای
 ادارات و بان چیزی هم که مال آن ترسان و کربزانی
 گرفتار نمیشوم .
 رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیبالله
 طوری واضح است که دیگر توضیح لازم ندارد اول
 رأی میکنیم در پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله و
 آقای عبدالملک آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه
 میدانند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند) .
 رئیس - قابل توجه شد ماده (۷۱) قرائت میشود
 (باین مضمون خوانده شد) :
 ماده (۷۱) جمع آوری عایدات دولت و وصول
 مالیاتها مطابق دستورالعملها و جزه جمعهای اداره
 کل تشخیص عایدات بر عهده پیشکاران و امنای
 مالمه است .
 رئیس - در اینجا مخالفی نیست - (اظهاری
 نشد و ماده ۷۲ بمضمون ذیل قرائت شد) .
 ماده (۷۲) تأدیبه خارج دولتی مطابق بودجهها
 و اعتبارات مصریه پس از رسیدن حوالجات آن
 مغارج بصویب کمیسیون تطبیق حوالجات و امضاء
 وزیر مالمه بر عهده پیشکاران و امنای مالمه است
حاج شیخ اسدالله - بنده در اینجا
 توضیحی از آقای مخبر میخواهم که این حوالجات که
 برای پیشکاران مالمه میروند آیا باید خزانه داری
 در اینباب نظری داشته باشد یا فقط همان اداره
 محاسبات که آن حواله را صادر میکند بدون اینکه
 بخرانه داری برود یا بنظر او برسد همینکه وزیر
 مالمه امضاء کرد مستقیماً نزد امناه مالمه بفرستد
 بنده تصور میکنم که باید اینگونه حوالجات از مجرای
 خزانه داری سیر کند و باید خزانه داری نظری داشته
 باشد بجهت اینکه دستور از طرف خزانه و بواسطه
 آنصورتی که از عایدات و مغارج در آخر هر برج
 بخرانه داده میشود باید از این حوالجات مطلع باشد
 و امضاء کند
مخبر - این وظیفه را نمیشود از خزانه -
 داری سلب کرد که برداشت مغارج یا خزانه
 نباشد معلوم است نباید خزانه دار هم اطلاع
 داشته باشد
آرباب کیمخرو - بنده در این تبصره
 ملاحظه داشتم در اینجا تنبیهی که برای پیشکاران و
 امنای مالمه معین میکند اینست که اگر تجاوز کند
 بر خلاف قانون يك مبلغی از مالمه دولت را خرج کند
 فقط مسئول وجه خواهد بود یعنی آنچه که خرج کرده
 است بعد از اینکه معلوم شد ببقاعده خرج کرده پس
 بدهد بنده بهتر میدانم که پیشکاران مالمه اگر يك
 تجاوزی بر خلاف قانون بکنند علاوه از مسئولیت
 وجه يك مجازاتی هم داشته باشند و اگر تنبیهی غیر
 از این معین نشود هر کس پیشکار مالمه شود بصورت

اینکه اگر خلاف معلوم و ثابت شد فقط يك مبلغی از
 او خواهند گرفت يك کارهایی خواهند کرد که برای
 دولت اسباب زحمت خواهد شد خوبست آقای مخبر
 توضیح بدهند که مقصود چیست
مدرس - بنده با اظهاری که آقای حاج
 شیخ اسدالله فرمودند موافقم و باید این حوالجات
 بتوسط خزانه داری پیشکاران مالمه برسد چون تمام
 مالمه پیش او جمع میشود باید حوالجات هم بتوسط
 او پرداخته شود
رئیس - پیشنهاد بکنید تازای گرفته شود
محمد هاشم میرزا - بنده با فرمایشیکه
 آقای آرباب فرمودند موافقم ولی مقصود این نیست
 که فقط برای آنها همینقدر مجازات قرار داده شود
 که پول را پس بگیرند بلکه سیاق این ماده اینست که
 اگر پول را بر خلاف قاعده خرج کنند مسئول آن پول
 هستند در ماده بعد مینویسد که مأمورین و پیشکاران
 مالمه که خلاف امور اداره رفتار میکنند بمجلس
 مشاوره عالی رجوع شده و البته در خود مسئولیت آنها
 يكصفا که خواهد شد در صورت تصدیق مجازات خواهند
 شد ولی سیاق این ماده اینطور است که اگر این ترتیب
 خرج کند مسئول وجه خواهد بود و الا اثبات
 شیشی نفی ماعدا را نمی کند و مجازات آنها در ماده
 بعد ذکر شده است
رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد آقای مدرس
 پیشنهادی کرده اند قرائت میشود
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم که در آخر ماده (۷۲) چنین
 نوشته شود (بتوسط خزانه داری بر عهده پیشکاران)
 الی آخر
رئیس - آقای مخبر این پیشنهاد را قبول
 نفرمایند وارد میکنند
مخبر - بلیرا چه بفرمایند بکمیسیون (ماده
 ۷۳ بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده (۷۳) دادن صورت کلیه محاسبات اعم از
 عایدات و مغارج و وجوه تحویلی در آخر هر برج بداره
 خزانه داری کل و محاسبات کل از وظایف حتمیه پیشکاران
 و امنای مالمه است .
رئیس - در این ماده ۷۳ مخالفی هست
 یا نیست .
حاج شیخ اسدالله - بنده آن نظری که سابق
 در قانون تشکیلات مرکزی داشتم تجدید میکنم
 و گویا آقایان همه این نظرها داشته باشند تصور
 میکنم آقای مخبر هم آنروز خودشان قبول کردند
 بعقیده بنده باید بکسورتی در آخر هر برج از طرف
 پیشکاران و امنای مالمه برای کمیسیون تطبیق حوالجات
 فرستاده شود که مسبق باشند از آنچه در خزانه
 موجود است که در موقع تطبیق حوالجات زیادتر از
 ماخذ موجودی خزانه تصدیق و امضاء کنند اگر چه
 شاید خود خزانه داری مکلف باشد صورت موجودی
 خودش را بکمیسیون تطبیق حوالجات بدهد ولیکن
 علاوه بر این کمیسیون تطبیق حوالجات باید باک اطلاعاتی
 هم از مأمورین مالمه تحصیل کند
حاج عزالملک - آقای حاج شیخ اسدالله
 با ذکر وظایف ادارات مرکزی که گذشت اشتباه
 نفرمایند برای اینکه کمیسیون تطبیق حوالجات
 وظیفه اش رسیدگی بحساب امنای مالمه و پیشکاران
 مالمه نیست محاسبه بطور مفصل از عایدات مختلف

و مغارج مختلف هر چه باشد نوشته میشود و بداره
 محاسبات کل فرستاده میشود متنتی صلاح این بود دو
 نسخه باشد یکی بخرانه داری و یکی بداره کل
 محاسبات فرستاده شود تا این دو اداره از عایدات
 هر ولایت مسبق باشند کمیسیون این حواله و
 این اعتباری را که يك وزیر یا يك وزارت خانه
 خواسته است تطبیق میکند برای اینکه بهیندر حدود
 بودجه هست یا نیست و بایستی داده شود یا غیر
 تصدیق صحت آن حواله را میکند اداره محاسبات
 و خزانه داری باید بدانند در فلان ولایات پول داریم
 یا در مرکز ممکن است پرداخته شود اگر کمیسیون
 تطبیق حوالجات را ما بخواهیم مکلف برسیدگی
 حساب هر ایالت و ولایاتی بشمائیم اولاً او نخواهد
 توانست اینکار را بکند و موفق نخواهد شد و علاوه
 باید تصدیق کنیم که در هر ایالت و ولایات يك جمع
 و خرجی هست و صورت آن را هم بداره محاسبات
 و هم بخرانه داری بفرستد و بحساب آنها رسیدگی
 میشود اگر برای اینست که خوب در وظایف پیشکاران
 مالمه دقت شده باشد و مسبق باشند ممکن است
 تصور کنیم يك صورتی هم بوزیر و يك صورتی بمجلس
 شورای ملی و اگر مقام عالی تری هم باشد بکسورتی
 هم بآنجا داده شود
حاج شیخ اسدالله - بنده باز مختصر عرض
 میکنم که نظرم این نبود که آقای حاج عزالملک
 بفرمایند که در هر برج کمیسیون تطبیق حوالجات
 رسیدگی بحساب جمع و خرج امنای مالمه و پیشکاران
 مالمه بکند چون حوالجات اعم از اعتباری و مستقیم بکمیسیون
 تطبیق حوالجات میروند باید آن کمیسه که حوالجات را
 امضاء میکند بدانند که در خزانه امروز وجه موجودی
 مطابق این حواله که صادر شده هست یا نیست که
 يك وقتی يك حواله برای خزانه داری نرود و نگوید
 بکند و بگوید پول نداریم و هر روز اسباب اختلاف
 میان این ادارات باشد باید کمیسیون تطبیق حوالجات
 اطلاع از موجودی خزانه داشته باشد و حوالجاتی
 که بخرانه میروند باید مجلس موجود باشد که بر داند
 این اطلاع از چه راه باید تحصیل شود از این راه
 که امنای و پیشکاران مالمه صورت وجوهی را که
 بخرانه داده اند بکمیسیون تطبیق حوالجات بفرستند
 حالا دیگر آقای مخبر قبول میکنند تا نمی کنند
 نمی دانم
مخبر - این يك قرار داد خصوصی می شود
 مابین خزانه و کمیسیون تطبیق حوالجات خوب است
 اگر مخالفی نباشد بهین ترتیبی که در اینجا نوشته
 شده تصویب شود و خزانه بکسورت بساو بدهد و
 فقط تطبیق حوالجات بخرد او و اکتفا شود
رئیس - گویا مذاکره کافی باشد - ماده هفتاد
 و چهارم قرائت میشود
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده (۷۴) دادن اطلاعات راجه به جزو جمع
 های مالیاتی نقدی و جنسی و عایدات خالصجات بداره
 کل تشخیص عایدات از تکالیف پیشکاران و امنای
 مالمه است
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله در اینجا
 مخالف هستند

حاج شیخ اسدالله - بلی توضیحی میخواستم
 اگر مخالف هم باشم نقض برای من نیست زیرا
 باید بهمم و رأی بهمم اینست که مخالفت خواهم
 کرد اینجام بنویسد که پیشکاران و امنای مالمه بصورت
 عایدات نقدی و جنسی و عایدات خالصجات را باید به
 اداره کل تشخیص عایدات بدهند و حال آن که
 اداره خالصجات راستقیماً جزو اداره تشخیص عایدات
 قرار داده اند میخواستم توضیح بدهند که مقصودشان
 از این که باید صورت بآنجا بدهند چه چیز است
 و حال آن که مستقیماً تحت نظر همان اداره قرار داده
 شده است
مخبر - مقصود آقا را نفهمیدم وقتی که برای
 امنای و پیشکاران مالمه حدودی معین شد و یک مأمورین
 مستقلی بودند مجبورند اطلاعات خودشان را بداره
 مربوط بدهند اعم از این که اداره کردن خالصجات
 مربوط بداره تشخیص عایدات باشد یا نباشد اداره
 تشخیص عایدات باید يك اطلاعی از آن حاصل کند
 و اگر آقای حاج شیخ اسدالله بفرمایند از برای اداره
 کردن خالصجات هم باید مأمور مخصوصی در ولایات باشد
 اینطور نیست بواسطه این که خالصجاتی که دولت
 در ولایات دارد اگر اجازه داده نشده نباشد
 و مستاجر معینی نداشته باشد خود دولت اینجا را
 بتوسط پیشکاران مالمه اداره میکند و ممکن است
 اداره مرکزی اطلاع از عایدات اینجا نداشته باشد
 باین جهت پیشکار مالمه مکلف است از عایدات آنجا
 هم اطلاع بدهد .
رئیس - دیگر کسی مخالف نیست در دفتر
 پیشنهاد شده است که بعد از ماده ۷۴ بعنوان ماده
 الحاقیه نوشته شود یکی از طرف آقای حاج شیخ
 یوسف است و دیگری از طرف آقای محمد هاشم
 میرزا .
 (پیشنهاد آقای حاج شیخ یوسف بمضمون
 ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که این ماده و بقانون
 تشکیلات اضافه نمایند (برای رسیدگی بشکایات
 از مأمورین و پیشکاران و امنای مالمه در مرجع مجلسی
 مرکب از روسای ادارات و دو نفر از مصلحین به
 اوضاع مالمه معنی تشکیل میشود و حکومت محلی
 مأمور به تشکیل این مجلس خواهد بود)
 (پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا بمضمون
 ذیل قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم این ماده الحاق شود بعد از
 ماده ۷۴ در ولایاتی که محکمه مالمه دائره نیست
 اگر شکایت کنندگان تقاضای رسیدگی در محل
 را بنمایند محکمه مالمه مرکزی میتواند دستور دهد
 که مجلس مرکب از چهار نفر از معتمدین محل در
 تحت ریاست یکی از مأمورین دولت که صلاح بداند
 تشکیل شود و باظهارات طرفین رسیدگی نموده صورت
 مجلس نوشته بحکمه مالمه مرکزی بفرستد تا حکمی
 که لازم است داده شود .
رئیس - آقای حاج شیخ یوسف توضیحی
 دارید .
حاج شیخ یوسف - اقوی دلهلی که لازم

نود مجلس شورای ملی قانون ۷۳ جزوا را نسخ
 کند و این قانون تشکیلات را وضع کند شکایاتی
 بود که در ولایات مردم از مأمورین مالمه داشتند
 بنده مشاهده میکنم که در این قانون نوشته میشود
 مجلس مشاوره عالی بتصصیرات مأمورین و امنای مالمه
 رسیدگی خواهد کرد مردم از ولایات بعیده مثل
 بندر عباس یا يك نقطه از آذربایجان که این اندازه
 بعد مسافت دارند بطور میتوانند در مرکز حاضر
 شوند و تظلمات خودشان را اظهار بدارند و رفع
 ظلم از آنها شود در حالیکه تمام تظلمات مردم راجع
 به مأمورین محلی است اگر بخواهند تظلم خود را
 به مرکز بکنند لابد باید تحمل شاقی بکنند والا از
 حقوق خودشان صرف نظر بکنند یا اینکه يك
 تلگرافی بکنند که در جرائد خیلی دیده میشود و
 حضرت رئیس مسبق هستند که از نخصیات و تجاوزات
 مأمورین مالمه شکایت از بلاد میرسد که بنده اطلاع ایشان
 رسانده ام و بوزارت خانه ارجاع کرده اند و ابتدا
 هیچکدام را جواب ندیده بنده عقیده ام اینست
 موفقیت منحصر باین است که برای آسایش مردم
 در بلاد يك حجه ماده قانونی در این تشکیلات
 وضع کنیم
رئیس - آقای محمد هاشم میرزا توضیح
 می دهید .
محمد هاشم میرزا - بنده در پیشنهاد
 خودم توضیح دارم
رئیس - معلوم است در پیشنهاد دیگری نمی
 خواهید توضیح بدهید
محمد هاشم میرزا - آخرین فکری که
 برای اصلاح امور مالمه شد این بود که يكصفا کفایتی
 در وزارت مالمه باشد ولی آرزوی بنده این بود که
 در هر جای مملکت يك محاکماتی تشکیل شود که
 شکایاتی که میشود رسیدگی کند و خیلی هم این
 آرزو جد داشتم بعد که حساب کردم دیدم ممکن
 نیست و بودجه مملکتی باین ترتیب اجازه نخواهد
 داد و مغارج گزافی برای اینکار فراهم خواهد آمد
 بعد قانع شدم باینکه از ایالتی باز دیدم بعضی نقاط
 دیگر میباشد عاقبت آن فکری که برای آقای حاج
 شیخ یوسف دست داده بود برای بنده هم دست داد
 ولی در اینجا هم اشکال دیگری بنظر رسید و آن
 این بود که ممکن است بعضی از رؤسای ادارات
 بواسطه اینکه مواجشان در دست امین مالمه است
 بعضی مطالب بین آنها تولید شود و اسباب اشکال
 پیش بیاید علاوه تمام نقاط هم که مأمورین متعدد
 ندارد مثلا بعضی جاها منحصر است بيك نائب الحکومه
 یا بيك کارکنان آنوقت این محکمه غیر متناسب خواهد شد
 و عده کافی نخواهد شد بالاخره قدر جامی که بنظر برسید
 این بود که در هر يك از نقاط که شکایت کننده خواسته
 باشد شکایت کند و در اینجا تشکیل معاکمات نشده
 باشد (حالا بیک وقتی شاید دولت مطابق آرزوی
 بنده در تمام نقاط تشکیل معاکمات بکند معلوم
 است این پیشنهاد شامل آنوقت نیست) و تقاضای
 رسیدگی در محل بنماید در تحت نظر یک نفر از
 مأمورین دولتی که صلاحیت داشته باشد و محکمه
 مرکزی مناسب بداند يك محکمه تشکیل بدهد برای
 امضاء او هم هر چه فکر کردم دیدم اگر خواسته
 باهم شرایطی قید بکنیم شاید در بعضی ولایات

ممکن نباشد و معظوراتی بیش بیاید و اسباب اشکال بشود عاقبت بنظر رسید چنانچه برای انجمن انتخابات معین کردیم و معتمدین محل درهر ولایتی انتخاب میشوند اینست که معتمدین محل را پیشنهاد کردیم اما چرا محاکمات را بانها واگذار نکردیم دیدیم بعضی جاها هست که نمی توانند اطلاعات کامل داشته باشند شاید محاکمات عدله را با محاکمات مایه مخلوط کنند یا اینکه يك نظر یابی در محاکمات داشته باشند در تمام نقاط مملکت متناسب نباشد لهذا عقیده ام این شد و نوشتیم که در آنجا رسیدگی باظهار طرفین بکنند و صورت مجلس آنرا بمعکم مریزی که بصیر مأمور مایه است بفرستند تا رسیدگی کرده و حکمش را بعهده باین لحاظ این پیشنهاد را کردم و پیشنهاد خود را از پیشنهاد آقای حاج شیخ یوسف اصح مبدانم (پیشنهاد ایشان مجدداً قرائت شد).

عدل الملک - پیشنهادی کدر ماده (۷۰)

شما قابل توجه شد و بکمیسیون رفت اگر این ماده تصویب شود برای اینست که مجلس مشاوره عالی در تقصیرات مأمورین مایه قضاوت کند بعقیده بنده بهتر اینست بعد از آن پیشنهاد بکمیسیون دیگری بقتصیرات آنها رسیدگی کند و اگر صلاح بداند رسیدگی باین تقصیرات بمعکم مایه رجوع شود.

مخبر - البته آقای عدل الملک تصدیق خواهند فرمود و این ترتیب خوب نیست بجهت اینکه نمیتوان تقصیر و خلاف اداری مأمورین رامو کول بمعکم مایه حقوقی کرد و در وزارت مایه هم محکم مایه برای قضاوت در امور اداری غیر مشاوره عالی تأسیس نشده است چون امر دائر بود اینکه حق رسیدگی را بشخص وزیر مایه بدهیم یا با یک هیئتی تصور کردیم که اگر يك هیئتی بدهیم بهتر خواهد بود پس از آنکه این نقطه نظر را پیدا کردیم دیدیم غیر از مجلس مشاوره عالی هیچ محل دیگری در وزارت مایه صلاحیت اینستصا ب را نخواهد داشت.

آصف الملک - تصور میکنم اگر درست

ملاحظه کنند مفاد این ماده کالابر ماده (۶۱) ذکر شده است و این ماده بکلی رائد است اگر مقصود جلوگیری از تجاوزات امانه و بیشکاران مایه است همانطوریکه مذاکره شد باید مجلس در ایالات و ولایات تشکیل شود که مردم يك مرجع نظم نامی داشته باشند والا اگر صرف تقصیرات اداری باشد در ماده (۶۱) کاملاً ذکر شده است.

مخبر - حق با آقای آصف الملک است آن

ماده دیده نشده و اشتباهاً مکرر نوشته شده است و چون ماده (۷۱) مربوط باین پیشنهاد میشود مراجعه فرمائید بکمیسیون.

رئیس - ماده (۷۰) و (۷۱) هر دو -

خیر ماده (۷۰) طبعاً حذف میشود ولی چون حکمیت قضیه در ماده (۷۱) بمجلس مشاوره عالی رجوع شده است و مربوط میشود به آن پیشنهادی در ماده (۷۰) شده باید بکمیسیون ارجاع شود.

رئیس - پس ماده (۷۰) را مخیر مسترد میکنند

و ماده (۷۱) با آن پیشنهادی که قابل توجه شد میرسد بکمیسیون پیشنهادی هم آقای عماد السلطنه کرده بودند که طبعاً ساقط میشود - حالاده دقیقه تفنن است.

(در اینوقت حضار برای تنفس خارج شده و پس از ۱۰ دقیقه) (مجدداً جلسه تشکیل گردید)

رئیس - راجع بقانون تشکیلات مایه يك فقره

پیشنهاد است بمنوان ماده الحاقیه جمعی از آقایان امضاء کرده اند و راجع بهمین مطلب چندی قبل آقای معتمد السلطنه يك پیشنهادی کرده بودند بکمیسیون

رجوع شد ولی این پیشنهاد بکفدری مفصلتر است اگر آقای مخیر قبول کنند بکمیسیون رجوع میشود و اگر قبول نکنند رای میگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد)

ما امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد بمنائیم که باین قانون تشکیلات این ماده افزوده شود -

کلیه دفاتر و اسناد و صورت محاسبات و احکام راجع بامور مالیات و کلیه مکاتبات ادارات وزارت مایه باید بلفظ فارسی باشد.

مخبر - آن دفعه هم که يك هجده پیشنهادی

کردند بنده تقاضای فرستادن بکمیسیون را کردم و اگر در این باب بکمیسیون اظهار عقیده نکرده است قفلت شده است مقرر فرمائید این راه بفرستند بکمیسیون تا نظریاتی بشود.

رئیس - در شور اول پیشنهاد شد و گویا بنا

شد برای شور دوم بمجلس بیاید بهر جهت حالا که این را قبول فرمائید بکمیسیون ارجاع میشود - شور اول قانون تشکیلات تمام شد حالا چیزی کدر دستور است انتخاب بکنفرناب رئیس است (در اینوقت ورقه رای منتشر و اخذ آراء شده آقایان حاج شیخ محمد حسن گروسی و سلطان العلماء و معتمد السلطنه بحکم فقره معین شده و باتفاق آقای صدر الملک شروع باستخراج آراء نمودند و بطوری که ذیلاً مندرج است نتیجه حاصل شد)

عده اوراق ۵۴ مهره تفهشه ۵۴
آقای معتمد الدوله ۴۲ رای - آقای سردار معتمد
۲ رای - آقای میرزا قاسم خان ۲ رای - آقای سردار معظم
۲ رای - آقای میرزا سلیمان خان ۲ رای
آقای معتمد السلطنه ۱ رای - آقای حاج شیخ حبیب الله
۱ رای

ورقه سفید علامت امتناع ۳ - ورق

رئیس - از ۵۴ نفر رای دهندگان آقای

مدل الدوله با اکثریت (۴۲) رای منتخب شدند دیگر چیزی در دستور نیست اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم میکنیم جلسه دیگر روز یکشنبه سه ساعت ونیم بفرود مانده بموضوع مذاکرات اولاً قانون عوارض دخانیات تا آنجا که حاضر شود پروگرام آقایان وزراء مخالفی نیست -

سردار معظم - فقط يك توضیحی میخواهم بدهم

چون قانون عوارض دخانیات راجع دستور فرمودید از طرف کمیسیون از وزارت مایه بعضی توضیحات لازمه خواسته شده اگر تا صبح شنبه آن توضیحات برسد کمیسیون بدران وایورت موفق میشود و اگر آن توضیحات نرسد طبعاً کمیسیون قوانین مایه نمیتواند راپورت خود را بدهد معتمدین اطلاع خاطر نمایندگان معترم عرض کردم

رئیس - تأکید می کنیم زودتر توضیحات را

بفرستند آقایان مسبقاً این قانون مدتی است در کمیسیون مانده است و روز یکشنبه هم غیر از این چیزی نمیتوانیم برای دستور معین کنیم امیدوارم اهتمامی فرمائید تا آن روز حاضر شود

محمد هاشم میرزا - چون در قانون دخانیات

خیلی اشکالات هست گمان ندارم محققاً روز یکشنبه برسد ولی بنظر بنده ممکن است قانون تشکیلات مایه يك فقره اصلاح عبارتی مذاکره شود مورد اخطار واقع خواهد شد

رئیس - نمیشود مابین شور اول و شور ثانی

بشور دوم باید فاصله باشد

محمد هاشم میرزا - بنده سهو کردم خیال

کردم قسمت قسمت است

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد)

(مجلس يك ساعت از شب گذشته ختم شد)

جاسه ۳۸

صورت مشروح روز پنجشنبه پنجم شهری

رجب ۱۳۲۳

مجلس تقریباً دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل و صورت روز سه شنبه ۲۸ قرائت شد

غائبین با اجازه آقایان طباطبائی و قار السلطنه دکتر لقمان

رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست یا

نیست (مخالفی نشد) معلوم میشود ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد جلسه را برای روز یکشنبه معین کرده بودیم ولی بملاحظه اینکه قانون دخانیات از کمیسیون نگذشته و حاضر نبود این بود که جلسه منقذ نشد قانون تشکیلات مایه که شور اول تمام شده بود حاضر بود طبع و توزیع شد و جز دستور امروز قراردادیم اگر مخالفی نباشد شروع میکنیم بشور ثانی آقایانی که تصویب میکنند در شور ثانی داخل شویم قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد) ماده دوم - کلیه تشکیلات مذکوره در ماده فوق در تحت ریاست معتمدین وزیر مایه خواهد بود

رئیس - در این ماده کسی مخالف نیست

(اظهاری نشد) آقایانی که ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و ماده دوم باین مضمون قرائت شد) ماده سوم - تشکیلات مزبوره هر يك در تحت ریاست بکنفرناب رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت باستثناء مجلس مشاوره عالی که ترتیب در مواد ۵۴ و ۵۵ مذکور است

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد) ماده اول - وزارت مایه بتقسیمات ذیل منقسم میشود (۱) دائره وزارتی (۲) اداره تشخیص عایدات و مخارجات و مسکوکات (۳) اداره خزانه داری کل (۴) دائره محاسبات کل مایه و دیون عمومی و وظایف (۵) اداره گمرکات (۶) محاکمات مایه (۷) کمیسیون تطبیق حوالجات (۸) دائره پرسنل و مزرومات (۹) مجلس مشاوره عالی برای محاکمات اداری

رئیس - در فقره اول مخالفی هست یا

نیست

حاج شیخ وی سف - در تعصبات علیه

خوانده ایم که همیشه منقسم باید در اقسامش معتبر باشد عنوان این قانون (تشکیلات مایه است) برای عنوان ماده اول نوشته شده است

(وزارت مایه بتقسیمات ذیل منقسم میشود)

بنده گمان میکنم اینجا باید نوشته شود وزارت مایه بتشکیلات ذیل منقسم میشود دلائل بر اینست این است که در ماده دوم هم عوض (کلیه ادارات) کلیه تشکیلات نوشته شده است که در ماده سوم هم بهمچنین گمان می کنم اگر مجلس بکفدری وقت بکنند که قانونیکه بمنویسند محل تنقید واقع نشود بهتر است بنابراین اگر اینجا نوشته شود وزارت مایه بتشکیلات ذیل منقسم میشود بهتر است

رئیس - این عبارتی است که چند مرتبه عرض

کرده ام اصلاح عبارتی بکمیسیون باید رجوع شود حالا مجبورم عرض کنم اگر بعد از این در باب اصلاح عبارتی مذاکره شود مورد اخطار واقع خواهد شد

سردار معظم مخیر - علاوه بر اصلاح

عبارتی کمیسیون هم نمیتواند با این مسئله موافقت بکنند در ماده دوم و سوم هم که اینطور نوشته شده است برای این بوده که در شور اول بعضی از نمایندگان اشکال کردند که ادارات شامل دوائر نخواهد شد باینجهت تشکیلات نوشته شد

رئیس - دیگر در فقره اول مخالفی نیست

(اظهاری نشد) در فقرات دوم و سوم چهارمین و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم هم اظهار مخالفتی نشد

رئیس - رای میگیریم بنده اول - آقایانی که

ماده اول را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد) ماده دوم - کلیه تشکیلات مذکوره در ماده فوق در تحت ریاست معتمدین وزیر مایه خواهد بود

رئیس - در این ماده کسی مخالف نیست

(اظهاری نشد) آقایانی که ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند و ماده دوم باین مضمون قرائت شد) ماده سوم - تشکیلات مزبوره هر يك در تحت ریاست بکنفرناب رئیس بوده بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت باستثناء مجلس مشاوره عالی که ترتیب در مواد ۵۴ و ۵۵ مذکور است

حاج شیخ حبیب الله - در اینجا

نوشته شده باستثناء مجلس مشاوره عالی معنی این استثناء اینست که مجلس مشاوره عالی اجزاء لازم ندارد باینکه طور دیگری است

مخبر - مجلس مشاوره عالی هم رئیس و هم

اجزاء دارد ولی فرقی که دارد اینست که ادارات دیگر رؤسا دائره دارند ولی مجلس مشاوره عالی دائمی نیست که همیشه مشغول خدمت و کار باشد هر وقت لازم باشد مجلس مشاوره عالی منقذ شود در تحت ریاست خود وزیر مایه یا معتمدین او تشکیل میشود ولی سایر ادارات همیشه دائره است و رئیس و اجزاء دائمی دارند

حاج شیخ حبیب الله - معذرت میخواهم

رئیس - آقا بدون اجازه که نمیشود حرف زد

حاج شیخ حبیب الله - اجازه میخواهم

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ حبیب الله - معذرت میخواهم چون مجلس

مشاوره عالی هم رئیس و هم اجزاء خواهد داشت محتاج باستثناء نیست

رئیس - در ماده سوم دیگر ایرادی نیست

(اظهاری نشد) رای میگیریم بنده سوم آقایانی که ماده سوم را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارم خوانده میشود

(باین مضمون قرائت شد) ماده چهارم - روسای ادارات مذکوره در فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ ماده اول بر حسب پیشنهاد وزیر مایه بصورت فرمان هایونی منصوب میشوند

ماده چهارم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند ماده پنجم بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده پنجم - رئیس دائره پرسنل و مزرومات مایه بر حسب حکم وزیر مایه منصوب میشود

رئیس - در ماده پنجم مخالفی هست یا نیست

(اظهاری نشد) رای میگیریم آقایانی که ماده

پنجم را تصویب میکنند قیام نمایند (غالب قیام نمودند) ماده پنجم تصویب و ماده ششم بمضمون ذیل خوانده شد

ماده ششم - روسای دوائر ادارات مذکوره

در ماده يك به پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی منصوب میشوند

عدل الملک - در شور اول بنده در موقعی

که مذاکره میشد اداره وصول را از خزانه داری مجزا بکنند توضیحاتی دادم و آقای مخیر هم قبول کردند که کلمه مرکز را در اینجا بیفزایند و مخصوصاً با تصرفی که در ماده هفتاد شده است تعیین مأمورین ولایات بر حسب پیشنهاد پرسنل و تصویب مجلس مشاوره عالی معین شده این عبارت در اینجا جامع نیست بنا بر این اگر عبارت مرکز اضافه شود گمان میکنم رفع این اشکال بشود

مخبر - نظیر نیست چنین پیشنهادی به

کمیسیون رسیده باشد ولی بهر حال مقصود این است که رؤسای ادارات مرکز بر حسب پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی معین میشوند و از برای مأمورین ولایات يك تکدیفی بعد معین می شود

عدل الملک - آنروز پیشنهاد بنده شفاهی

بود و ایشان هم شفاهی فرمودند که کلمه مرکز افزوده میشود را اگر نظر بنده هفتاد کنند معین تعیین مأمورین ولایات بموجب پیشنهاد دائره پرسنل و تصویب مجلس مشاوره عالی پیشنهاد شده و این ماده جامعاً برای تمام دوائر منویسند به پیشنهاد رئیس اداره آنوقت شامل آن ترتیب نمیشود خوب است این ماده اصلاح شود

مخبر - مطلب بعقیده بنده واضح است ممکن

است ادارات مرکز که در اینجا ذکر شده در داخل خودشان منقسم بشوای شوند رؤسای آن دوائر مرکز را کی معین میکنند البته بتصویب وزیر و نظر رؤسای آن ادارات است و نمیتوان این حق نظر را از آنها سلب کرد فرض کنید اداره تشخیص عایدات در داخله خودش منقسم بشود ب دوائر جزء رؤسای که میخواهند برای آنها معین کنند البته بناید بنا نظر رئیس اداره تشخیص عایدات باشد و همچنین اداره محاسبات يك شعبه که میخواهند برای وظایف معین کنند طبیعتاً و فیهراً بناید نظر رئیس اداره محاسبات شرط باشد اما ماده (۷۱) که فرمودند گمان میکنم ماده (۷۱) نیست ماده ۶۷ یا (۶۸) است و آن ماده مربوط است بانماه و بیشکاران مایه و اینها دو مطلب جدا هستند و مربوط بهم نیستند

عدل الملک - عرض میکنم این تشکیلات

را تقسیم کرده اند با اداره و دوائر بر کفدری نکرده اند البته رؤسای دوائر هم است از آنکه بیشکار مایه باشد و یا رئیس يك دائره باشد در مرکز خود ایشان آنروز هم پذیرفتند که کلمه مرکز را در اینجا بیفزایند و گویا فراموش کرده اند و گمان میکنم اگر کلمه

مرکز را در اینجا بیفزایند آن اشکال رفع شود
مخبر - چون مقصود بیکی است منافات ندارد ممکن است اضافه شود
رئیس - آقای حاج من المالک پیشنهادی کرده اند اگر قبول فرمایند ضمیمه شود (ماده ششم باضافه پیشنهاد مزبور مجدداً) (بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده ششم - رؤسای دوائر ادارات مذکوره در ماده یک به پیشنهاد رئیس اداره و حکم وزارتی منصوب میشوند
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله در این پیشنهاد اظهاری دارید
حاج شیخ اسدالله - غیر راجع باصل ماده است
رئیس - بفرمائید
حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می کنم آن نظری را که در تعیین پیشکاران و امتیاز مالیات کمیسیون ملحوظ داشته است اگر در اینجا هم ملحوظ شود بد نیست ولو اینکه مبلغ یک ماده دیگری بشود و آن اینست در صورتی که رئیس اداره پیشنهاد میکند نظر وزیر هم در اینجا ملحوظ شود این معنی که اضافه شود در صورتی که وزیر پیشنهاد اول را رد کرد تا با تجدید پیشنهاد شود که وزیر هم یک نظری در تعیین رؤسای دوائر ادارات داشته باشد

هم هست اگر اینطور است بنویسید (به پیشنهاد رئیس اداره و تصویب وزیر و حکم وزارتی) اشکالی هم ندارد که یک لفظی در اینجا اضافه شود که بعداً اشکال فراهم نشود اگر همین ماده قنات شود آن وقت شاید رئیس اداره بوزیر بگوید این حق را ندارم تو فقط حق دادن حکم را داری و من هر کدام را میخواهم باید پیشنهاد کنم بنده عقیده ام اینست که این ماده واضح تر نوشته شود و این اشکال فراهم نیاید بهتر است در صورتی که موافقت دارند چه ضرر دارد این کلمه اضافه شود
مخبر - در صورتی که آن پیشنهاد کننده خودش تابع وزیر مالیات است اگر بگوید می تواند بوزیر بگوید که شما حق ندارید پیشنهاد مرا رد کنید چیز غریبی است زیرا او رئیس است است مساوی بنا وزیر نیست این مطلب بقدری ساده است که گمان میکنم قابل دو کلمه مذاکره هم نباشد رئیس اداره که پیشنهاد می کند برای اینست که او با وضع اداره خودش آشنا تر و بصیرتر است و البته کسیکه زبردست او کار میکند باید پیروی او را بکنند لهذا میشود این حق را از او سلب کرد کسانی که داخل در یک اداره بوده اند میدانند که این مسئله الفبا و اساس زندگی اداری است که هیچ نمیشود ازین برد اطر طرف دیگر تمین آنها را بر رؤسا واگذار نکرده اند و گفته شده است به پیشنهاد رئیس اداره پیشنهاد یعنی چه یعنی اگر مالیات را می نشاند آن شخص را رد خواهد کرد
رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد - رای میگیریم بماده ششم آقایانی که ماده ششم را تصویب میکنند قیام نمایند
 (اغلب قیام نمودند و ماده هفتم)
 (باین مضمون خوانده شد)
 ماده هفتم - دایره وزارتی مشتمل است بر وزیر مالیات و معاون وی مدیر کل وزارت خانه و کابینه وزیر
نظام السلطان - میخواستم سؤال کنم در صورتی که معاون نوشته شده است دیگر مقصود از مدیر کل چیست در صورتی که معاون در تحت ریاست وزیر باشد البته مدیر کل هم خواهد بود
رئیس - این سؤال را در شورای اول فرمودید جواب هم دادند رای میگیریم بماده هفتم آقایانی که ماده هفتم را تصویب میکنند قیام نمایند
 (اغلب قیام نمودند و ماده هفتم)
 (بمضمون ذیل خوانده شد)
 ماده هفتم - اصول وظایف وزیر مالیات از قرار ذیل است (۱) نظارت در اجرای قوانین و نظامنامه های مالیات و اداری و مراقبت در ایفا و بوظایفی که برای هر يك از ادارات و تأسیسات مالیات معین گردیده است (۲) جلوگیری از تجاوزات و تفریط مالیات مملکت (۳) امضای کلیه حوالجات مستقیم و اختیاری (۴) تهیه لایحه بودجه کل و لایحه تفریط بودجه برای تقدیم بمجلس شورای ملی (۵) تهیه لوایح قانونی راجع به مالیات مملکت و ترتیب نظامنامه های لازم (۶) امضای قراردات و امتیاز نامه ها و کنتراهای مخصوص بهایه درجه در مقرر قانون (۷) امضای جزه جمعهای مالیاتی که اداره تشخیص

عایدات تهیه میکند (۸) جلب مأمورین وزارت مالیات بمحکمه اداری برای تصمیمات اداری (۹) انعقاد مجلس مشاوره عالی برای معاینه مأمورین مالیات و امضاء معاملات مالی (۱۰) اجرای راپورت های راپورت های مذکوره (۱۱) مراقبت در اینکه کلیه مکاتبات رسمی و دفاتر ادارات مالیات بخط فارسی باشد
رئیس - در دفتر اول مخالفی هست یا نیست
حاج شیخ حبیب الله - در فقره اول بفرمائید بمقدمه بنده قوانین کافی است قید بنظامنامه ها لازم نیست
رئیس - در فقره دوم مخالفی هست یا نیست - (اظهاری نشد) در فقره سوم هم ایرادی نیست در فقره چهارم پنجم ششم هم هیچین
مدیر - مقرر بفرمائید فقره ششم قرائت کنند (مجدداً قرائت شد)
مدیر - این امضای قراردات و امتیاز نامه ها بعضی نوشتهجات را شامل نیست خصوصاً آنهایی که مدخلیت در جمع و خرج و زیاده و تقصیر عایدات مملکت دارد چون یک مسئله هم تازه واقع شده که ما را متنبه کرد یعنی یک خرج بیست سی هزار تومانی این ایام شد و کسی تعجب و بعد از خرج شدن فهمیدند بنابراین بنده عرض میکنم خصوصاً نوشتهجاتی که مدخلیت در جمع و خرج و زیاده و تقصیر عایدات دارد باید بامضای وزیر برسد در اینصورت خیلی معظورات و مشکلات رفع میشود یعنی وزیر بعضی چیزها را تلفت میشود و جلوگیری میکند در شورای اول هم گویا یک پیشنهادی شد که نوشتهجات و مکاتباتی که در زیاده و تقصیر عایدات مدخلیت دارد اضافه شود نهادیم چرا کمیسیون این مطلب را قابل توجه قرار نداده

فلان کفند را توامان فلان کفند را من امضاء می کنم ملاحظه بفرمائید این يك مسئله خواهد بود که در درجه دوم رسوم و چهارم واقع است در قانون بهیچوجه نمیشود اینطور چیز های جزئی را ذکر کرد
رئیس - در فقره هفتم مخالفی نیست (اظهاری نشد) (و در فقرات هشتم نهم دهم و یازدهم اظهار مخالفتی نشد)
رئیس - رای میگیریم در کلیه فقرات یعنی در ماده هشتم آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند
 (اغلب قیام نمودند ماده هشتم تصویب و ماده نهم بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده نهم - وظایف معاون یا مدیر کل بر حسب نظامنامه که در کمیسیون قوانین مالیات مجلس شورای ملی تصویب خواهد شد معین میشود
رئیس - در این ماده مخالفی نیست (اظهاری نشد) (و در فقرات که ماده نهم را تصویب می کنند قیام نمایند
 (ماده کمیسیون قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده دهم خوانده میشود (باین مضمون خوانده شد)
 ماده دهم - اصول وظایف اداره تشخیص عایدات بقرار ذیل است
 (۱) تشخیص و تهیه جزه جمع نقدی و جنس کل مالیاتی که تاکنون معمول بوده و یا بعد ها وضع خواهد شد ترتیب جزه های مذکوره بطوری خواهد بود که بیزان کل مالیات و فرودات و تقسیم آن بر ایالات و ولایات و بلوگات و قرا و حتی الامکان بر افراد مالیات بد معین باشد
 (۲) تهیه و تسلیم صورت کل مالیات هر ساله برای وصول بجهای مربوطه
 (۳) تطبیق و انتشار صورت کل مالیات هر ساله برای اطلاع مالیات دهندگان در مرکز و ولایات
 (۴) تهیه دستور العملها و نظامنامه های راجع به مالیات ها
 (۵) تحقیق و تشخیص تخفیفات دائمی و موقتی برای پیشنهاد کردن ب مقامات لازم
 (۶) تهیه لوایح و وسائل لازم برای میزبانی و اقدام ب آنها پس از تصویب مقامات لازم
 (۷) دادن تصدیقات مالیاتی بموردیانی که مطالبه تشخیص بدمی خود را می نمایند
 (۸) حفظ تبر و باندردل و تحویل آن ب ادارات مربوطه
 (۹) اداره کردن خالصجات و امور راجع بضرایخانه
 (۱۰) دادن اطلاعات مربوطه بمالیتهای نقدی و جنسی و عایدات خالصجات و ضرایخانه و قریه اداره محاسبات کل برای تهیه بودجه
 (۱۱) دادن صورت جزه جمعهای مالیاتی سالیانه ب اداره خزانه داری کل
 (۱۲) تعیین عایدات دولت که صاحب جمع مخصوص نداشته و بموجب امتیازات و قراردات و بدولت میرسد و دادن صورت آن ها بخرانه برای وصول

خواهم بعضی توضیحات بدهم ولی بطور اختصار عرض میکنم نظر بنده بخصایری بود که در گذشته متوجه دولت شده نمیدانم چه ضرر دارد که این عبارت در اینجا افزوده شود که اگر بیکروزی خزانه دار بایک صراف غیر معتمدی معامله کرد و باعث خسارت دولت شد بیکراه مؤاخذه از او در کار باشد
مخبر - اگر چه نظر ندارم که یک همچو پیشنهادی را قبول کرده باشم ولی در هر صورت در اینباب این پیشنهاد که در کمیسیون مذاکره شد کمیسیون بقیه وقت وجهش هم این بود که مسائل خوب در دنیا خیلی است ولی تمام را نمیشود در ضمن یکجایه بیان کرد اینجا ما تکلیف خزانه داری را معین می کنیم و هیچ نمیتوانیم تصریح بکنیم یک واضعانی را بگوئیم او باید در معاملات جاری با بانکها و صرافهای معتبر داخل معامله شود این چیز غریبی خواهد بود بجهت این که طبعاً هیچ آدم با آدم غیر معتبر داخل در معاملات نخواهد شد پس حالا که این فقیه این اندازه ساده است تصریح کردن آن در قانون معنی ندارد و این مطلب هم برای مؤاخذه از او وسیله نمیشود چرا بایک صراف غیر معتمدی داخل معامله شدی خواهد گفت من نمیدانم که این صراف معتبر نیست پس از آنکه من داخل در معامله کردم متصدی یک همچو کاری میشود خالص باشد مسلم است وقتی بدانند یک صراف غیر معتبر است البته قهرأ با او معامله نخواهد کرد اگر نیتش خالص نباشد این تصریح هم از او جلوگیری نمیکند
ناصر الاسلام - آقای ارباب در ضمن توضیح خودشان گفتند که باین ماده ضمیمه شود (با رعایت صرفه دولت) این مسئله ببقیده بنده اگر این پیشنهاد پذیرفته شود ضرری که نخواهد داشت نفعی هم دارد زیرا اگر این ماده بطور احقاق نوشته شده ممکن است خزانه داری با هر کس که مایل است داخل معامله شود و اگر دیگری بیک معامله یا صرفه دولت به او پیشنهاد کند قبول نکند با این حالت حاله دولت اگر قبضه به معتمد و رعایت صرفه دولت بشود یک منافعی را در بر خواهد داشت و هیچ ضرری هم نخواهد داشت
مجلس البیروت - آن روزی که در این ماده آقای ارباب این اصلاح را پیشنهاد کردند بنده از طرف آقای مخبر و کالت کردم این اصلاح را قبول کردم بجهت اینکه هر کس که این عبارت را بشود در بادی نظر استقبال خواهد کرد بجهت اینکه دو کلمه است که خیلی جالب توجه است (صرفه دولت) البته ما آن روز ندیدیم که هیچوقت یکشاهی مال دولت جیب و میل نشود ولی نظریاتی که در کمیسیون بود که در مورد بحث مخبر بیان کردند و آن این بود که ما حتی المقدور باید احتراز کنیم از آن عباراتی که ممکن است بدست یکی از رؤسای ادارات بهانه بدست بنده تصور میکنم چون رئیس خزانه داری مستقیماً مسئول وزیر مالیات است و وزیر را مسئول مجلس قرار داده ایم این در مسئولیت میتواند مال دولت را از جیب و میل محفوظ بدارد اما در صورتی که این کلمه نوشته شود ممکن است رئیس آن اداره باستناد این عبارت با آن کسیکه دلش میخواهد داخل در معامله شود و چون یک میزانی از برای اعتبار و عدم اعتبار موجود نیست و ما بعضی صرافها را می بینیم که

رئیس - در فقره اول از ماده (۱۰) گویا ایرادی نباشد در جزه دوم هم همینطور در فقره سوم چه طور
نظام السلطان - در فقره سوم نوشته است (طبع و انتشار صورت کل مالیات هر ساله برای اطلاع مالیات دهندگان در مرکز و ولایات) بنده عقیده ام اینست که جمع و خرج هم باشد نه اینکه تنها صورت مالیات باشد
رئیس - این يك مطلب مهمی است پیشنهاد لازم دارد
مخبر - خیر پیشنهاد لازم ندارد بجهت اینکه ما وظیفه يك اداره را معین میکنیم که بهیچوجه خرج مربوط باو نیست چه طور میتوانیم بگوئیم اداره تشخیص عایدات که وظیفه اش تشخیص جزه جمعها و دستور العمل هائی است که باید مالیات بر طبق آن جزه جمعها وصول شود صورت جمع و خرج را هم تهیه کند و ابتدا جمع و خرج در جزه وظایف او نیست و نمیتوانیم بگوئیم صورت کلیه جمع و خرج مملکت را طبع و توزیع کنیم معلوم است این اداره مکلف خواهد بود به آن کاری که راجع ب اداره خودش است و بجز آن به چیز دیگری مکلف نیست
رئیس - در فصل چهارم - پنجم - ششم و هفتم مخالف نیست
حاج سید اسدالله - مؤذیان غلط است...
رئیس - عرض کردم اصلاح عبارتی بکمیسیون بایست رجوع شود - در فقره هشتم نهم دهم مخالفی نیست (اظهاری نشد) در فقره یازدهم و دوازدهم گویا ایرادی نیست (اظهاری نشد) پس آقایانی که ماده دهم را تصویب میکنند قیام نمایند (ماده کمیسیون قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - ماده (۱۱) قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده یازدهم اصول وظایف خزانه داری کل از قرار ذیل است
 (۱) - جمع آوری و تمرکز تمام عایدات نقدی و جنسی دولت و دریافت عایدات ادارات صاحب جمع دولتی و آنچه که بموجب قرار دادها و امتیازات بدولت باید عاید شود
 (۲) - معاملات جاری با بانکها و صراف ها
 (۳) - تأدیبه مخارج مملکتی مطابق حواله وزیر مالیات و دادن صورت آن ب اداره محاسبات کل
 (۴) - دادن صورت کل عایدات مأخوذه ب اداره محاسبات کل
مخبر - در آخر هر برج افزوده است باید اضافه شود (مجدداً ماده باضافه جمله در آخر هر برج) در آخر ماده قرائت شد
رئیس - آقای مدرس در فقره اول مخالفی
مدیر - نیز عرضی ندارم
رئیس - آقای حاج سید اسدالله در فقره دوم مخالفی
حاج سید اسدالله - خیر در فقره بیست و یکم
ارباب میخسرو - بنده سابق تقاضا کردم که بعد از کلمه صرافها نوشته شود (معتبر با رعایت صرفه دولت) مخبر کمیسیون هم آن تقاضای بنده را پذیرفتند و بنده در کمیسیون اضافه کردند بنده آن روز تقاضای خیلی توضیحات بدهم و حالا هم نمی

خواهم بعضی توضیحات بدهم ولی بطور اختصار عرض میکنم نظر بنده بخصایری بود که در گذشته متوجه دولت شده نمیدانم چه ضرر دارد که این عبارت در اینجا افزوده شود که اگر بیکروزی خزانه دار بایک صراف غیر معتمدی معامله کرد و باعث خسارت دولت شد بیکراه مؤاخذه از او در کار باشد
مخبر - اگر چه نظر ندارم که یک همچو پیشنهادی را قبول کرده باشم ولی در هر صورت در اینباب این پیشنهاد که در کمیسیون مذاکره شد کمیسیون بقیه وقت وجهش هم این بود که مسائل خوب در دنیا خیلی است ولی تمام را نمیشود در ضمن یکجایه بیان کرد اینجا ما تکلیف خزانه داری را معین می کنیم و هیچ نمیتوانیم تصریح بکنیم یک واضعانی را بگوئیم او باید در معاملات جاری با بانکها و صرافهای معتبر داخل معامله شود این چیز غریبی خواهد بود بجهت این که طبعاً هیچ آدم با آدم غیر معتبر داخل در معاملات نخواهد شد پس حالا که این فقیه این اندازه ساده است تصریح کردن آن در قانون معنی ندارد و این مطلب هم برای مؤاخذه از او وسیله نمیشود چرا بایک صراف غیر معتمدی داخل معامله شدی خواهد گفت من نمیدانم که این صراف معتبر نیست پس از آنکه من داخل در معامله کردم متصدی یک همچو کاری میشود خالص باشد مسلم است وقتی بدانند یک صراف غیر معتبر است البته قهرأ با او معامله نخواهد کرد اگر نیتش خالص نباشد این تصریح هم از او جلوگیری نمیکند
ناصر الاسلام - آقای ارباب در ضمن توضیح خودشان گفتند که باین ماده ضمیمه شود (با رعایت صرفه دولت) این مسئله ببقیده بنده اگر این پیشنهاد پذیرفته شود ضرری که نخواهد داشت نفعی هم دارد زیرا اگر این ماده بطور احقاق نوشته شده ممکن است خزانه داری با هر کس که مایل است داخل معامله شود و اگر دیگری بیک معامله یا صرفه دولت به او پیشنهاد کند قبول نکند با این حالت حاله دولت اگر قبضه به معتمد و رعایت صرفه دولت بشود یک منافعی را در بر خواهد داشت و هیچ ضرری هم نخواهد داشت
مجلس البیروت - آن روزی که در این ماده آقای ارباب این اصلاح را پیشنهاد کردند بنده از طرف آقای مخبر و کالت کردم این اصلاح را قبول کردم بجهت اینکه هر کس که این عبارت را بشود در بادی نظر استقبال خواهد کرد بجهت اینکه دو کلمه است که خیلی جالب توجه است (صرفه دولت) البته ما آن روز ندیدیم که هیچوقت یکشاهی مال دولت جیب و میل نشود ولی نظریاتی که در کمیسیون بود که در مورد بحث مخبر بیان کردند و آن این بود که ما حتی المقدور باید احتراز کنیم از آن عباراتی که ممکن است بدست یکی از رؤسای ادارات بهانه بدست بنده تصور میکنم چون رئیس خزانه داری مستقیماً مسئول وزیر مالیات است و وزیر را مسئول مجلس قرار داده ایم این در مسئولیت میتواند مال دولت را از جیب و میل محفوظ بدارد اما در صورتی که این کلمه نوشته شود ممکن است رئیس آن اداره باستناد این عبارت با آن کسیکه دلش میخواهد داخل در معامله شود و چون یک میزانی از برای اعتبار و عدم اعتبار موجود نیست و ما بعضی صرافها را می بینیم که

تا چند ساعت قبل از ورشکستن و بردن کرورها مال مردم کمال اعتبار را دارند و هیچوقت معلوم نیست کی اعتبار دارد و کی ندارد و یک نرخ عمومی هم که در معاملات نیست که بگوئیم مطابق آن نرخ عمومی رفتار کنند پس نظر باین ملاحظاتی که این عبارت وسیله بدست آدم بدکار نهدم و بهمین بهانه گوش بحرف وزیر نهدم و خودش را از مسئولیتی که در این قانون نوشته است بعنوان حفظ مالیه دولت مبری کند و بگوید قانون بین اجازه داده که باصراف معتبر باصرفه دولت معامله کند و صرفه دولت را در این دیدم که باین شخص بواسطه تفاوت مراهجه معامله کنیم آنوقت باین وسیله یک حیف و میلی در مالیه دولت شده باشد باینجه که بیون این پیشنهاد را که خیلی جالب توجه است قبول نکرد .

رئیس - آقای ارباب کبخسرو پیشنهادی دارید بنویسید تا در موقع مذاکره شود در فقره ۴ سه مخالفی نیست (اظهاری نشد) در فقره چهارم بطور .

حاج سید اسدالله - توضیح میخواهم امضای حوالات اعتباری که از وظایف وزیر بود تأدیهاش از وظایف خزانه داری .

رئیس - این سه را چه بفرمودم بود گذشت پیشنهاد آقای ارباب کبخسرو خوانده میشود . (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر جمله ماده (۱۱) این عبارت اضافه شود (صرفا هک معتبر با رعایت صرفه دولت) .

ارباب کبخسرو - همان طور که عرض کردم بنده وقتیکه نظر میکنم بمعاملاتی که از آن بابت ضرری متوجه دولت شده است اینست که مجبور میشوم که در پیشنهاد خود اصرار کنم آنطوریکه آقای معذل الله فرمودند در واقع عرایض بنده را تصدیق کردند در اینجا هیچ سلب مسئولیت از خزانه دار در مقابل وزیر مالیه نمیشود بلکه بر مسئولیت او میافزاید و یک راهی بدست وزیر مالیه میدهد که اگر خزانه دار از آن راه تجاوز کرد و با اشخاص بی اعتبار طرف شد و صرفه دولت را ملاحظه ننمود وزیر مالیه بموجب اشاره که در اینجاست میشود از او مؤاخذه کند و اگر در اینجا باین مطلب اشاره نشود آنوقت اجازه مطلق بخرانه داری داده شده که با صرافها و بانکها طرف شود بدون اینکه هیچ شرطی از برای آن معین شده باشد و آنوقت میتوان بگوید مطابق این ماده که در این قانون هست من مجاز بودم با هر کس بخوام طرف شوم و اینکه بفرمایند نمیشود از اول مسئله اعتبار را فہید و معلوم کرد این فرمایش صحیح است نه فقط نسبت بصرافها بلکه نسبت ببانکیا هم بطور یقین نمیشود اعتبار و مقدار سرمایه آنها را معین نمود ولی اگر یک قانونی در کار باشد و خزانه داری مسئول صحت عمل باشد میتواند از روی دقت اشخاصی را برای معامله و طرفیت پیدا کند که نسبتا معتبر باشند و در باب صرفه دولت که بفرمایند نباید بچه قسم تشخیص بدهد بنده عرض میکنم وقتی که مسئول شد میتواند زیرا خزانه داری کل وقتی که در مالیه دولت یک معامله بکند باید با کمال دقت صرفه دولت را ملاحظه بنماید این است که بنده مخصوصا لازم میدانم این کلام در اینجا نوشته شود

تا از برای وزیر مالیه وسیله باشد که بتواند بآن وسیله از خزانه داری مؤاخذه نماید .

مخیر - بنده متأسف هستم از اینکه پیشنهادی را که آقای ارباب فرمودند مقصود ایشان را نرساند زیرا که اگر فرضا این کلام را اضافه کنیم بآن ترتیب که (معاملات جاری با بانکها و صرافهای معتبر) را از وظایف خزانه داری بنویسیم هیچ مسئولیتی از برای خزانه داری تولید نمیکند و اینکه فرمودند وقایع گذشته ما را وادار میکنند این مسئله در اینجا تهیه کنیم بنده عرض میکنم وقایع گذشته جلوگیری نشدن از آن بواسطه نبودن قانون نبود بلکه بواسطه بی اخلاق و حرج و مرج اداری بود بلی اخلاق را هیچوقت قانون جلوگیری نمیکند و بالاخره بنده از اضافه کردن این دو کلام که صورت ظاهر خیلی متشنع و قشنگ بنظر میاید چه چیز است

بنده گمان میکنم نوشتن کلماتی که هیچ مربوط وظایفی که برای خزانه داری معین میکنیم نیست در یک همچو قانونی لازم نباشد

رئیس - آقای مغیر تقاضا میکنند این پیشنهاد بکمیسیون ارجاع شود

مخیر - خیر

رئیس - پس باید رأی بگیریم باین توجیه بودن این پیشنهاد یک دفعه دیگر قرائت می شود رأی میکنیم

(مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد ارجاع میشود بکمیسیون در ماده یازدهم بموجب نظامنامه نمی توانم رأی بگیریم ماده ۱۲ قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) (اداره محاسبات کل مالیه)

ماده ۱۲ - اصول و وظایف اداره محاسبات کل مالیه شرح ذیل است

(۱) مرکزیت دادن و نگاهداری کلیه محاسبات مملکت اعم از عایدات و مخارج

(۲) تهیه و تنظیم بودجه کل سالانه برای تقدیم بمجلس

(۳) تهیه لایحه تفریح بودجه برای تقدیم بمجلس

(۴) تهیه راپورت سالانه در اوضاع مالیه با تصریح اصلاحات و تکمیلات لازمه برای تقدیم بمجلس

(۵) نگاهداشتن صورت کلیه عایدات که توسط مأمورین و ادارات صاحب جمع دولت بخرانه داریکل پرداخت میشود

(۶) مطالبه صورت محاسبات پیشکاران و امانه مالیه در آخر هر برج

(۷) نگاهداری محاسبه قروض تابت و جاریه و تمهیدات دولت و تشخیص میزان استهلاك و افساط سالانه آن

(۸) نظارت در اینکه محلهای تخصیص شده برای پرداخت دیون دولتی بمصرف دیگر نرسد

(۹) تعیین صورت لیه و وظایف و اجرای قوانین متعلقه بآن

(۱۰) صدور قبوض ارباب وظایف

(۱۱) دادن صورت اضافات و موضوعات سالانه وظایف با دارمخرانه

رئیس - در فقره اول ماده دوازدهم مخالفی نیست

(اظهاری نشد)

در دوم و سوم و چهارم و پنجم هم مخالفی نیست (اظهاری نشد)

در فقره ششم هفتم هشتم نهم دهم یازدهم هم که ایرادی نیست پس رأی میکنیم بماده دوازدهم اگر تصویب بفرمایند قیام نمایند (اغلب از نمایندگان قیام نمودند) ماده دوازدهم تصویب شد

(ماده سیزدهم باین مضمون قرائت شد) (اداره گمرکات)

ماده (۱۳) اصول وظایف اداره گمرکات بشرح ذیل است .

(۱) اداره کردن گمرکات موافق قوانین و قراردادهای و نظارت گمرکی

(۲) دادن محاسبات کلیه عایدات گمرکی و صندوق جرایم و مخارج به اداره خزانه در آخر هر برج

(۳) تحویل فاضل عایدات گمرکات و مزاد صندوق جرایم بخرانه

رئیس - آقایان در فقره اول این ماده حرفی دارند (اظهاری نشد) در فقره دوم بطور

نظام السلطان - بنده در وظایف محاسبات کل پیشنهادی کرده بودم که فراموش فرمودند

رئیس - این ماده را جمع به گمرکات است راجع به محاسبات نیست ماده دوازدهم راجع به اداره محاسبات بود

نظام السلطان - پیشنهاد بنده راجع به محاسبات است قبل از اینکه وارد کلیات بشوم بنده فرستادم

رئیس - پیشنهادها را باید بفرستید به هیئت رئیسه که در موقع فرصت به کمیسیون فرستاده شود در فقره دوم سوم هم مخالفی نیست (اظهاری نشد) رأی میکنیم بماده (۱۳) آقایان تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهاردهم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد) (محاسبات مالیه)

ماده (۱۴) محکمه مالیه مرکب است از یک نفر رئیس و دو نفر عضو و یک عضو علی البدل

رئیس - در ماده چهاردهم هم ایرادی نیست (اظهاری نشد) آقایان که ماده چهاردهم را تصویب بفرمایند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند و ماده یازدهم اینطور قرائت شد)

ماده (۱۵) در محکمه مالیه یک نفر مدعی العموم بسمت نمایندگی دولت خواهد بود و از حیث مقام بر رئیس محکمه مساوی است

رئیس - در این ماده ملاحظاتی نیست (مخالفی نشد) آقایان که ماده یازدهم را تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ولی اگر آقایان اینطور رأی بدهند مشکوک میشود و مطابق نظامنامه مجبور میشوم باورقه رأی بگیریم ماده شانزدهم قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۶ - در محکمه محکمه یک دفتر خانه خواهد بود مدیر دفتر خانه منشی گری محکمه را در عهده داشته و قدر لزوم اجزاء خواهد داشت .

رئیس - در ماده شانزدهم ایرادی نیست (اظهاری نشد) آقایان اگر این ماده را تصویب بفرمایند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده هفدهم خوانده میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۷ - رئیس و مدعی العموم و اعضاء محکمه مالیه مستقیماً در تحت ریاست وزیر مالیه خواهند بود .

رئیس - در این ماده گویا مخالفی نیست رأی میکنیم آقایان که ماده هفدهم را تصویب بفرمایند قیام نمایند (غالباً قیام نمودند) (و ماده هیجدهم بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۱۸ - رئیس و مدعی العموم محکمه مالیه بتصویب وزیر مالیه و فرمان همایونی و اعضاء محکمه بانتخاب و حکم وزیر مالیه معین میشوند .

رئیس - آقایان که ماده هیجدهم را تصویب میکنند قیام نمایند (غالباً قیام نمودند)

ماده ۱۹ - مدیر دفتر خانه بتصویب رئیس محکمه و حکم وزیر مالیه معین میشود .

رئیس - در اینجا گویا مخالفی نیست - اگر آقایان موافقت دارند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

ماده ۲۰ - اجزاء دفتر خانه بتصویب مدیر دفتر خانه و حکم وزیر مالیه معین میشوند و در تحت نظارت او انجام وظایف مینمایند .

رئیس - در اینجا هم گویا اظهاری نیست - آقایان که ماده بیستم را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

(ماده ۲۱ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۲۱) عضو علی البدل در غیاب یکی از اعضاء محکمه قائم مقام او واقع میشود .

رئیس - این ماده را هم اگر آقایان رأی بدهند قیام نمایند (غالباً قیام نمودند) ماده ۲۲ بمضمون ذیل قرائت شد

ماده ۲۲ - اجراء احکام محکمه بمعهده وزارت مالیه است .

رئیس - در این ماده گویا مخالفی نیست - آقایان که تصویب میکنند قیام نمایند (عده زیادی قیام نمودند)

ماده ۲۳ - در محکمه اکثریت آراء منوط اعتبار است .

رئیس - این ماده گویا لازم برای نباشد باوجود این رأی میکنیم اگر تصویب بفرمایند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۲۴ خوانده میشود - (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - مدعی العموم مأمور حفظ منافع دولت بوده و مکلف است که اظهار عقیده نماید ولی در رأی محکمه شراکت نمیکند .

رئیس - آقایان که این ماده را قبول دارند قیام نمایند (عده قبیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

مخیر - پس تکلیف این ماده چه خواهد شد

رئیس - بنده چه عرض کنم از آقایان سؤال کنید

ماده (۲۵) عقیده مدعی العموم در ضمن راپورت محکمه باید مندرج باشد در صورتی که مدعی العموم مشاهده نماید که راپورت محکمه بر خلاف منافع دولتی صادر شده عقیده خود را کتباً بوزیر مالیه تقدیم میکند

رئیس - در این ماده هم گویا مخالفی نباشد - آقایان که این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند) ماده ۲۶ بمضمون ذیل قرائت شد

ماده (۲۶) حقوق معاکمه صدی پنج مدعی عموم است که از معکوم علیه اخذ میشود و در آن مبلغ را در حین دادن عرض حال عارض بصندوق پرداخته قبض صندوق را بر عرض حال خود ضمیمه میکند و چه مزبور در صورتی که عارض مطابق حکم قطعی محق در آمد باو مسترد میشود

مدیر - در شور اول عرض کردم پول پیش گرفتن ضرر نوعی دارد بجهت این که اگر از یک کسی که از تعدیات با خلاف ترتیباتی که پیشکاران و امانه مالیه میکنند شکایتی داشته باشد بعد از رسیدگی بشکایات از او حق الزحمه بگیرند این را مطالبی است ولیکن اگر بخواهند قبلاً از او پول بگیرند گمان میکنم این ترتیب از کلیه شکایات و نظملات مردم جلوگیری میکند در شور اول هم این مطلب عرض شد نمایانم چرا آقای مخیر آنرا در کمیسیون محل توجه قرار ندادند و حال آن که باید تمام مقتضیات مملکت در مقام وضع قانون منظور شود البته تصدیق خواهند فرمود که یک نفر بیچاره که یک شکایتی دارد اگر بنده قبلاً از او پول بگیرند تا بمرض او برسد مسلماً ضرر حتمی را برای نفع محتمل متحمل نخواهد شد لهذا خوب است این مسئله پول دادن قبل از رسیدگی را از این ماده بردارند

مخیر - بلی همین ضرر است که فرمودند مخصوصاً کمیسیون صلاح ندانست این مطلب را قبول کند زیرا این یک چیزی که فقط در ابتدای نظر صحیح و خوب بنظر می آید ولی وقتی درست دقت کنیم معلوم می شود که باین ترتیبی که نوشته شده است بهیچوجه از شکایات متظلمین جلوگیری نمیشود و دلیلی را که آقایان اقامه میکنند و بفرمایند نباید بدون اینکه قبلاً پولی از عارض گرفته شود احقاق حق او بشود تا اینکه مردم بتوانند شکایات خود را نموده احتیاق حق آنها بشود این فرمایشات صحیح است و البته تصدیق خواهند فرمودند که این حس و میل باحقاق مردم در همه کس موجود است ولی همین طور که میخواهیم احقاق حق مردم را بکنیم همینطور هم باید جنبه عدلی را منظور داریم و از کثرت میل ظاهری به احقاق حق مردم نباید طوری کنیم که محکمه بهیچوجه موفق نشود که احقاق حق مردم را بکند البته فراموش فرمودند چنانکه در شور اول عرض کردم محکمه مالیه فقط یک محکمه است آنهم در مرکز و این محکمه مرجع نظملات تمام اهالی ایران

است اگر آقایان بخواهند مراهجه باین محکمه را خیلی آزاد بگذارند آنوقت این محکمه در مقام صل بقدری کفرستاری پیدا خواهد کرد که بهیچوجه موفق بر رسیدگی شکایات مردم نخواهد شد و آنوقت برعکس مقصودی که آقایان دارند عارض این که مردم آسوده و راحت شوند از محکمه مالیه شکایات خواهند کرد که مالیه سال یا دو سال است به محکمه مالیه مراجعه نموده و بعداً رسیدگی بکار مانده و جواب رد و قبول هم پیدا نموده پس باین حال طبعاً مجبور خواهیم بود هارضین را که ممکن است در عرض حال و حقانیت خود چندین دقت وغور نکنند و مقید کنیم بیک قبض بنده هم تصدیق دارم که از اول نباید قبض را زیاد و سنگین کرد که بواسطه سنگینی آن فید عارض قدرت مراهجه بیک مقامی را نداشته باشد ولی قبضی را هم بنده صلاح میدانم فقط از همان نقطه نظری که آقایان فرمودند یعنی حصول احقاق حق مردم لازم است این قبض جزئی را در اینجا ذکر کنیم مثلاً یک کسی صد تومان باو تعدی شده است و میخواهد به محکمه مالیه مراهجه کند که احقاق حق او بشود حق معاکمه که از او گرفته میشود پنج تومان است و قانون مقید کرده است عارض را که قبل از دادن برضه اش دوازده هزار و ده شاهی کوب حق معاکمه است پول بدهد و این پول هم از کمیسیون برود زیرا که مصدق از دوشق خارج نیست یا اینست که در عرض حال خودش محق میباشد و محکوم نمیشود آن وقت چنانکه در موادی که بعد می آید و ملاحظه بفرمایند تمام پولی را که داد باورس میدهند یا این است غیر محق و محکوم خواهد شد آنوقت تمام پنج تومان را از او خواهند گرفت فقط چیزی که هست تفاوت در مدتی است که در دادن دوازده قران و ده شاهی حاصل میشود و آنهم باین مسئله مهمی نیست حالا ممکن است آقایان بفرمایند در صورتی که ایندو نقطه نظر باهم تفاوتی ندارند چرا باید عارض را مقید کنیم که قبلاً دوازده هزار و ده شاهی بدهد در صورتی که اگر محکوم شود تمام پنج تومان را بدهد بنده میتوانم یک جوابی عرض کنم آن اینست آنکسیکه کاقد و عرض حال مینویسد ممکن است درست دقت و فکر نکنند که آیا حقیقتاً تمام دلالتی را که لازم است برای اثبات حقانیت خود دارا باشد دارا هست یا نه باین واسطه او را مقید کرده ایم که بلا و آن کاغذی که مینویسد و برای او اهمیتی ندارد قبلاً دوازده هزار و ده شاهی هم از کمیسیون خودش پول بدهد و بنده مطمئنم که بهیچ جهت عارض قبلاً دقیق خواهد شد در این که به بیست حرفی را که میزند صحیح است یا غلط و بالاخره نتیجه عملی این خواهد بود که یک قسمت اعظم از شکایاتی که هیچ اساس ندارد بواسطه این قبض مرتفع میشود و یک محکمه مالیه که برای تمام اهالی مملکت تأسیس میشود بواسطه عدم آراکم کار موفق خواهد شد که احقاق حق عارضین و مظلومین واقعی را بتواند بکند .

رئیس - آقای مدرس دو این باب اگر پیشنهادی دارید باید کتباً بدهید و چون در موقع پیشنهاد بازم توضیح خواهید داد خوبست پیشنهاد کنید بعد توضیح بدهید حواله ماده ۲۴ را که تصویب نشد آقای مخیر بطور دیگر نوشته اند قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۲۴) مدعی العموم در محکمه اظهار عقیده نموده ولی در رأی محکمه شرکت نمیکند

مختصر - بنده هر چه فکر کردم جتنی از برای اینکه در این موافقت حاصل نشد تقصیرم در ماده (۱۵) آقایان نمایندگان قائل بیک نفر مدعی العموم شدند ولی - لا انیادانم نظرشان چه بوده است که نتوانستند برای او تکلیفی معین کنند لابد باین تصور کنیم که فقط بواسطه عبارتی که در اینجا نوشته شده که (مدعی العموم مأمور حفظ منافع دولت بوده) نمایندگان معترضه رأی نداده اند باین مناسبت بنده عبارت مأمور حفظ منافع دولت را حذف و این پیشنهاد را کردم که مدعی العموم در محکمه اظهار عقیده بنماید ولی در رأی محکمه شرکت نماید و این نکته را هم عرض میکنم که آقایانی که رأی ندهند وقت بفرمائید که اگر قائل باین مدعی العموم نبودند خوب این عقیده خودشان را در ماده ۱۵ اظهار میکردند ولی پس از آنکه در آنجا اظهار نگردند و ماده ۱۵ تصویب شد و مدعی العموم لازم شد این چیز غریبی خواهد بود که ما در قانون برای او وظیفه معین نکنیم

معدل الدوله - باین ترتیبی که قرائت شد بنده مخالفم و خیلی تعجب دارم از اینکه ماده خوانده شد و آقایان رأی ندادند گمان میکنم درست عبارت را ملتفت و متذکر نشده اند و غفلت شده است والا در این محکمه فقط کسی که میتواند از طرف دولت شرف سؤال و جواب و معاکه واقع شود مدعی العموم است در واقع از طرف دولت برای حفظ حقوق دولت و کالت میکند و بنده هیچ فرقی نمیکند مابین متافع دولت و منافع ملت بواسطه اینکه ماده دولت در واقع همان ماده ملت است که بدست دولت میباشد و وزارت مالیه بصرف خود ملت میسراند در این صورت به محض اینکه ذکر شد مدعی العموم حفظ منافع دولت را میکند نباید باین ماده مخالفت کرد و این تصویب نشد باید در جزء نظامنامه هائی که معین میکنند رأی گرفته شود و بنده صریحاً عرض میکنم که مدعی العموم چنانچه تصویب شد لازم است و باید حفظ منافع دولت را بکند بواسطه اینکه برای حفظ منافع دولت در این محکمه کسی دیگر را نمیتوانیم تصور کنیم و فقط مدعی العموم است که باید منافع دولت را حفظ کند

مختصر - آقای معدل الدوله بمیدانند تا وقتیکه ماده ۲۴ رد نشد باین پیشنهاد را نکردم باین جهت هم بنده هم کاملاً با جنبه ای موافقم ولی حالا که این ماده بیک جهتی از جهات رد شده است لابد باید یک قسمت آنرا بهر نحوی که شده است بتوان از مجلس گذرانید و هر قدر آن از تصویب مجلس بگذرد بهتر است باین جهت بنده اینطور پیشنهاد کردم و الا اگر آن ماده رد نشده بود بنده کاملاً موافق بودم و میخواستم هیچ چیز از آن ماده حذف شود چون از یکطرف نمایندگان در این ماده رأی ندادند دیگر انیشود در آن رأی گرفت و طرفی دیگر اگر یک همچو ماده باشد و تکلیف مدعی العموم مأمور شود قانون ناقص خواهد بود لهذا آن قسمت آنرا بنده حذف نموده و قسمت دیگر را که باید از اینجا تصویب شود پیشنهاد نموده و ممکن است آن قسمت محفوظ را در نظامنامه بیک ترتیبی معین کرد ولی این قسمت را در اینجا رأی گرفت

رئیس - آقای منتصر السلطان مخالفید **منتصر السلطان** - بله مخالف باین پیشنهاد هستم

رئیس - این پیشنهاد از طرف نمایندگان نیست آقایان یک ماده را رد کرده اند و باید آنرا بیک طوری اصلاح کرد بنظر من اینطور رسیده اگر بنظر دیگری میرسد بگویند

منتصر السلطان - در اینکه وظیفه مدعی العموم حفظ منافع دولت است حرفی نیست حالا اگر صلاح بدانند این ماده را در کمیسیون اصلاح کنیم و به مجلس تقدیم نمایم اگر هم بخواهند در همین مجلس مذاکره شود

رئیس - اگر آقای مختصر تقاضا بکنند به کمیسیون مرود

مختصر - بلی بکمیسیون رجوع شود

رئیس - بکمیسیون ارجاع میشود پیشنهادی است از آقای مدرس راجع ماده (۲۶) قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده ۲۶ چنین نوشته شود - حقوق معاصمه صدی بیچ مدعا به است که از محکوم اخذ میشود از برای تجدید نظر حق اخذ نخواهد شد

مدرس - در باب فرمایشی که فرمودند عرض کردم اگر ممکن بود هیچ حقی در محاکمه نه قبل از معاکه و نه بعد از معاکه از هیچکس نیگیر تقیم ولیکن چون ملکیت ما استمداد ندارد ناچاریم که در معاکات چه معاکات عدلیه باشد و چه معاکات مالیه یک چیزی بگیریم و حالا که قرار شد یک حقی گرفته شود اگر بعد از ختم معاکه بگیرند آن یک مسئله است ولی قبل از معاکه اگر بخواهند از عارض چیزی بگیرند باید بشکایت او رسیدگی کنند گمان اینست در همین مصداقی که آقای مختصر فرمودند و مثال به دوازده هزار و ده شاهی زدند اغلب از مظالمین اقدام در تظلم و شکایت نمایند و بعد از اینکه متظلمین از بلاد بیخه در اینجا می آیند و بخارجی میروند و ملاحظه احوال و اخلاق مأمورین ما که برای احدی معنی نیست و محل شبهه نیست که اگر اشرفی بدست آنها بدهیم مشکل است از دست آنها پول سیاه بیرون آورد مملکت باز متظلمین در واقع نظم یک پول بدهند واقفاً یک مسئله غریبی است که قبلاً بولی بدهند تا رسیدگی بکار آنها بشود و بعد از آنکه معنی در آمدند آن وقت پول را پس بگیرند پس خوب است معضاله یک ترتیبی برای اینکار داده شود که قبلاً بولی از آنها بگیرند تا بعد از رسیدگی و ختم معاکه و آنکه آقای مختصر فرمودند فقط یک محکمه مالیه در مرکز برای رسیدگی بشکایات تمام اهالی مملکت است بنده عرض میکنم بعد از آنکه در سایر ولایات هم یک ترتیبی برای رسیدگی به شکایات مردم داده شد گمان اینست که این معظور کمتر شود و در این خصوص بنده موافق عقیده خود پیشنهادی کرده ام دیگر اینست برای آقایان میباشد

حاج عز الممالک - همینطور که آقای مختصر و آقای معدل الدوله توضیح دادند خوب است آقایان حفظ منافع دولت و ملک را هم در نظر بگیرند آقایان فقط تصور میفرمایند که یک مالیت بده مظلوم واقع میشود دیگر وقت و فکر نمیکند که اگر ما

این ترتیب را تعیین ممکن است بواسطه هراضی که بدون جهت بیک محکمه مالیه داده میشود موافقی برای وصول مالیات بیش بیاید بنده عرض میکنم مالیات مال خود ملت است و برای خرج خود ملت و ملکیت داده میشود و همینطور که ما فکر میکنیم نباید بکنفر مظلوم واقع شود همینطور هم باید شکلی نشود که از برای وصول مالیات متصل اشکالات فراهم آید علاوه در اینجا یک چیز فوق العاده از عارض خواسته نشده همانطوری که آقای مختصر توضیح دادند در موقعی که عارض میشود عریضه بدهد و بگوید من ظلم شده ام اگر در وقت دادن عریضه هیچ تحمیلی برای وارد نشود هیچ مانعی نخواهد داشت که متصل عریضه بدهد و وزارت مالیه را مشغول نماید و از وقتی که این عریضه را میدهد منتظر باشد که این عریضه سیر خودش را بکند و هر وقت هم مطالبه مالیات از او بشود بامورین مالیه جواب بدهد که من ظلمی کرده ام تا جواب نرسد و حکم نشود مالیات خود را نخواهم داد و مسلم است این ترتیب مانع و عایق وصول مالیات میشود و از آنطرف باید فکر کرد که در این قانون هر دو راپورت جدیدی که کمیسیون داده نوشته شده و در ولایات هم برایش مردم رسیدگی میکنند ابتدا در آنجا ذکر نشده است که برای این رسیدگی عارض باید چیزی بدهیم هیچ تکلیفی برای عارض معین نشده علاوه برای رسیدگی های ابتدائی هم چیزی اخذ نمیشود چنانچه در ماده ۲۶ ذکر شده که در صورتی که پس از مراجعه بمقامات مربوطه رفع شکایات متظلمین نشود معنی آنست تقاضای معاکه نمایند یعنی اگر بنده ظلمی واقع شد و رفتم بدارتد شخص عیادت و گفتم مالیاتی بین تعجیل کرده اند و مأمور مالیه اضافه بر آنچه اداره تشخیص عیادت معین کرده از من مطالبه کرده و گرفته است ممکن است آنچه را بدون اینکه حقی بدهم بین رد کنند و همینطور در اغلب اوقات ممکن است بعضی اوقات وزارت مالیه رجوع بکنیم و او هم از ادوات مربوطه سؤال کند معلوم شود که خود ادارات مربوطه بین ظلم کرده اند و رفع آن ظلم را بنمایند ولی اگر اختلاف مابین اشخاص و اداره مربوطه واقع شد و خواست تقاضای معاکه نمایند تا وقتیکه بان آدم میگردد و پنج صدی حق معاکه را بدهد و این یک چیز ساده خیلی کوچکی است و آنقدر نباید مردم را آزاد گذاشت و همینطور که باید حق اشخاص را حفظ کرد همینطور هم باید حق دولت را حفظ کرد

مختصر - در خصوص مأمورین مالیه گفته شد که ممکن است بواسطه بد اخلاقی در حق عارضین ظلم واقع شود اینطوری که تصور میفرمایند نیست علاوه اینجا یک تنبیهی هم واقع شد که میفرمایم بی جواب نباشد و آن راجع بسوء اخلاق مأمورین مالیه بود و گمان میکنم مقتضی نباشد نسبت سوء اخلاق بنام مأمورین دولت داده شود و قبل از وقت این مذاکرات بشود چه طور مأمورین توانیم بگیریم که تمام مأمورین به اخلاق هستند آقای مدرس در جهاتی که بنده عرض کردم توجه فرمودند فقط اظهار سکرند که ممکن است بواسطه بد اخلاقی مأمورین احقاق حق عارضین بعمل نیاید بنده عرض میکنم که بد اخلاقی مأمورین اولاً راجع باین قانون

نیست و ثانیاً مربوط بدانان ربع یا ندادن ربع نخواهد بود اگر بد اخلاق باشند یا ندادن هم بد اخلاق هستند بنده یک دلایلی عرض کردم خوب بود مطابق آن دلیل یک دلالتی میآوردند و دلالت بنده را رد می کردند و الا بعنوان کلیات و میل باحقاق حق نمی شود یک قانونی را باین درجه توسعه داد و این اصلاحها و پیشنهاد هائی که میشود ممکن است بعضی معایب که تکرار را لازم ندی دائم تولید شود علاوه یک نکته دیگری میخواهم عرض کنم و آن اینست که ممکن است یک کسی ادعای خیلی بزرگی بکند بمادهای افلاس بنماید تا وقتیکه خواهند کرد در صورتیکه ممکن است از این قبیل وقایع خیلی اتفاق بیفتد چنانکه سابق بر این هم در عدلیه از این قبیل وقایع خیلی اتفاق می افتد و اینطوری که نوشته شده است برای اینست که افلا بکریع از صدی پنج که حق دولت است قبلاً گرفته شود و اگر محکوم نشد باو پس داده میشود و این هیچ اشکالی ندارد چنانچه در عدلیه هم در موقع دادن مرضحال یک مبلغی از عارض گرفته میشود

رئیس - خاطر آقایان را متذکر میشوم اشخاصی که عضو کمیسیون نیستند بموجب نظامنامه حق نطق ندارند آقایان حاج تیغ اسدالله ناصر الاسلام و نظام السلطان و آقای سید فاضل چون عضو کمیسیون نیستند بموجب نظامنامه حق نطق ندارند

حاج شیخ اسدالله - بنده قبلاً اجازه خواستم و داده شد

رئیس - چون مذاکرات را کافی میدانستند باین بود که اجازه داده شد

حاج عین التجار - بنده تصور میکنم این معاکات بجهت رفاه حال متظلمین است و بیانات آقای مختصر این بود که اگر این ترتیب باشد اسباب اشکالات میشود و نسبت به محکمه اسباب زحمت خواهند شد یعنی اگر این وجه را پیش بدهند اسباب این میشود که عارضین زیاد بشوند بنده عرض میکنم وقتی که بنده حق معاکه صدی پنج گرفته شود اگر عارضین زیاد شدند عوض یک محکمه دوم محکمه سه محکمه هم ممکن است تشکیل داد و حال اینکه عارضین هم اینقدر بیکار نیستند که از راه دوری بیایند و عریضه بدهند و با دادن صدی پنج مزاحم محکمه بشوند علاوه جرائم راه نباید یک چشمه هائیات برای دولت قرار داد

رئیس - در این پیشنهاد مذاکرات کافی نیست (جمعی گفتند کافی است) رأی میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند بقیام نمایند (صدی کنیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پس دیگر ماده ۲۶ اینصورتی بگیرییم

مختصر - خوب است در اینجا رأی گرفته شود کمیسیون تقصیر عقیده نخواهد داد

رئیس - بموجب نظامنامه در چیزی که پیشنهاد قابل توجه میشود همان روز نمیشود رأی گرفت میماند برای روز دیگر ماده ۲۷ قرائت میشود (بعضون ذیل خوانده شد)

ماده ۲۷ مدعی العموم و مأمورین مالیه از دادن خرج معاکه از هر قبیل که باشد معافند

عادل الملک - در شور اول بنده در اینجا پیشنهاد کردم که مدعی العموم معاف باشد ولی پیشنهادکنندگان و امثال مالیه وقتی معاف باشند که معصایه بصندوق دولت عاید شده باشد و این پیشنهاد قابل توجه شد بکمیسیون رفت چون پیشنهاد در اینخصوص ساکت است لهذا یادآوری میکنم که این مسئله قید شود

رئیس - آقای معدل الدوله چون مختصر نیستند ممکن است از ایشان نیابت کنید

عادل الدوله - بنده خودم در این ماده با آقای عادل الملک هم عقیده ام

رئیس - پس اگر صلاح میدانند شور دوم را بگذاریم برای جلسه دیگر در این جلسه در ۲۶ ماده رأی داده شده و گویا کافی باشد چنانچه عرض کردم روز یکشنبه که مجلس نشد بنا بود که قانون دخانیات بمجلس بیاید و روز سه شنبه عرض کرده بودم که در پروگرام آقایان وزراء هم اگر حاضر شد مذاکره میشود این بود که پروگرام و نه قانون دخانیات هیچکدام حاضر نشد باین جهت پروگرام موکول بامروز شد البته آقایان موافقت دارند که امروز قرائت و رأی گرفته شود در اینجا مخالفی نیست (گفته شد خبر آقای وزیر امور خارجه لایحه بعضون ذیل قرائت نمودند) نظر باظهارات ۲ هفته قبل کالیه از خاطر نمایندگان محترم معور نشده دولت حاضر در یک موقع غیر عادی پس از ملاحظاتی و مسائل مقتضیه زیر بار مسئولیت رفتن برای خدمت گذاری حاضر شده در این موقع با استحضار کامل نمایندگان محترم باوضاع کنونی از ذکر این نکته ناگزیر است که در حال حاضر ایران با آن همه موانع و معظورات که بد پیشرفت مقاصد دولت شده اگر احتمال موقتیت تصور شود فقط بوسیله اقتدار حکومت است که رفع معظورات را بواجبیت کامل مقدم بشود برای اینکه خطه شی دولت قبلاً معین شده باشد معمولاً باید کالیه پروگرام خود را بمقام مجلس شورای ملی تقدیم دارد نظر باین مقصود کالیه حاضر حاضر چون پروگرام کالیه سلف را موافق با نظر خود میدانم مصمم است که بر طبق آن در آتیه رفتار نماید و چون پروگرام مزبور بتصویب نمایندگان محترم رسیده است لهذا تکرار آنرا در اینجا لازم میدانم ولی برای اینکه کالیه حاضر بتواند موفق باجرعه اصلاحات و مواجید پروگرامی خود بشود از بیان این یک فقره خودداری نمی نمایم که بواسطه جنک صومالی و اروپا نمیتوانیم تکلیف سیاست خارجی مملکت ایران فوق العاده مهم و جالب دقت و میتوان گفت موقتیت های آتیه بسته باین سیاست است در این موقع مصالح مملکت ایران چنین اقتضا میکند که از هر نوع اقدامی که منافی با مسلک بیطرفی باشد قویاً اجتناب نماید و بنابر این لازم میآید که در شغل باین مقصود از طرف کالیه قوای عامله مملکت موافقت کامل با دولت شده بیا کندگی امروزه مرتفع و تمام قوا را برای مصالح واقعی مملکت مصروف کردد اولین شرط موقتیت در این مقصود اختیاری است که لازمه یک حکومت مقتدری میباشد که با مساهمت و معیت مجلس شورای ملی در تهیه اسباب و وسائل آن اقدام نماید تا با مساعدت و حسن

ظنی که از طرف مجلس شورای ملی اظهار شده است کالیه حاضر با قلبی قوی و تبتی خالص مستظرفاً باطمینان و اقتداری که از طرف مجلس شورای ملی داراست

در حدود وسائل موجوده در کلبه اصابی که برخلاف حفظ بیطرفی مشاهده نباید جلوگیری کرده و هر گاه اقدامی برخلاف بیطرفی مشاهده نماید مواظبت نموده و بالضروره مصالح و منافع مملکتی را محفوظ خواهد داشت و اگر در جریان بیطرفی تا موقع اختتام متخاصمات در اروپا بعضی مشکلات فوق العاده پیش آمد دولت حاضر مصمم است که با نظریات مجلس شورای ملی در قیصه آن اقدام کند باین احوال در صورت موافقت مجلس شورای ملی با نظریات حکومت و اعتماد واقعی از طرف نمایندگان محترم کالیه امیدوار است که در رفع موانع و معظورات امروزه موفقیت حاصل نماید

مدرس - البته معلوم است که در این موقع باید تشکر کنیم که از برای همه موفقیت حاصل است و یک نکته را لازم میدانم عرض کنم که یک مسئله از کالیه حاضر ملاحظه شد که بعقیده بنده خیلی جای تشکر است و آن اینست که کالیه های سابق پروگرام هائی داشتند که بمجلس تقدیم میکردند ولی کالیه حاضر یک متانتی دارند و عقیده کلبه آنها موافقت و جاب احساسات مجلس است در کلبه امورات این لایحه که بمنزله پروگرام است قبلاً در مجلس که در اغلب آن بعضی آقایان و بعضی تمام آقایان حضور داشتند در تحت مشاوره در آمده و مذاکره کردند که توافق کامل بین وزراء و مجلس حاصل شود بعمده الله بعد از مذاکرات و مشابرت زیاد در یوز عصر بنوسط بعضی از آقایان و کلاب با اهتمام آقای حاج امام جمعه سلمه الله پروگرام وزراء که این لایحه باشد بقضای صلاح مملکت اصلاح و این مسئله حل شد و خیلی باید تشکر کرد و امیدواریم همینطور که عرض کردم با توافق مجلس شورای ملی هیئت دولت موفق شوند بر طبق پروگرام سابق هم نسبت بامور داخله و هم حفظ بیطرفی که امروز مقصود کلبه ماهاست عموماً و خصوصاً موفق شوند و از خداوند توفیق این مسئله را خواهند خواستیم

سلیمان میرزا - چنانکه در این پروگرام ذکر شده است هیئت وزراء حالیه پروگرام وزراء سابق را کاملاً منظور داشته و بهمان ترتیب رفتار خواهند فرمود چون سیاست خارجی یک اندازه در پروگرام سابق مهم بود در آن خصوص شرحی در این لایحه نوشته اند و همانطوری که در این پروگرام اظهار کرده اند البته موقتیت بسته باین سیاست خارجی است و امروزه سیاست خارجی مملکت ما همان سیاست بیطرفی است که علیحضرت اقدس همیونی در نطق افتتاحیه خودشان در مجلس اظهار فرمودند و عموم نمایندگان هم در عریضه که حضور علیحضرت همیونی عرض کردند همین مسئله را تصدیق کردند در واقع عقیده عموم افراد این مملکت هم همین حفظ بیطرفی است نسبت بخارجیه هیئت وزرای سابق و اسبق هم همین مسئله را رعایت کردند و هیئت وزراء حالیه هم این مسئله را از همه بیشتر طرف توجه قرار داده اند و باین مسئله اقدام خواهند کرد و انصافاً این عقیده که اظهار کرده اند موقتیت بسته به

تعیین همین سیاست است و قابل همه قسم تفسیر است و البته همانطور که ذکر شده باید مسلک بیطرفی را تعقیب کرده و از هر اقدامی که ضد مسلک بیطرفی است باید جلوگیری کنند زیرا که این عین مقصود اعلیحضرت همایونی و مجلس شورای ملی و در حقیقت افکار عموم ملت است و از شخصی مثل آقای رئیس الوزراء غیر این را نباید انتظار داشت زیرا که شخصاً طرف اعتماد و کلاهستند و در آن جلسه که معرفی شدند وقتی که خودشان فرمودند (اکثریت) اغلب نمایندگان گفتند (اتفاق) پس از یک رئیس الوزرائی که طرف اعتماد اکثریت بلکه طرف اعتماد اتفاق مجلس شورای ملی را قائل عامه است غیر از این نباید منتظر بود و باید در تعقیب پلتیک بیطرفی سعی کنند و آنچه در خور بیطرفی است کاملاً اقدام کنند و موفق شوند این لایحه که در اینجا ذکر شده است در واقع مختصر مقدمه است برای پروگرام کابینه سابق زیرا که پروگرام کابینه حالیه همان پروگرام کابینه سابق است پس این یک مختصر مقدمه است که در اجرای پروگرام شرح داده و در اینجا هم چند جمله هست که انصافاً قابل همه قسم تمجید است یکی اینکه در اول لایحه نوشته اند (حکومت مقتدری است که با مساعدت مجلس شورای ملی در تهیه اسباب و وسائل بیطرفی اقدام خواهد کرد) البته چون مجلس شورای ملی و هیئت دولت متفق هستند با اتفاق مملکت را بهتر میتوان حفظ کرد و یکی هم قسمت آخر است که نوشته اند دولت مصمم است در هر مشکلاتی که پیش میاید با نظریات مجلس شورای ملی در قبضه آن اقدام کند پس در اینصورت امیدوار هستیم که در آتی به جمع اصلاحات موفق شویم زیرا وقتی که هیئت نمایندگان و هیئت دولت متفقاً در یک کاری اقدام کنند محققاً موفق میشوند.

طرف بعضی نمایندگان شد در این زمینه بود که در موضوع بیطرفی با اختصار پرداخته و مبسوطاً وارد تفصیل نشده بودند خوشبختانه در اینجا می بینیم هیئت دولت حفظ بیطرفی را با یک اهمیت در نظر گرفته است و تصمیمات قطعی از برای حفظ بیطرفی نموده و با تشکیل یک هیئت مقتدری که آن اقتدار بران حفظ بیطرفی صرف خواهد شد به مساعدت مجلس شورای ملی که یگانه تکیه گاه هیئت دولت است متوسل شده اند خیلی خوشوقتیم که امروز هیئت دولت راجع باین تصمیم که از طرف ذات ملوکانه اعلیحضرت اقدس همایونی اعلان و از طرف نمایندگان تصدیق شده است باین نظر اهمیت وجدیتی نگاه میکنند مخصوصاً در این مقدمه در چند مورد دولت حاضر با استظهار مجلس اظهار امیدواری میکنند و باید خوشوقت شد که امروز هیئت دولت مجلس شورای ملی را که نماینده ملت است و احساسات عمومی در اظهارات نمایندگان معین می شود تکیه گاه خودش می دانند و به تحقیق میدانم اگر دولتی بخواهد باین تصمیم موفق شود که (تقریباً) اگر خدا نخواست در این تصمیم تزلزلی پیدا شود استقلال و جرات ما متزلزل است بدون محبت مجلس و نمایندگان هیچ ممکن نیست بتواند یک قدم برای پیشرفت این مقصود بردارد بنده با پروگرامی که هیئت دولت به مجلس تقدیم کرده که پروگرام هیئت سابق است کاملاً موافق و بمقتضای بیطرفی نمایندگان در مقدس شرف من مسلک بیطرفی اظهار شده است مستظهر و امیدوار هستم هیئت دولت حاضر همین طور که امروز این لایحه را به مجلس تقدیم کرده و به منظور لایحه های دیگر در مجلس شورای ملی قرائت کنند و نمایندگان هم بواسطه جدیتی که در هیئت دولت می بینند بیشتر بر اعتمادشان افزوده شود.

هر گونه خللی که با اساس آن سکنه وارد آورد (۲) جهت بلع در تحصیل وسائل که باعث قوت و استحکام ادارات مربوطه بوده موجب توسعه ادارات مذکور شود - مثلاً مالیه را هم در آنجا منظور تصریح کرده است تشکیلات اساسی وزارت مالیه در مرکز و ولایات موافق اصول ذیل است (۱) برقراری تمام ادارات مالیه در تحت ریاست وزیر مالیه (۲) تقسیم اختیارات مابین وزیر مالیه و ادارات وزارت مالیه بنحویکه از جمع تمام اختیارات در یکجا استرازا شود و از طرف دیگر تقسیم طوری باشد که جریان امور دچار موانع اداره نشده اصلاحات لازم و تصمیمات قانونی دولت با سرعت مقتضی بموقع اجرا گذارده شود. (۳) تعیین مرجعی برای تظلمات مردم از ادارات مالیه تا جلوگیری لازم از زیاد رویهای ممکن الوقوع بعمل آید (۴) رعایت نظرات اقتصادی در تشکیلات اساسی مالیه تا حدی که خللی با اساس تشکیلات وارد نیاید.

پس بنابراین هر دو نظر را کابینه حاضر تصدیق کرده و پروگرام خود را این همان پروگرام سابق قرار داده است فقط اقلیت دولت آنچه را که برای مزید کارایی خود در پیشرفت اجرای مواد این پروگرام حس کرده است موافقت نمایندگان منت است و گمان میکنم نمایندگان هم همین مسئله را حس کرده اند که باید با دولت موافقت کامل بکنند یعنی چون برای مملکت صلاح است ملت و دولت باید متفق شوند تا کابینه مطالب پیشرفت کند بهترین نمایش که نمایندگان برای اظهار موافقت دادند در جلسه اولی بود که آقای رئیس الوزراه تشریف آوردند پشت همین میز نطق و خواستند اظهار کنند که (من با استظهار و اعتماد اکثریت مجلس اینها آمده ام و قبول مسئولیت مینمایم) نمایندگان بی اختیار فریاد کردند (با اعتماد و اتفاق مجلس) و این بهترین نمایش بود که ممکن بود نمایندگان بدهند حالا وقتی که اینطور از طرفین حس شده است بنده گمان میکنم هیچ محظوری برای دولت نیست و آن قدرتی را که تصور کرده است برای پیشرفت این مواد از مجلس بخواهد و البته با موافقت مجلس میتواند موفق شود اکنون پس از اظهار تشکر مقدساتی نسبت بقبول این زحمت متذکر میشوم که موقع انتظار دیگری برای ملت و نمایندگان ملت بقی است و آن وقتی است که بتوانند از موفقیت های هیئت دولت در بروز خدمت بمملکت و ملت خشنود شده باشند تا به تبریک و تشکرات کلی بپردازند

خوش بختی است برای ملت که به پشت دولت نمایندگان ملت برای مصالح و منافع امور مملکتی هم رأی و هم عقیده نهاده اند و امیدواریم انشاءالله با فضل خداوند بوجه احسن باین مقصود نائل شویم (جمعی گفتند انشاءالله) و بطوری که منظور نظر هیئت دولت است البته کاملاً از هر جزئی و کلی با مجلس مقدس شورای ملی و نظریات نمایندگان در پیشرفت کار اقدامات خواهند نمود و هیچ نظری ندارد مگر آسایش مملکت و حفظ بیطرفی و خوب میدانند که این مسئله یکی از مسائل مهم است و هر قدر بیطرفی ما امروز بماند منافع ما بیشتر محفوظ خواهد بود پس در اینصورت امیدواریم با همان موافقت و همراهی مجلس مقدس هیئت دولت نمایندگان محترم همه جا انشاءالله تالی در مسئله پروگرام سابق هم که معلوم است خوب ملتقت شده اند که دولت حاضر همان پروگرام سابق را قبول کرده و برای اجرائیات آن حاضر شده است و البته بعضی مطالب هست که از تمام مطالب مقدم تر است از جمله مسئله مالیه است که از همه مهم تر است و من همیشه دقیق بوده ام زیرا میدانستم تا مالیه مملکت درست نشود سایر کارها درست نخواهد شد. امیدواریم انشاءالله نمایندگان محترم هم باین مسئله بیشتر اهمیت بدهند و همینطور مسئله امنیت مسلم است امنیت یک چیزی است که همه قسم دولت را برای نتیجه گرفتن در مصالح مملکتی حاضر میکند و اگر در مملکت امنیت نباشد هیچ چیز نخواهد بود این هم حاصل نمیشود مگر با سبب و اسبابی که امروز بر این امنیت مملکت داریم فقیرانه اداری است و البته باید دولت هر قدر بتواند سعی کند که ژاندارمری را تقویت کرده و توسعه بدهد در حقوق سال گذشته آنهم قراردادی شده است در آتی هم به بگذشتن قانون تشکیلات مالیه از مجلس و تدارک کردن یک محل صحیحی است برای آنها و امیدواریم در اینباب بزودی تربیتی فراهم شود که بکنی از این حیث آسوده و همه روز اسباب خدمت نباشد و به منظور نظریه مملکت و امیدوارم با اتفاق تمام کلبه این مقاصد حاصل شود حالاً امنیتی میکنم همانطور که نسبت به شخص من که آن همه اظهار لطف فرموده اند نسبت بکابینه هم رای اعتماد مجلس شورای ملی و نمایندگان محترم معلوم شود

رئیس - سابق وقتی که پروگرام به مجلس مابعد درمواش رای می گرفتیم ولی چون این دفعه موادی ندارد و آن پروگرام را که قبول فرموده اند ماده بساده رای گرفته شده است و گذشته است و بطور کلی رای گرفته میشود

رئیس آلی زراه - این رای باورقه گرفته شده است

رئیس - آقای رئیس الوزراه تقاضا میفرمایند که رای باورقه گرفته شود اول رای بگیریم که با ورقه رای گرفته شود یا خیر اگر تصدیق میفرمایند که باورقه رای گرفته شود قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - پس باورقه رای میگیریم آقایانی

کرای میدهند و ورقه سفید و آقایی کرای میدهند ورقه کبود خواهند داد (در این موقع ورقه کرای منتشر و آقای میرزا محمد علیخان نماینده همدان شروع بخواندن آراء کردند و بنحویکه ذیلاً مندرج است نتیجه شد) (هده اوراق) ۶۶ ورقه سفید با امضاء (۶۲) ورقه سفید بدون امضاء (۴) (اسامی آقایانی که رای داده اند از قرار ذیل است) سلیمان میرزا - ارباب کبیسرو - میرزا محمد علیخان نماینده همدان - سردار سعید - حاج میرزا اسدالله خان - حاج میرزا حسین - مرآت السلطنه - محمد هاشم میرزا - عماد السلطنه - حاج شیخ اسمعیل - آقا سعید حسین کزازی - میرزا طاهر متولی آصف الممالک - میرزا سلیمان خان باباخان - منتصر السلطان حاج سعید اسدالله - آقا شیخ یحیی - شیخ المملک - مصلح الدوله - حاج عز الممالک - اعزاز السلطنه - نجف قلی میرزا - حاج میرزا حسین خان نائینی - دکتر حسینقلیخان - منتصم السلطنه - مبعز المملک - امیر مؤید - شریعتدار طایبانی - سردار محمد مدحت السلطنه - میرزا قاسم خان یزوری - مدرس - سردار معظم خراسانی - آقا شیخ محمد جواد صدر الممالک - میرزا محمد نجات - آقا شیخ محمد حسین استر آبادی - عدل الممالک - آقا شیخ محمد ننجی - صدر الممالک - حاج شیخ حبیبالله - مویده الاسلام - حاج سهم المملک - حاج شیخ محمد حسن گروسی - معین التجار - حاج شیخ اسدالله - میرزا محمد عنایت نماینده بو شهر - حاج میرزا علیرضا - حاج سعید رضا فیروز آبادی - آقا میرزا طاهر تنکابنی - ناصر الاسلام - سلطان العلماء - سید امام الله - حاج شیخ یوسف - حاج امام جمعه سید اسدالله قزوینی - حاج شیخ محمد حسین بزوی آقا سعید فاضل - فرح الله خان - سردار معظم - حاج میرزا فخر علی آقا - حاج مذهب الدوله

رئیس آقایان با اتفاق اظهار اعتماد کرده اند پیشنهادی است از طرف وزارت مالیه قرائت میشود (بعضی ذیل قرائت شد)

مجلس مقدس شورای ملی - چون تا وقتی که قانون تشکیلات اساسی وزارت مالیه از مجلس نگذشته و بموقع اجراء گذاشته نشده است وجود کمیسیون نظارت و تقش در وزارت مالیه لازم است لهذا ماده واحد ذیل را پیشنهاد و بتقریر تصویب آن را تقاضا میکند

ماده واحده - مدت مأموریت کمیسیون مذکور در ماده دوم قانون (۲۶) حوت تا بیست روز بعد از گذشتن تشکیلات اساسی وزارت مالیه از مجلس با همان ترتیبات و وظایفی که در قانون مزبور مقرر شده است تمدید میشود

رئیس - کمیسیون قوانین مالیه گویا این پیشنهاد را دیده اند

عبدالحسین خان سردار معظم - بلی بنده دیده و قبول هم کرده ام

رئیس عجالتاً باید در فوریت آن رای بگیریم آقایانی که فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (هده کثیری قیام نمودند)

رئیس - فوریت تصویب شد حالاً تقاضای فرمائید برود بکمیسیون یا در خود مجلس رسیدنی شود

وزیر مالیه - چون فوریت دارد اگر بکمیسیون برود طول میکشد

رئیس - پس بکرای دیگر باید بگیریم که در خود

مجلس رسیدگی شود یا بروی بکمیسیون - بلی بنده

آقایانی که تصویب میکنند در خود مجلس رسیدگی شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - مجدداً قرائت میشود (بعضی فوق قرائت شد)

رئیس - مخالفی هست

محمد هاشم میرزا - بنده تصور میکنم آنچه بیکه قائم مقام این کمیسیون خواهد شد کمیسیون تطبیق حوالجات است لهذا باید مقید کرد که با انتخاب آن کمیسیون والا ممکن است قانون تشکیلات مالیه بگردد و کمیسیون تطبیق حوالجات نباشد آنوقت چیزی نیست قائم مقام آن کمیسیون بشود بنابر این اگر نوشته شود تا بعد از تعیین کمیسیون تطبیق حوالجات بهتر است

وزیر مالیه - مدت بیست روزی که بنده پیشنهاد کردم مضایق بود که در این مدت اشخاص کمیسیون تطبیق حوالجات معین شود ولی مهماناً بایشتهاد آقای محمد هاشم میرزا مخالف نیستیم اینطور هم نوشته شود ضرر ندارد ولی بنده خیال کردم اگر وقت معین نکنیم اسباب اشکال میشود باین جهت بیست روز فروادادم باین تقاضا موافقم

مخیر - بعقیده بنده همانطوری که در پیشنهاد دولت ذکر شده محدود بوقت باشد البته بهتر است بجهت اینکه اگر محدود بوقت نباشد ممکن است ترتیبی بیش بیاید که قانون تشکیلات مالیه بگردد و آن قسمت راجع بکمیسیون تطبیق حوالجات اجرا نشود آنوقت اینجا رای خواهیم داد تا وقتی که کمیسیون تطبیق حوالجات متعقد نشده است این کمیسیون در عمل باشد بلی چنانچه عرض کردم ممکن است کمیسیون حوالجات تشکیل نشود اگر مجلس شورای ملی بداند که این کمیسیون دائمی است شاید مقید باشد که وظایفی برای آن معین کند و یا از حیث عدم تغییراتی در این کمیسیون قائل شود ولی نظر مجلس باین است که کمیسیون تطبیق حوالجات باید عده معین و وظایف معین تأسیس شود و باید مجلس کاملاً با نظر وزیر مالیه موافقت کند چون بعد از گذشتن قانون تشکیلات از مجلس البته بکمدنی وقت هم لازم خواهد بود تا دولت پانزده نفر معین کند و به مجلس پیشنهاد نماید تا مجلس از میان آنها پنج نفر معین کند پس در اینصورت همان بیست روز که وقت معین شد است کافی است و همان پیشنهاد دولت خیلی خیلی بهتر است

محمد هاشم میرزا - عرض میکنم در پیشنهاد دولت نوشته (۲۰) روز پس از گذشتن قانون تشکیلات هیچ مدت معین ندارد و خوب نیست چنانچه در قانون ۲۶ حوت هم تصور کردیم که تا یکماه خواهد گذشت و بیکماه وقت معین کردیم باز محتاج برای دادن در (۲۶) حمل شدیم؛ حالا هم باز مجدداً محتاج باین پیشنهاد شده ایم بنده تصور میکنم اگر نوشته شود پس از تشکیل کمیسیون تطبیق حوالجات که قائم مقام این کمیسیون است بهتر است تصور فرمائید که بنده با وجود این کمیسیون مخالفی نیستیم می دانم محتاج باین کمیسیون موقتی هم هستیم ولی نه اینکه هر چند روز یکمرتبه یک پیشنهادی از تو بشود و چنانچه ملاحظه فرموده اید همان اشکالات که پیش آمده است باز هم

فراهم شود عهدهام اینست همانطوری که مرض کردم نوشته شود تا زمانی که کمیسیون تطبیق حوالجات تشکیل بشود بهتر است و برای خودم هم باقی هستم و بر مباحث آقای مخبر قانع شدم .

رئیس - قانع نشدید پیشنهاد کنید رای بگیریم .

مخبر - تصور میکنم مستلزم است در خصوص فرمایش مدت ندارد اینجا نوشته شده است (۲۰) روز پس از گذشتن قانون تشکیلات مالبه پس بیک وقتی محدود کرده است اینکه میگوید شاید بگذرد این بسته باهتام خودشان است که جدیت فرمایند تا قانون تشکیلات زودتر از مجلس بگذرد پس بجهانی که میخواهم تکرار کنم عرض میکنم همینطوری که نوشته شده است و مدت را تا (۳۰) روز پس از گذشتن قانون تشکیلات از مجلس محدود کرده است بهتر است والا اگر تشکیلات کمیسیون تطبیق حوالجات موکول کنند معنی آنست که برای تشکیل کمیسیون پیدا شود و جهت خصوصی کمیسیون تطبیق حوالجات تشکیل نشود آنوقت آن سه نفر برای این مدت قهر معنی باید مشغول کار باشند پس در اینصورت بهمین مدتی که محدود شده بهتر است و بیست روز هم برای اینست که کمیسیون تطبیق حوالجات تشکیل شود .

رئیس - پیشنهاد فرمائید میشود برای بگیریم (بسیار ذیل قرائت شد) .

پیشنهاد میکنم که نوشته شود بعد از تعیین کمیسیون تطبیق حوالجات

رئیس - رای میکنیم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای مجدهاشم میرزا آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - عین ماده قرائت می شود .

رئیس - آقای سلیمان میرزا از آقای وزیر امور خارجه سؤالی داشتند مگر قبلاً از مضمون سؤال ایشان مسبقاً کرده اند .

وزیر امور خارجه - بله فرمایند تا جواب عرض کنم .

سلیمان میرزا - البته همه کلام نمائید ملت و نماینده همه جا هستند لیکن چون بنده از اصفهان انتخاب شده ام میخواستم راجع بیک اتفاق بیکی که در آنجا واقع شده از آقای وزیر امور خارجه سؤالی بنمایم از قرار اطلاعی که رسیده گویا در سه شب قبل بیک اتفاق بیکی در آنجا رخ داده و پس فوسول دولت بجهت روس رامقنول نموده اند از آقای وزیر امور خارجه سؤالی مینمایم که آیا این اتفاق ناگوار صریح است و در این خصوص چه اطلاعی دارند در صورتی که صدق است چه اقدامی نموده اند .

وزیر امور خارجه - بله مع التاسف خاطر محترم نمایندگان را مستحضر میسازم باینکه شب چهارشنبه گذشته که بر شش باشد نصف شب رئیس بانک استراضی که سمت ویس فوسول را هم داشته با اتفاق مسویا که رئیس مالبه در منزل فوسول روس مهمان بوده اند از منزل فوسول نصف شب بیرون می آید و در خیابان چهارباغ ویس فوسول هدف

گلوله اشخاص میگردد که هنوز معلوم نشده است کی بوده مسویا که خودش را از کالسکه بیرون میاندازد ولی ویس فوسول متأسفانه در همان ساعت مقنول می شود این خبر در روز صبح بهیئت دولت رسید برای هیئت دولت کمال تأسف است از این واقعه ناگوار دست داد بفوریت اقداماتی که لازم بود با اظهارات تأسفات نسبت به سفارت بجهت امیراطوری و تلگراف به بطور و کردار و همچنین احضار حکومت و کارگذاری در رئیس زاندارمیری در تلگرافخانه برای تحقیق از این اتفاق ناگوار تأدیث تا ۳ ساعت از شب رفته که اغلب نمایندگان محترم هم در دوازده تشریف داشتند و ملاحظه فرمودند که هیئت دولت مشغول بود آنچه خبر تلگرافی اطلاع میدهد اینست که هنوز شخص مرتکب که بکشور یا بیشتر بوده معلوم نشده است ولی بهر حال این مسئله بیک سوء اتفاقی است که بر خلاف انتظار تمام ایرانیان واقع شده است مطابقت تلگرافاتی که در روز صبح رسیده است از همان ساعت اداره حکومتی و کارگذاری با مساعدت زاندارمیری برای دستگیری مرتکب مشغول تفحص بوده اند و در حفظ امنیت شهر و آسایش حال اتباع خارجه و فوسولگری و مامورین خارجه جدی وافی داشته اند امروز صبح هم بیک تلگراف دیگری رسیده است که مجدداً درصدد هستند که بلکه بروی قاتل را دستگیر نمایند و علت این واقعه را اطلاع دهند در طهران هم هیئت دولت بعضی اقداماتی در اینخصوص لازم دانسته و مشغول هستند از آن جمله فرستادن چند نفری از اداره تأسیسات خودمان که مردمان لایقی دارند که تحقیقات لازم را بعمل آورند البته بر نمایندگان محترم مخفی نیست که یکی از مفاخر ایرانیان اینست که در تمام ولایات حفظ تمام اتباع خارجه را نموده بعضی که نظیر آن در هیچ جای دنیا دیده نشده و بایستی اقرار کنیم که تمام اتباع خارجه که در ایران مسکن داشتند در آسایش بوده اند و در حقیقت ایران را برای خودشان بیک مأمنی تصور میکردند و در کمال راحت زندگی میکردند حالا بیک شخص بی ناموسی که معلوم نیست ایرانی است یا غیر ایرانی بخواهد بر خلاف آن افتخار ایرانیان که همیشه نگاهدار آسایش اتباع خارجه بوده اند بیک اقدامی بکنند معلوم است چقدر اسباب تأثر است و بایستی هیئت دولت اقدامات مجدده در این باب نمایند که ریشه اینمطلب را در آورده که بعد از این نظایر این امر واقع نشود و برای مرتفع شدن این مسئله

رئیس - آقایان را چه میگوید که در این مسئله که در این اتفاق ناگوار رخ داده و پس فوسول دولت بجهت روس رامقنول نموده اند از آقای وزیر امور خارجه سؤالی مینمایم که آیا این اتفاق ناگوار صریح است و در این خصوص چه اطلاعی دارند در صورتی که صدق است چه اقدامی نموده اند .

وزیر امور خارجه - بله مع التاسف خاطر محترم نمایندگان را مستحضر میسازم باینکه شب چهارشنبه گذشته که بر شش باشد نصف شب رئیس بانک استراضی که سمت ویس فوسول را هم داشته با اتفاق مسویا که رئیس مالبه در منزل فوسول روس مهمان بوده اند از منزل فوسول نصف شب بیرون می آید و در خیابان چهارباغ ویس فوسول هدف گلوله اشخاص میگردد که هنوز معلوم نشده است کی بوده مسویا که خودش را از کالسکه بیرون میاندازد ولی ویس فوسول متأسفانه در همان ساعت مقنول می شود این خبر در روز صبح بهیئت دولت رسید برای هیئت دولت کمال تأسف است از این واقعه ناگوار دست داد بفوریت اقداماتی که لازم بود با اظهارات تأسفات نسبت به سفارت بجهت امیراطوری و تلگراف به بطور و کردار و همچنین احضار حکومت و کارگذاری در رئیس زاندارمیری در تلگرافخانه برای تحقیق از این اتفاق ناگوار تأدیث تا ۳ ساعت از شب رفته که اغلب نمایندگان محترم هم در دوازده تشریف داشتند و ملاحظه فرمودند که هیئت دولت مشغول بود آنچه خبر تلگرافی اطلاع میدهد اینست که هنوز شخص مرتکب که بکشور یا بیشتر بوده معلوم نشده است ولی بهر حال این مسئله بیک سوء اتفاقی است که بر خلاف انتظار تمام ایرانیان واقع شده است مطابقت تلگرافاتی که در روز صبح رسیده است از همان ساعت اداره حکومتی و کارگذاری با مساعدت زاندارمیری برای دستگیری مرتکب مشغول تفحص بوده اند و در حفظ امنیت شهر و آسایش حال اتباع خارجه و فوسولگری و مامورین خارجه جدی وافی داشته اند امروز صبح هم بیک تلگراف دیگری رسیده است که مجدداً درصدد هستند که بلکه بروی قاتل را دستگیر نمایند و علت این واقعه را اطلاع دهند در طهران هم هیئت دولت بعضی اقداماتی در اینخصوص لازم دانسته و مشغول هستند از آن جمله فرستادن چند نفری از اداره تأسیسات خودمان که مردمان لایقی دارند که تحقیقات لازم را بعمل آورند البته بر نمایندگان محترم مخفی نیست که یکی از مفاخر ایرانیان اینست که در تمام ولایات حفظ تمام اتباع خارجه را نموده بعضی که نظیر آن در هیچ جای دنیا دیده نشده و بایستی اقرار کنیم که تمام اتباع خارجه که در ایران مسکن داشتند در آسایش بوده اند و در حقیقت ایران را برای خودشان بیک مأمنی تصور میکردند و در کمال راحت زندگی میکردند حالا بیک شخص بی ناموسی که معلوم نیست ایرانی است یا غیر ایرانی بخواهد بر خلاف آن افتخار ایرانیان که همیشه نگاهدار آسایش اتباع خارجه بوده اند بیک اقدامی بکنند معلوم است چقدر اسباب تأثر است و بایستی هیئت دولت اقدامات مجدده در این باب نمایند که ریشه اینمطلب را در آورده که بعد از این نظایر این امر واقع نشود و برای مرتفع شدن این مسئله

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله از وزیر داخله و وزیر مالبه راجع بسکهای نیکل سؤالاتی داشتند آقایان برای جواب حاضر هستند

وزیر داخله - در جلسه دیگر جواب عرض خواهم کرد

رئیس - آقای حاج شیخ یوسف و حاج میرضه مسیو مرئاد گویا از آقای وزیر مالبه سؤالی دارند

وزیر مالبه - بنده هیچ لازم نمیدانم که در این موضوع از وزرای سابق دفاع کنم فقط میتوانم عرض کنم هر کسی حسابی دارد می تواند بنویسد و ببرد بنده هیچ مقنول نمیدانم که بک صاحب حسابی طرفش حساب را ببرد و به آورد کند پس باین دلیل میتوانم بگویم با حساب را نوشته اند و بیا وسائل نوشتن حساب فراهم نبوده در این چند روز که بنده در وزارت مالبه هستم قبل از آنکه آن رقمه مفصل مسیو مرئاد بنده برسد تا گدما در نوشتن حساب کردم بکنفر را خودم تقاضا کرد که در پیش دست او برای نوشتن حسابش بکنارم گذاشتم و مخصوصاً چند روز قبل او را خواستم و مذاکرات مفصل فر ترتیب حساب با او کردم بالاخره این طور صلاح دیدم آن محلی کار داشته بود حساب منوشت چون از حوزه وزارت مالبه دور بود و شاید لازم بود بعضی اسنادی را بخواهد و تحصیل اطلاعات بکنند و فاصله اش دور بود و طول میکشید گفتن نزدیک باطابق وزارت مالبه یا شاطی برای او معین کند و سه نفر نویسنده از اشخاصی که خودش تقاضا کرده بود برای او معین کردم که حساب او را بنویسند و تمام کنند بیکال او قبول و تمام کردند سال مارسل برام مشغول شدند اگر

اگر آن هفت نفر را هم که دوچندی قبل مجلس شورایی تصویب کرد با حساب مسیو مرئاد و سبکی کنند آن کمیسیون هم حاضر شوند و حالش را ببینند گمان می کنم آنقدر ما طولی نداشته باشد بجهت اینکه اجزاء و لوازم کار را بنده خوب فراهم آوردم اگر از طرف آن کمیسیون هم اقدامی بشود گمان میکنم در مدت فلهلی این حساب تمام شود

وزیر امور خارجه - در مسئله حساب مسیو مرئاد بنده زائد نمیدانم چند کلمه عرض کنم اولاً خاطر آقایان مسیو است که دو سال و نیم مسیو مرئاد در خزانه داری مشغول عمل بود و چندی هم مستر شوستر مشغول کار بود هیئت دولت سابق که در تحت ریاست آقای مستوفی الممالک تشکیل شده بود کمیسیونی برای اینکار تشکیل دادند و آنها را مامور کردند که حساب سه ساله خزانه را یعنی از زمان ریاست مستر شوستر و دو سال و نیم هم حساب مسیو مرئاد را رسیدگی نمایند این کار ولیکن چون لازم بود که مسیو مرئاد حساب خودش را حاضر کرده باشد تا بآن کمیسیون داده شود حاضر نکرده بود مسیو مرئاد مشغول تدارک حساب شده و همانطوریکه آقای وزیر فرمودند بیک مقداری از حساب مسیو مرئاد حاضر شده نه اینست که در این مدت بکلی حساب او حاضر نشده باشد بلی آن اوقات شاید بعضیها تقاضا می کردند که مسیو مرئاد حساب خودش را بطور کلی بنده ولیکن کاپیبه آقای مستوفی الممالک که بنده در آن هیئت وزیر مالبه بودم بساین عتیقه نبودند و میخواستند صورت حسابی که مسیو مرئاد میدهد قدری جامع باشد یعنی حسابهای هم راجع بولایات و ایالات بود بنده یعنی کل حساب مملکت را تهیه کند و بدلت بنده که هم از برای بودجه های آتی و محاسبات آتی و هم برای اداره اشخاص و ایداعات در آتی بیک گنمی باشد و باین واسطه بیک مقداری که در مرکز بوده جمع آوری کردند و آنچه راجع بولایات بود تلگرافات شده که بزودی فرستند بهر حال یکسال و نیم حساب خرج را تعیین کرد یعنی مقدار خرج را تقریباً تدارک کرده بود و بیکمقداری از جمع باقی مانده بود که در این کافه خودش ملاحظه میفرمایند نوشته شده است و اینکه در این اواخر قدری تاخیر شده بود این بود که اجزائی را که مسیو مرئاد برای کار خودش میخواست آن اجزاء دارای مشاغلی بودند که در تمام روز و در تمام مدت نمیتوانستند باین کار رسیدگی کنند و اگر چنانچه میخواستند باین کار رسیدگی کنند از آن کارهای مهمی که بآنها تفویض شده بود باز میماندند این بود که بنده ترتیبی دادم که در روزهای تعطیل و در روزهای غیر تعطیل هم چند ساعتی که مزاحم کار اداری آن اشخاص نباشد حاضر شوند و کمک کنند که زودتر حساب مسیو مرئاد تمام شود معلوم میشود در این اوضاع و تغییراتی که پیدا شده است آنطوریکه باید اشخاص مراقبت بکنند نکرده اند یعنی کارهای اداری دیگر داشته اند که مانع از آن اقدام شده باشد باین واسطه از وزیر مالبه حالبه تقاضا کرده بود چند نفری معین شود و حساب او را بنویسند و همچنین وزیر مختار بلژیک هم پیش بنده بود و خواهش میکرد که این کار بشود و تقاضایش این بود که وزیر مالبه چهار

نفری معین کنند که تمام مدت روز بدون اشتغال بکار دیگر مراقبت بکنند و باقی مانده حساب مسیو مرئاد را تمام کنند و مطابق قول خودش اگر باین ترتیب که تقاضا کرده است رفتار شود و مشغول کار باشند تصور میکنم در ظرف پنج شش هفته این حساب تمام شود معلوم است اگر تمام حساب او باقی مانده بود چند هفته کفایت نمیکرد باین واسطه تصور میکنم در باب حساب مسیو مرئاد نگرانی نداشته باشیم

رئیس - آقای مستصم السلطنه از آقای وزیر مالبه سؤالی داشتند ابلاغ هم شده است حاضر جواب هستند یا خیر .

وزیر مالبه - بله حاضرم .

مستصم السلطنه - بطوریکه خاطر محترم نمایندگان مستعضر است پس از نسخ قانون ۲۳ جوذا مجلس تصویب کرد که بیک کمیسیون سه نفری در وزارت مالبه تشکیل شود و تمام وجوهی که به پرداخته میشود آنها تصدیق کنند بعد با مضای وزیر مالبه برسد آنوقت پس از آن تصدیق و امضاء خزانه داری آنچه را با شخصی که لازم است بپردازد و موافق اطلاعاتی که بنده دارم در این چند روزه خزانه داری بیک مبلغی را بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزیر مالبه پرداخته است و صورت آن از اینقرار است .

در وجه مسیو مرئاد ۵۰۰۰ تومان - در وجه مسیو بوطن ۶۷۵ تومان جیره دگر کر ۷۵ تومان جیره اروا ۵۰ تومان - حقوق باقی مانده بسا خرج سفر ۳۶۰ تومان - مخارج متفرقه خزانه داری ۱۰۹۵ تومان محصن ۴۱۲۵ تومان - کرایه منزل اروا ۳۰ تومان - وظایف اروپائیان ۲۵۰۰ تومان مخارج چراغانی ۴۰ تومان - در وجه پاک ۲۹۲۵ تومان - در وجه بطرز ۲۰۰ تومان - در وجه مراسم و ۱۰۰۰ تومان که کاپه یازده هزار و دویست و هشتاد تومان است و این مبلغ را تحویلدار بدون اطلاع کمیسیون سه نفری بدون امضای وزیر مالبه پرداخته و بملایه بیست هزار تومان دیگر هم بنده شنبه ام باز بهمین ترتیب در خزانه داری بدون اطلاع کمیسیون و امضای وزیر مالبه پرداخته شده است چون ناظر در اجرای قانون مجلس شورایی است بنده از آقای وزیر مالبه سؤالی میکنم که آیا این ترتیبیها را تصدیق میفرمایند یا خیر اگر تصدیق میفرمایند چه تضمین برای جلوگیری این ترتیبیها فرموده اید

وزیر مالبه - بنده فرمایشاتی را که نمائید محترم فرمودند تصدیق دارم و بهمین ترتیب که فرمودند واقع شده است ولی این مسئله قبل از آن بوده است که بنده در وزارت مالبه بروم روز دوم که بنده بوزارت مالبه رفته ام این مطالب را مطاع خدمت که همچو وجوهی پرداخته شده یا میشود از مسیو شلر که آنوقت تحویلدار و رئیس صندوق بوده سؤالی کردم گفت چون همچو وجوهی را نپرداخته ام و همچنین از اداره مالیات تهران سؤالی کردم و نوشتم اگر اینطور وجوه را بدون امضای کمیسیون و وزارت مالبه بپردازند بی جا است و مسیو هنس هم نوشتم مسیو هنس هم بیک جواب مفصلی بمن نوشته است و پرداخت این وجوه را بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزارت مالبه بیک جهاتی متعذر شده است بنده در جواب او چیزی که لازم بود نوشته و فدفن سخت

کردم که من بعد بیچوجه از این امور نباید اتفاق بیافتد و آن بولهای راهم که سابقاً داده بودند تا مستصم صحت آنرا تصدیق نمایم و شرح و معنی را که اظهار داشته بود لازم نمیدانم که در این مقام اظهار کنم فقط می توانم عرض کنم که بعد از این تاریخ چیزی بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزارت مالبه داده نشده است و اگر بهمین منوالی که بنده شروع کرده ام باشد گمان نمیکند بعد از این بر خلاف رویه رفتاری فرآنجا بشود و در موضوع بیست هزار تومان هم راجع باین مسئله نیست چیزی نیست که بدون تصویب کمیسیون و امضاء وزارت مالبه تأدیبه شده باشد راجع بیک مذاکره ایست که با بانک در بین است که حالیه هم مشغول تصفیة آن هستیم تقصیل آنرا هم لازم نمی دانم عرض میکنم فقط در مورد قروض است که دولت با بانک داشته است و بیک وجهی از خراسان رسیده و بانک در عرض آن قرض نگاهداشته است در اینباب هم مشغول مذاکره هستیم .

رئیس - آقای ارباب کبکسرو سؤالی حضرت عالی هم راجع بهمین موضوع بود .

ارباب کبکسرو - بله راجع بهمین مطلب بود که آقای مستصم السلطنه بیان کردند بنده از وزیر مالبه سؤالی میکنم که آیا بهمین اکتفا میکنند که قرض کرده اند بعد از این حرکت نکنند یا این که بیک کسی که خودسرانه بیکمقداری از مال دولت برداشته بدیگران داده است تعقیب خواهند فرمود که از روی چه ترتیبی این خلاف را کرده اند و واقعا از روی چه مآخدی بوده است ؟

وزیر مالبه - اینکه عرض کرده ام نوشته ام و صحت تأدیبه این وجوه راهم تصدیق نکرده ام مسلم است که این مسئله را هم تعقیب کرده ام و تصدیق ندانم که این وجوه را بآن دلیل که او اقله میکند بدون تصویب کمیسیون و بدون اجازه وزارت مالبه داده باشد و در تعقیب آن باندازه که مقتضی است البته اقدامات شده و میشود .

رئیس - چون مطلب دیگری در دستور نیست اگر آقایان موافق باشند جلسه بماند برای روز شنبه دستور آتیم شور دوم در بقیة قانون تشکیلات مالبه خواهد بود .

(مجلس یکساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۳۹۹

صورت مشروح مجلس روز شنبه هفتم شهر

رجب الامر ج ۱۳۳

مجلس دو ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای موتهن الممالک تشکیل و صورت مجلس روز ه

شنبه پنجم قرائت شد

قائمین بالا اجازه - آقایان طباطبائی - سردار معتمد آصف الممالک .

غائبین بدون اجازه آقایان حاج امام جمعه حاج شیخ اسمعیل نظام السلطان

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ؟ ملاحظاتی نیست .

صورت مجلس تصویب شد دستور امروز شور

ثانی در بقیه مواد قانون تشکیلات است از ماده ۲۷

(ماده ۲۷ بمضمون ذیل قرائت شد)

مدعی العموم و مأمورین مالبه دولت از دادن خرج

معا که از هر قبیل که باشند ما فاند
حاج شیخ محمد حسن گروسى - پیشنهادی
 در این خصوص نوشته ام.
 (بضمون ذیل فراتر شد)
 این اقل پیشنهاد من است که ماده ۲۷ باین ترتیب
 بوده باشد مأمورین و بیشکاران مالیه در صورت
 محکوم شدن آنها در محکمه خسارت وارده بر دولت
 را که از بابت خرج معا که تعلق میگردد مستعمل
 شوند و از عهده برآیند
 رئیس - در خانه ماده ۲۷ است ؟
حاج شیخ محمد حسن گروسى - بلی
علی الملک - بنده در شور اول پیشنهادی
 کردم - و قابل توجه شد در اینجا معترضی نیست
 بفرمائید چه طور شده است تا نظریات خود را
 عرض کنم .

مخبر - کمیسیون مجبور نیست هر مطلبی که
 در مجلس قابل توجه میشود بپذیرد در شور اول عرض
 کردم کمیسیون قوانین مالیه مناسب نمائست برای
 مدعی العموم و مأمورین مالیه حق معا که قابل شود
 و قابل نشدن حق معا که برای مدعی العموم و مأمورین
 مالیه دلیلی بر این نیست که مجازات برای تصدیقات
 آنها معین نمی شود پس این است در صورتیکه مرتکب
 تصدیق شوند باین معا که شده و مجازات شوند و
 ترتیب معا که و مجازات را در مواد دیگر معترض
 شده ام مجازات مربوط بحق معا که نیست و باین
 وجه آنها را از حق معا که معاف کرده است .
ناصر الاسلام - در اینجا مدعی العموم و مأمورین
 مالیه را از هر قبیل خرج معا که معاف قرار داده
 است در باب مدعی العموم بنده معترضم که نباید خرجی
 باو متوجه شود زیرا مدعی العموم نماینده دولت است
 و از حقوق دولت دفاع میکند اما نماینده بجه فلسفه
 امانت مأمورین مالیه در صورت محکوم شدن معاف
 خواهند بود آن کسیکه متظلم است و بمالغی معمل
 خسارت میشود بعد از اینکه محکوم شد مبلغی نباید
 حق معا که بدهد در صورتی که اگر امانت مأمورین
 مالیه محکوم واقع شوند از خرج معاف باشند چگونه
 میشود آنها را از خرج معاف قرار داد این صرفه
 دولت نیست و از برای معاف بودن آنها هیچ جهتی
 نمی بینم و بسا پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن
 موافقم که مأمورین مالیه باید در صورت محکوم شدن
 هر خرجی که بآنها تعلق میگردد ادا کنند .

مخبر - عرض بنده فقط برای بیان عقیده
 کمیسیون است اینجا يك اشتباه عبارتی شده است
 در شور دوم در کمیسیون اینطور نوشته شده (مدعی-
 العموم و مأمورین مالیه از دادن حق معا که) از هر
 قبیل را حذف کرده اند مطلب یکی است و تفاوت
 ندارد .
منتصر السلطان - در اینجا که ذکر میفرمائید
 مأمورین وقتیکه محکوم میشوند باینستى صد پنج که
 بآن منازعه و مدعی به تعلق میگردد بدهند بنده مخالفم
 بجهت اینکه رئیس مالیه بموجب دستوریکه از مرکز
 خودش باو رسیده این مبلغ را گرفته است و در اینجا
 معطل میکند که این مطلب از مرکز سهو و اشتباه
 شده است بجهت در صورت محکوم شدن نباید
 صدی پنج بدهند این حکم يك جرمی دارد برای
 یک نفر مأمور دولت که بموجب حکمی که باو رسیده این

وجه را گرفته و اگر برعکس برای جلب منفعت
 شخص خودش مبلغی از مالیات بده گرفت اگر در
 مواد بعد ملاحظه بفرمائید می بینند که در محکمه
 و مدعی العموم رایورت میبندد بوزیر مالیه و اوجوع
 میکند بمجلس مشاوره عالی و اینجا در این باب
 رسیدگی میشود اگر مدلل شد برای این مأمور چند
 فقره مجازات معین شده است حتی اخراج او را
 باعث میشود بعد از آنجا رجوع میشود بمدعی العموم
 عدلیه او هم مطابق قوانین عدلیه که برای این کار
 معین شده او را مجازات و جرم و حبس خواهد کرد
 لهذا این ماده در این مورد کاملاً صحیح است
حاج شیخ اسدالله - بنده از این پیشنهادی
 که آقای حاج شیخ محمد حسن کردند میخوام يك
 قدری تجاوز کنم تصور میکنم که مأمورین مالیه
 مكلف هستند مطابق دستوریکه از طرف اداره
 تشخیص عایدات بآنها داده میشود رفتار کنند در
 صورت تخلف از آن دستور از دو حال خارج نیست
 یا برای منفعت شخص خودشان تخلف و تجاوز میکنند
 یا برای خدمت و نفع رساندن دولت در هر دو صورت
 این مأمورین تصدیق و خیانتی کرده است برای اینکه مطابق
 ترتیبات اداری مكلف بوده است که از روی دستوریکه باو
 میدهند رفتار کنند این معا که تیکه در این جا معین
 میشود برای رسیدگی به نظام مردم است در امور
 مالیه اگر چه بعد از اینکه در محکمه مالیه رسیدگی
 ابتدائی شد معلوم شد که این مأمور برای جلب نفع
 شخصی خود تجاوز و تخلف کرده است باید سزا
 دیگر را طی کند این مسئله را چه میشود بمعناکم
 عدلیه و آنجا هم ترتیباتی داده که باید داخل آن
 مجری شود ولی ابتدا وقتی مطلب راجع بامور مالیه
 شد باید در این محکمه رسیدگی شود که معلوم شود
 که آیا این مأمور تجاوزی کرده است یا غیر این
 متخارجیکه این جا معین شد سر بجا از برای همین
 محکمه است بان علت ما بین عارض و معروض نباید
 فرق گذاشت باین معنی که هر کس اسباب این خسارت
 را فراهم کرده است باید مغایر این معا که را
 بدهد خواه عارض باشد خواه معروض در هر صورت
 محکوم علیه باید بدهد پس اگر امانت و
 بیشکاران مالیه محکوم شدند معلوم میشود
 که خود آنها شخصاً اسباب این خرج و این معا که را
 فراهم کرده اند لهذا باید حق معا که را بدهند فرق
 نمی کند اگر عارض بقلط نظام کند برای چه این
 خسارت را از او بگیرند برای اینکه دیگر بقلط
 نظام نکنند وقتیکه مأمور مالیه باعث این خسارت
 شد چه برای نفع شخصی چه بواسطه رساندن منفعت
 بدولت از راه غلط باز هم فرق نمی کند چون این
 شخص اسباب این خسارت شده است باید از عهده
 بر آید اینکه میفرمائید مأمورین و بیشکاران مالیه
 مطابق ترتیبات اداری يك معا که و مجازاتی دارند
 آن مجازات اداری کاری باین خرج معا که ندارد
 و آن مجازات بر اکانست که از وظیفه اداری خودش
 تجاوز کرده و مرتکب خیانتی شده است آن مرحله
 مرحله طلبیده است و دخلی باین معا که ندارد بدون
 استثناء هر کس محکوم شد چه عارض چه معروض
 باید این حق معا که را بدهد

محل الدوله - آقای مخبر راجع باین
 موضوع خوب توضیح دادند بنده گمان نمیکنم دیگر
 مخالفتی باقی بماند وقتیکه بدانم مقصود از گرفتن
 خرج معا که چه چیز است میتوانیم بفهمیم باید
 بدهند یا نباید بدهند دو نظر در گرفتن این حق
 معا که تصور شده است یکی اینکه مجازات شود
 دیگر اینکه دادن یکوجه نقدی باعث میشود که بعد از
 این مرتکب چنین عملی نشود بنده عرض میکنم
 اگر تصور میکردیم که این حقوق صدی پنج از امین
 مالیه گرفته میشود و بعارض داده میشود برای این
 که زحمت کشیده و آمده و خرجی کرده دهاری
 خود را ثابت نموده و این صدی پنج تا اندازه جبران
 خسارت او را میکند ولی وقتیکه معین کردیم که باید
 این وجه بعنوان حق معا که بصندوق دولت برسد
 آنوقت در این دو حق که تشخیص داده اند که یکی
 این بود مطابق تعلیماتی که باو داده شده چیزی گرفته
 باشد و بصندوق دولت عاید شده باشد البته در اینجا
 وقتی که بر بخوریم می بینیم که باید او از این حق
 معاف باشد ؛ دلایل آنهم واضح است چنانچه آقایان
 در نظر دارند خیلی اتفاق می افتد که آن شخصی که
 خطا از او سر زده استطاعت و حقوق کافی برای
 ادا حق معا که نماند در این صورت آن آدم
 را باید معزول کرد فرضاً در یکجائی که يك جنس
 تعمیر میشود امین مالیه خرابی بکوتومان دو تومان
 بر حسب يك سابقه اضافه میگردد صاحبان آن ملك
 در محکمه مالیه متظلم میشوند وقتی که معا که میشود
 میفهمند که اداره تشخیص عایدات اشتباه کرده است
 پس امین مالیه بری الذمه میشود و رئیس اداره خودش
 در جزئیات عمل مشغول است در صورتی که ممکن
 است اجزاء آن یا يك نویسنده اشتباه قلمی کرده
 است و بواسطه این اشتباه قلمی پنجاه هزار تومان
 بر عهت ظلم وارد آمده دولت در محکمه که برای
 رفاء حال رعیت و مالیات بده ایجاد کرده رسیدگی
 میکند و آن پنجاه هزار تومان را از صندوق دولت
 مسترد میدارد البته بعد از این هم اداره تشخیص
 عایدات دقت میکند که اینطور نشود و در مقابل
 ما می بینیم اگر کسی از این قبیل خطاهای اداری
 بکند در همین قانون مجازات ها برایش قرارداده
 شده از اخطار و اخطار کتبی تا میرسد يك سال
 یا دو سال حقوق ندادن و کم کم اخراج کردن
 تا کار بجائی میرسد که او را در هیچیک از ادارات
 دولتی قبول نمیکند پس بطور کلی دولت بدکاران
 و اشخاصی که بواسطه نهمی یا بی مبالائی یا خست
 طینت اسباب تضییع حقوق رعیت میشوند مجازات
 میکند بعلمت اینکه دولت حافظ حقوق رعیت است
 و نباید همیشه آسایش آنها را در نظر داشته باشد

که مدعا به بصندوق دولت رفته باشد امانت مالیه معاف
 خواهند بود والا اگر بجهت خودشان منتقل شده
 باشد باید حق معا که را بدهند اگر چه البته این
 مسئله در موقع خودش بمعناکم حقوق یا جزائی
 حواله میشود و در آنجا تعاقب میکنند و مجازات
 او را معین میکنند ولی مع هذا در اینجا چرا باید
 از حق معا که معاف باشند این را در تعقیب پیشنهاد
 خود تکرار کرده و دوباره پیشنهاد میکنم
رئیس - پیشنهاد کنید
محل الدوله - آقای مخبر راجع باین
 موضوع خوب توضیح دادند بنده گمان نمیکنم دیگر
 مخالفتی باقی بماند وقتیکه بدانم مقصود از گرفتن
 خرج معا که چه چیز است میتوانیم بفهمیم باید
 بدهند یا نباید بدهند دو نظر در گرفتن این حق
 معا که تصور شده است یکی اینکه مجازات شود
 دیگر اینکه دادن یکوجه نقدی باعث میشود که بعد از
 این مرتکب چنین عملی نشود بنده عرض میکنم
 اگر تصور میکردیم که این حقوق صدی پنج از امین
 مالیه گرفته میشود و بعارض داده میشود برای این
 که زحمت کشیده و آمده و خرجی کرده دهاری
 خود را ثابت نموده و این صدی پنج تا اندازه جبران
 خسارت او را میکند ولی وقتیکه معین کردیم که باید
 این وجه بعنوان حق معا که بصندوق دولت برسد
 آنوقت در این دو حق که تشخیص داده اند که یکی
 این بود مطابق تعلیماتی که باو داده شده چیزی گرفته
 باشد و بصندوق دولت عاید شده باشد البته در اینجا
 وقتی که بر بخوریم می بینیم که باید او از این حق
 معاف باشد ؛ دلایل آنهم واضح است چنانچه آقایان
 در نظر دارند خیلی اتفاق می افتد که آن شخصی که
 خطا از او سر زده استطاعت و حقوق کافی برای
 ادا حق معا که نماند در این صورت آن آدم
 را باید معزول کرد فرضاً در یکجائی که يك جنس
 تعمیر میشود امین مالیه خرابی بکوتومان دو تومان
 بر حسب يك سابقه اضافه میگردد صاحبان آن ملك
 در محکمه مالیه متظلم میشوند وقتی که معا که میشود
 میفهمند که اداره تشخیص عایدات اشتباه کرده است
 پس امین مالیه بری الذمه میشود و رئیس اداره خودش
 در جزئیات عمل مشغول است در صورتی که ممکن
 است اجزاء آن یا يك نویسنده اشتباه قلمی کرده
 است و بواسطه این اشتباه قلمی پنجاه هزار تومان
 بر عهت ظلم وارد آمده دولت در محکمه که برای
 رفاء حال رعیت و مالیات بده ایجاد کرده رسیدگی
 میکند و آن پنجاه هزار تومان را از صندوق دولت
 مسترد میدارد البته بعد از این هم اداره تشخیص
 عایدات دقت میکند که اینطور نشود و در مقابل
 ما می بینیم اگر کسی از این قبیل خطاهای اداری
 بکند در همین قانون مجازات ها برایش قرارداده
 شده از اخطار و اخطار کتبی تا میرسد يك سال
 یا دو سال حقوق ندادن و کم کم اخراج کردن
 تا کار بجائی میرسد که او را در هیچیک از ادارات
 دولتی قبول نمیکند پس بطور کلی دولت بدکاران
 و اشخاصی که بواسطه نهمی یا بی مبالائی یا خست
 طینت اسباب تضییع حقوق رعیت میشوند مجازات
 میکند بعلمت اینکه دولت حافظ حقوق رعیت است
 و نباید همیشه آسایش آنها را در نظر داشته باشد

در اینصورت بنده تصور میکنم برای آن شخص
 ماهی بیست تومان حقوق بگیر که اشتباه کرده است
 عزل کفایت و در صورتیکه آنوجه بصندوق دولت
 عاید شده دولت هم آنرا بر میگردد بعارض بنده
 یکی از آن اشخاص بودم که تصور میکردم این
 مسئله ضرر ندارد وقتی که فکر میکنم می بینم ذکر
 آن در این قانون مثل این است که بامورین مالیه
 اجازه میدهم که بقوت دولت هر چه میخواهند بگیرند
 آخر الدواع وقتیکه رعیت بیچاره فیه و آمدت نظام
 کرد و امین مالیه محکوم شد آنوقت فقط پولی را
 با صدی پنج از امین مالیه بگیرند مثل اینکه يك
 مسئله هادی واقع شده است بنده هیچ در ذکر این
 مسئله راضی نیشوم که مأمور مالیه تصور کنند بواسطه
 دادن صدی پنج مملکت است بری الذمه شود این
 شخص سارق خیلی بدی است و فقوت دولت را
 برای جایین مردم اعمال کرده است بنده تصور
 میکنم اولین درجه مجازاتش انفصال از خدمت و
 گرفتن يك خرج بالاتر از صدی پنج است که نظام
 نامه اداری معین میکنند پس در اینصورت بنده راضی
 نیشوم که دولت بگیرد صدی پنج قائم شده و يك
 همچو اجازه بدهد بلکه انتظار دارم که مجازات
 های کافی بدهد که دیگر این قسم اتفاقات ترحم
 و همه بدانند اگر اتفاق بیفتد که مثلاً پنج تومان از
 رعیت بگیرند اقلاً دو ماه حقوق بآنها داده نشود
 و از کار منفصل میشوند
رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد --
 آقایانی که مذاکره را کافی میدانند تقیماً نمایند
 (عده قلبی قیام نمودند و کافی نشد)
ناصر الاسلام - این توضیحاتی که مخبر محترم
 دادند و بالاخره آقای محل الدوله مثل او را تأیید
 کردند هیچ بنده را قانع نکرد سهل است بسکه
 عقیده ام را پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن و
 آقای عدل الملک را شرح کرده بنده هم متوسل بمثل
 آردن میشود که اگر از طرف اداره تشخیص
 عایدات یک نفر منشی يك چیز را غلط نوشت و مأمور
 مالیه محل بواسطه آن غلط منشی يك مبلغ بمقدار
 زیادی از طرف گرفت اسم آن اداره تشخیص
 عایدات را نباید اداره گذاشت او را نباید دیوان بلخ
 نامه اداره که یک نفر منشی آن اینقدر تولید زحمت
 و ضرر بکند گویا تأسیس آن لغو باشد و يك همچو
 اشتباهی از يك اداره بلکه از يك دائره خیلی
 کوچکی هم کمتر ممکن است بشود اینک مغایر معا که
 را وارد میکنند در عنوان مجازات و حال آنکه ما هیچ
 قائل نشدیم که باید دولت او را مجازات نکند و مجازات
 او منحصر بادای حقوق معا که باشد بلکه میگویم
 يك قسمت از حقوق معا که را که مشروطاً باو تعلق
 میگردد ادا خواهد کرد و دولت هم همان قسم که
 معین شده مجازات این خلاف کاری را خواهد داد
 و او در وقتی که امین مالیه بهوای نفس یا بی مبالائی
 تصور کرده است صورت قانونی بآن خواهد داد و
 نتوانست ثابت کند و محکوم شد البته باید از عهده
 حقوق معا که بر آید برای اینکه بدانند حقوقیکه
 باو متوجه میشود باید ادا کند و مجلس مشاوره عالی
 هم بموجب قانون مجازات را معین خواهد کرد
 فرمایشات ایشان این است که ما معتقدیم که از برای
 مأمور مالیه جن ادای حقوق معا که هیچ مجازاتی

نباشد زیرا اینطور نیست اعتقاد ما این است که هم باید
 حقوق معا که را بدهد هم مجازات اداری را ببیند
رئیس - آقای حاج سید اسدالله - عرض بنده همان
 مطلبی بود که آقای ناصر الاسلام بیان کردند
منتصر السلطان - اینجا مذاکره شده که اگر
 منشی اداره در تشخیص عایدات اشتباه کرده باشد
 پس چنین اداره لغو است و باینستى این شخص مجازات
 شود یعنی از او صدی پنج گرفته شود عرض میکنم
 که اینجا باز دو حق پیدا میکنند یکی آنکه جزو
 جمعی اداره تشخیص عایدات میشود و بولایات
 میفرستند ممکن است عارض پیدا شود و يك جزو جمعی
 از مستوفیان قدیم بامضاء دولت های سابقه در دست
 داشته باشد و ثابت بکند که این جزو جمع جدیدی
 که اداره تشخیص عایدات داده است غلط بوده در
 صورتیکه منشی هم در اینجا سهوی نکرده راز روی
 جزو جمعی نوشته که بعقیده این اداره صحیح بوده
 در این صورت اگر بنا باشد بگوئیم که آنهم باید
 صدی پنج بدهد باید از این دست گرفت و بآن دست
 داد و مجدداً بصندوق دولت ریخت و هیچوقت ضرری
 بامور مالیه متوجه نمیشود بجهت اینکه از روی
 يك دفتر ثبت و سر رشته این وجه را گرفته آنوقت
 اگر محکوم شد صد پنج را بصندوق دولت باید بدهد
 و اما اگر بگوئید شخصاً خودش زیاد روی کرده
 است وقتی که ما این ماده را که آقایان پیشنهاد
 میکنند تصویب کنیم آنها را تشویق و ترغیب میکنیم
 که دردی نگردد و مجازات آنها فقط این صدی پنج
 است و چیزی دیگر نمیگیریم و آنوقت آنهم برای منافع
 خودش هر نوع صدمه و از برای بخواهد بر عیال
 میزند بواسطه اینکه تکیه میکند باینستى وقتی که
 من از فلان آدم صد تومان گرفتم فرضاً هم که رفت
 و عارض شد و بعد از يك سال دو سال محکوم شدم
 فقط يك صدی پنجی علاوه بر این صد تومان بدهم در این
 صورت باید بآن مأمور مالیه مجازاتهای خیلی خیلی
 سخت داده شود زیرا بیشکار مالیه که صد تومان از
 رعیت حرم میگردد جزو سارقها محسوب میشود باید
 دو سال یا پنج سال محبوس شود نه اینکه فقط قائم
 شویم که يك صد پنج بدهد گمان میکنم اگر امروز
 باین مسئله رأی بدهیم اجازه میدهم که هر کس
 هر چه میخواهد بکند و این يك اجازه لغوی است .
حاج شیخ محمد حسن گروسى -
 در جائی که منشا و اشتباه از يك منشی شده باشد
 آن فقره استثناء است اما وقتی که تعدیاتی کرده
 باشد چه برای مداخل خودشان و چه برای دولت
 هر دو در مقام ادای حقوق علی السویه است وقتی که
 معلوم شد برای دولت است بدولت هم نباید اجازه
 تجاوز از داده شود البته آن قراردادها و مقررات
 که حق دولت است باید گرفته شود یعنی دولت هم
 نباید بکسی این تجاوزات را بکند اگر بنا باشد
 دولت تجاوزی کرده باشد و معاف باشد رواست و
 جایز نیست که دولت بتوسط مأمورینش از حقوق حقه
 تجاوز کند مع هذا خود مأمورین خسارت را نباید
 متحمل شوند زیرا که آنها باعث شده اند .
مخبر - اگر چه گمان نمیکنم لازم باشد در
 اصل مطلب زیاد تر از این عرض کنم ولی بالاخره وقتی
 که ما این قانون را روی کفنه بنویسیم که باید

نباشد زیرا اینطور نیست اعتقاد ما این است که هم باید
 حقوق معا که را بدهد هم مجازات اداری را ببیند
رئیس - آقای حاج سید اسدالله - عرض بنده همان
 مطلبی بود که آقای ناصر الاسلام بیان کردند
منتصر السلطان - اینجا مذاکره شده که اگر
 منشی اداره در تشخیص عایدات اشتباه کرده باشد
 پس چنین اداره لغو است و باینستى این شخص مجازات
 شود یعنی از او صدی پنج گرفته شود عرض میکنم
 که اینجا باز دو حق پیدا میکنند یکی آنکه جزو
 جمعی اداره تشخیص عایدات میشود و بولایات
 میفرستند ممکن است عارض پیدا شود و يك جزو جمعی
 از مستوفیان قدیم بامضاء دولت های سابقه در دست
 داشته باشد و ثابت بکند که این جزو جمع جدیدی
 که اداره تشخیص عایدات داده است غلط بوده در
 صورتیکه منشی هم در اینجا سهوی نکرده راز روی
 جزو جمعی نوشته که بعقیده این اداره صحیح بوده
 در این صورت اگر بنا باشد بگوئیم که آنهم باید
 صدی پنج بدهد باید از این دست گرفت و بآن دست
 داد و مجدداً بصندوق دولت ریخت و هیچوقت ضرری
 بامور مالیه متوجه نمیشود بجهت اینکه از روی
 يك دفتر ثبت و سر رشته این وجه را گرفته آنوقت
 اگر محکوم شد صد پنج را بصندوق دولت باید بدهد
 و اما اگر بگوئید شخصاً خودش زیاد روی کرده
 است وقتی که ما این ماده را که آقایان پیشنهاد
 میکنند تصویب کنیم آنها را تشویق و ترغیب میکنیم
 که دردی نگردد و مجازات آنها فقط این صدی پنج
 است و چیزی دیگر نمیگیریم و آنوقت آنهم برای منافع
 خودش هر نوع صدمه و از برای بخواهد بر عیال
 میزند بواسطه اینکه تکیه میکند باینستى وقتی که
 من از فلان آدم صد تومان گرفتم فرضاً هم که رفت
 و عارض شد و بعد از يك سال دو سال محکوم شدم
 فقط يك صدی پنجی علاوه بر این صد تومان بدهم در این
 صورت باید بآن مأمور مالیه مجازاتهای خیلی خیلی
 سخت داده شود زیرا بیشکار مالیه که صد تومان از
 رعیت حرم میگردد جزو سارقها محسوب میشود باید
 دو سال یا پنج سال محبوس شود نه اینکه فقط قائم
 شویم که يك صد پنج بدهد گمان میکنم اگر امروز
 باین مسئله رأی بدهیم اجازه میدهم که هر کس
 هر چه میخواهد بکند و این يك اجازه لغوی است .
حاج شیخ محمد حسن گروسى -
 در جائی که منشا و اشتباه از يك منشی شده باشد
 آن فقره استثناء است اما وقتی که تعدیاتی کرده
 باشد چه برای مداخل خودشان و چه برای دولت
 هر دو در مقام ادای حقوق علی السویه است وقتی که
 معلوم شد برای دولت است بدولت هم نباید اجازه
 تجاوز از داده شود البته آن قراردادها و مقررات
 که حق دولت است باید گرفته شود یعنی دولت هم
 نباید بکسی این تجاوزات را بکند اگر بنا باشد
 دولت تجاوزی کرده باشد و معاف باشد رواست و
 جایز نیست که دولت بتوسط مأمورینش از حقوق حقه
 تجاوز کند مع هذا خود مأمورین خسارت را نباید
 متحمل شوند زیرا که آنها باعث شده اند .
مخبر - اگر چه گمان نمیکنم لازم باشد در
 اصل مطلب زیاد تر از این عرض کنم ولی بالاخره وقتی
 که ما این قانون را روی کفنه بنویسیم که باید

مأمورین مالیه صدی پنج بدهند عمل نخواهد شد و دولت از مأمورین خودش این را نخواهد گرفت زیرا که از این دست نمی گیرد که وبان دست بدهد این یک چیز فریبی است که یک مأمورین بنام دولت مشغول خدمتی شود بعد او را بنام همان دولت بیاورند و محاکمه کنند در صورتی که نفع هم بصندوق همان دولت رفته باشد پس اگر در اینصورت در این قانون هم بنویسیم که مأمورین مالیه صدی ه را باید بدهند هیچوقت نخواهند داد نمی خواهم در این موضوع اسرار کنم ولی چیزی که هست دو باره مکرراً عرض میکنم که خوبست نمایندگان محترم حق محاکمه را از جریمه مجزی بفرمایند اگر در مسئله که در موضوع تظلم مأمورین مالیه مقررمانند جزائی بود یعنی این مسئله برای آنها یک مجازاتی بود بنده هم موافق میباشم که یک مجازاتهای خیلی سختی برای آنها معین بشود چنانچه در این قانون هم معین شده پس تکرار میکنم که این ماده راجع به مجازات و جزا نیست راجع به حق محاکمه است محاکم دولت و بیشکار مالیه هم مستخدم دولت است و تمام عملیاتش بنام دولت بوده است و آنکسی که بنام دولت اقدامی میکند دولت نمی تواند از او حق محاکمه بگیرد.

حاج شیخ اسدالله - در دهمه اول که آقای مخبر دفاع میکردند میفرمودند این یک مجازات است حالا میفرمایند حق محاکمه است بنده عرض میکنم که در هر صورت با عنوان جریمه باشد که هارض تقابلی کرده آمده عرضحال داده یا عنوان دیگر باشد فلسفه اصلی گرفتن این حق محاکمه این است که محاکمه را برای این محاکمه میشود معنی داشته باشد و بفرمان دولت تحویل نشود و الا اگر خزانه دولت وفاقی باشد باید کلیه محاکمات حتی محاکمات عدلیه معانی باشند و دیگر هیچ چیز از محکوم و محکوم علیه دریافت نشود ولی چون بودجه مملکت از همه برمی آید این خرج محاکمه دریافت میشود اما آقایان اگر بکنند این قانون را مطالعه میکردند در اینجا این حرفها گفته نمیشد میفرمایند اگر این صدی پنج را از مأمورین مالیه بگیریم اجازه دزدی است که بآنها داده میشود در صورتی که تصدیقات آنها می رود مجلس مشاوره عالی و مجازاتی که در آنها معین شده بآنها داده میشود این را فراموش میکنند و میگویند بجز این صدی ه را بآنها تحویل کردیم این از قلم میبازند خیر آنرا هم ما رای میدهم که اگر یک مأمور مالیه در محل مأموریت خودش تخطی کرد یک مجازات خیلی سختی دارد که از انفصال دائمی تا گرفتن حقوق یک ساله و غیره باشد این مسئله مکرر گفته شده است آقای اسدالله فرمودند جواب داده شد باز آقای منیر السلطان مجدداً همین را فرمودند اینکه آقای مخبر فرمودند این اجازه دزدی است خیر اینطور نیست مجازاتهایی که داده میشود خیلی سخت تر از این حقوق محاکمه است این فقط حقوق محاکمه است اما اینکه میفرمایند شاید اداره تشخیص مایندات سهو و خطائی کرده باشد خود آقای مخبر که این قانون را نوشته اند خوب بود بدش را

ملاحظه میفرمودند که می نویسد ابتداء عرضحال باید بمقامات مربوطه رجوع شود پس اگر تعدی نمیشد اول باید رجوع کنیم بداره تشخیص مایندات به بینم آیا از آنها این اجاعاف نمی شده است و بر حسب دستورالعمل آن اداره بوده است یا نه اگر از آنها این اجاعاف شده باشد دیگر مأمورین مالیه مقصود طرف محاکمه واقع نمیشوند مطلب بر میگردد بمقامات بالا تر که اداره تشخیص مایندات باشد آنوقت طرف من آن اداره است نه مأمور مالیه بجهت اینکه مأمور میگردد من بر حسب دستور که از طرف اداره تشخیص مایندات رسیده است این وجه را گرفته ام آن وقت رجوع می شود به آن اداره که آن صورت را داده است اگر تصدیق کرد که این صورت را من داده ام طرف دعوی خودش واقع می شود و اگر گفت این دستور را من نداده ام طرف مأمور مالیه میشود و باید محاکمه شود بدلت اینکه یک تقلب و خیانتی کرده است و اسباب زحمت بگنجد ضرر دولت را فراهم نموده و علاوه بر مجازات اداری که این قانون برای او تعیین میکند بخارج محاکمه راهم که صدی پنج است باید از او بگیرند و اینکه میفرمایند بنام دولت این کار را کرده است در پیشنهاد ما هم این مطلب خارج شده است که اگر بصندوق دولت هاید شده باشد از بخارج محاکمه معاف است ولی وقتی که بنام دولت دزدی می کند آنوقت مربوط بصولت نیست و شخصی می شود مثلا بنده مدعی هستم که این بیشکار یا امین مالیه باسم مالیات یک مبلغ زیادتر از مالیات معموله از من گرفته است وقتی که معلوم شد بنام دولت نبوده و بجیب خودش رفته دیگر طرف دولت نیست و در اینجا ما نوشتیم تا زمانی که آن شخص محکوم نشده است باموریت دولت باقی است و وظیفه مدعی العموم است که از طرف او دفاع کند قبل از محکومیت هم بخارج محاکمه از او دریافت نمیشود و وقتی که محکوم شد معلوم شد که خیانتی کرده علاوه بر اینکه صدی پنج را باید بدهد بداره از خدمت دولت هم منصرف شود

مخبر - در اصل مسئله همین است که میفرمایند تصور می کنم در عرض اولی خودم همه چیز ننگته ام و برعکس مقصود بنده این بود که این صدی پنج حق محاکمه است

رئیس - مذاکرات کافی است ؟ گفته شد کافی است

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است که قرائت می شود و رای می گیریم - پیشنهادی از آقای شیخ محمد حسن رسیده است که قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

این اقل پیشنهاد مینامیم که ماده ۲۷ باین ترتیب بوده باشد مأمورین و بیشکاران مالیه در صورت محاکمه شدن آنها در محکمه خسارت وارده بردوات را که از بابت خرج محاکمه تعیین می کرد متحمل شوند و از همه بر آید

رئیس - پیشنهاد آقای عدل الملک قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده در تمقیب پیشنهاد سابق خودم پیشنهاد

میکنم که ماده ۲۷ این طور نوشته شود

ماده ۲۷ مدعی العموم از دادن خرج محاکمه از هر قبیل باشد معاف است و مأمورین مالیه نیز معاف خواهند بود در صورتی که مدعا به بصندوق دولت داخل شده باشد

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده اینقسم نوشته شود مدعی العموم و مأمورین مالیه در صورتیکه مدعا به صندوق دولت شده باشد از بخارج محاکمه معافند

رئیس - پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم نوشته شود اگر مستند مأمور احکام دولت باشد از خرج محاکمه معاف است

آقا سید فاضل - یک پیشنهاد هم راجع بنده است که پیشنهاد کرده ام (بمضمون ذیل پیشنهاد آقای سید فاضل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم حذف ماده ۲۷ از قانون تشکیلات مالیه را

رئیس - عرض کردم که این پیشنهاد معنی ندارد و اگر اکثریت متفاد نشود که این ماده بماند رای نمی دهد - آقای حاج شیخ محمد حسن توضیحی دارید ؟

حاج شیخ محمد حسن - خیر توضیحی نیست بیشتر از اینکه عرض کردم دیگر چه عرض کنم

رئیس - آقای مخبر تقاضا میکنند که بیسویون برود یا خیر

مخبر - خیر

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای عدل الملک توضیحی دارید

عدل الملک - قیلا توضیح داده ام

رئیس - پیشنهاد آقای عدل الملک مجدداً قرائت میشود و رای میگیریم (بمضمون فوق مجدداً قرائت شد)

محمد هاشم میرزا - این پیشنهاد یک قسمت را شامل نخواهد شد بعضی اینکه بصندوق دولت هاید شد مأمورین از خرج محاکمه معاف باشند این صحیح نیست ممکن است مأموری با کسی قرض شخصی داشته باشد و زیادی بگیرد و بصندوق دولت وارد کند این هیچ معنی ندارد که همین که بصندوق دولت داده شد معاف باشد این بود که بنده پیشنهاد کردم که اگر مستند مأمور احکام دولت باشد از خرج محاکمه معاف است و این پیشنهاد را بر سایر پیشنهاد ها ترجیح میدهم جهت آنرا اگر لازم است عرض کنم و الا در موقع خودش عرض خواهم کرد

عدل الملک - مطلوب همین بود که بر فرض که بصندوق دولت داده شود معاف باشند نه اینکه

در جیب خودش رفته و بصندوق دولت نداده باشند آن فرض را هم بنده موافقم

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای عدل الملک آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهاد جنابالی هم رای بگیریم یا خیر؟

حاج شیخ اسدالله - پیشنهاد بنده همان پیشنهاد آقای عدل الملک بود - باختلاف عبارت

رئیس - خیر آقا اینطور نیست قرائت میشود ملاحظه میفرمائید (مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

حاج شیخ اسدالله - این مطلب که آقای عدل الملک نوشته بودند که مدعی العموم از هر جهت از خرج محاکمه معاف باشند بنا پیشنهاد بنده که مأمورین مالیه از خرج محاکمه در صورتیکه مدعا به بصندوق دولت وارد شده باشد معافند یکی است منتهی عبارت بنده با عبارت ایشان فرق دارد و الا مطلب بنده همان مطلب پیشنهاد ایشان است در صورتیکه بصندوق دولت عاید شده باشد معافند متعلق بجزه اخیر است که امنا و بیشکاران مالیه باشند نه مدعی العموم از این جهت پیشنهاد بنده با پیشنهاد آقای عدل الملک تفاوت ندارد و فقط تفاوت عبارتی است باز هم عرض میکنم رای بگیریم

رئیس - مطلب درست نوشته نشده است و ظاهر عبارت اینطور نیرساند

محمد هاشم میرزا - بنده هیچک از این پیشنهاد ها را کافی نمی دانم چنانکه اگر اداره تشخیص مایندات یا سایر ادارات دولتی سهوا یا عمدتاً یک اشتباهی کرده باشند یک مأموریکه اجرای حکم دولت را بکنند هیچ ایرادی عرفاً بر او وارد نیست چون وارد نیست از خرج محاکمه معاف است اما در اقسام دیگر اگر تجاوز کرده باشد چه بصندوق دولت وارد شده باشد یا نشده باشد تجاوز است منتهی آنوقت یک منفعت مالی بوده است و فرض شخصی بخرج داده اهل آبادی بخارج محاکمه را بدهد

مخبر - اگر کسی معتقد باین اساس بشود البته در این زمینه بهترین پیشنهاد پیشنهاد آقای عدل الملک است و این پیشنهاد که ایشان میفرمایند که اگر بیشکاران و امنا مالیه بولی گرفته و بصندوق دولت داده باشند بازم خود آنها محکوم بدانند بخارج محاکمه باشند صحیح نیست

رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله مجدداً قرائت میشود و رای میگیریم (مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد در فقره پیشنهاد دیگر شده است یکی پیشنهاد آقای دکتر لقمان است که قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده این قسم نوشته بشود مدعی العموم یا مأمورین

مالیه مادامیکه برخلاف دستور قوانین مقرر رفته و نماینده از دادن بخارج محاکمه معافند

رئیس - آقای دکتر اقبالان توضیحی دارید

دکتر لقمان - گمان نمیکنم محتاج توضیح باشد بیعت اینکه مأمورین مالیه یا مطابق قوانین مقرر رفتار کرده اند یا نکرده اند اگر آن دستوری که بآنها داده شده است مطابق آن رفتار کرده است و چیزی که گرفته اند بصندوق دولت داده شده است خودشان شخصاً مرتکب عملی نشده اند که خرج محاکمه را بدهند و اگر شخصاً خودشان چیزی گرفته اند و بصندوق دولت داده شده و یا نشده باشد چون مخالف آن دستور رفتار کرده اند البته باید خرج محاکمه را بدهند

رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده (۲۸) قرائت میشود (مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه ماده (۲۷) را تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۲۸) قرائت میشود (مجدداً بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۲۸) در صورتیکه پس از مراجعه بمقامات مربوطه رفع شکایت متظلمین نشود و یا آنکه تقاضای محاکمه نماینده در اینصورت با تصریح مدعا به کتبا بوزارت مالیه داده میشود

رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟

حاج شیخ اسدالله - بعد از آنکه خواستند عرضحال بدهند و محاکمه بکنند بنده تصور میکنم که عرضحال را بخود محکمه بدهند بهتر است تا بوزیر مالیه داده شود

مخبر - مکرر گویا در اینجا عرض شده باشد که این محکمه محکمه اداری است و در تحت ریاست وزیر مالیه است طبیعاً و قهراً هر مطلبی را باید از مجرای اداری وارد شد وزیر مالیه را که رئیس اداره است او را باید مسیوق کرد که این محاکمه بتوسط وزیر مالیه بشود و این محکمه محکمه مستقلی نیست

رئیس - دیگر مخالفی نیست - رای میگیریم بماده (۲۸) آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده (۲۹) قرائت میشود ماده (۲۹) ظننه محکمه مالیه رسیدگی بظلماتی است که افراد مردم از تجاوزات ادارات و مأمورین مالیه مینمایند

رئیس - در ماده (۲۹) ایرادی نیست ؟

آقا سید فاضل - از آقای مخبر توضیح میخواستم که در این ماده نویسد طریق محاکمه موافق نظامنامه است که از طرف وزارت مالیه تهیه شده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد گذشت

رئیس - این ماده (۳۰) است و در وظیفه محکمه مالیه است کویا اشتباه فرمودند ماده (۲۹) مخالفی نیست - رای میگیریم در این ماده آقایانیکه ماده (۲۹) را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۳۰) قرائت میشود (ماده (۳۰) بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۰) موافق نظامنامه است که از طرف وزارت مالیه تهیه شده و از تصویب

کند که من بر طبق این دستورالعملها رفتار کرده ام و بالاخره وزیر مالیه محکوم میشود تبادیه صدی پنج خرج محاکمه

رئیس - مخبر پیشنهاد را ملاحظه فرمودید ؟

مخبر - بلی شدم

رئیس - باید رای بگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد و مجدداً ماده (۲۷) قرائت میشود رای در فوق ماده بگیریم (مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه ماده (۲۷) را تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۲۸) قرائت میشود (مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

ماده (۲۸) بمضمون ذیل قرائت شد (ماده (۲۸) در صورتیکه پس از مراجعه بمقامات مربوطه رفع شکایت متظلمین نشود و یا آنکه تقاضای محاکمه نماینده در اینصورت با تصریح مدعا به کتبا بوزارت مالیه داده میشود

رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟

حاج شیخ اسدالله - بعد از آنکه خواستند عرضحال بدهند و محاکمه بکنند بنده تصور میکنم که عرضحال را بخود محکمه بدهند بهتر است تا بوزیر مالیه داده شود

مخبر - مکرر گویا در اینجا عرض شده باشد که این محکمه محکمه اداری است و در تحت ریاست وزیر مالیه است طبیعاً و قهراً هر مطلبی را باید از مجرای اداری وارد شد وزیر مالیه را که رئیس اداره است او را باید مسیوق کرد که این محاکمه بتوسط وزیر مالیه بشود و این محکمه محکمه مستقلی نیست

رئیس - دیگر مخالفی نیست - رای میگیریم بماده (۲۸) آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده (۲۹) قرائت میشود ماده (۲۹) ظننه محکمه مالیه رسیدگی بظلماتی است که افراد مردم از تجاوزات ادارات و مأمورین مالیه مینمایند

رئیس - در ماده (۲۹) ایرادی نیست ؟

آقا سید فاضل - از آقای مخبر توضیح میخواستم که در این ماده نویسد طریق محاکمه موافق نظامنامه است که از طرف وزارت مالیه تهیه شده و از تصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد گذشت

رئیس - این ماده (۳۰) است و در وظیفه محکمه مالیه است کویا اشتباه فرمودند ماده (۲۹) مخالفی نیست - رای میگیریم در این ماده آقایانیکه ماده (۲۹) را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده (۳۰) قرائت میشود (ماده (۳۰) بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۰) موافق نظامنامه است که از طرف وزارت مالیه تهیه شده و از تصویب

کمیسیون قوانین ماله مجلس خواهد گذشت .
آقا سید فاضل - در اینجا توضیح میخواستم که نوشته از طریق معاکمه موافق نظامنامه هم است که از طرف وزارت ماله تهیه شده و از تصویب کمیسیون قوانین ماله مجلس خواهد گذشت مراد نظامنامه نظامنامه اداری است یا نظام نامه است که اصول معاکمات ماله را خواهد نوشت اگر مراد نظامنامه اداری است محتاج نیست که از طرف وزارت ماله پیشنهاد مجلس شود فقط در خود وزارت ماله نوشته شود کابست و اگر آن نظامنامه اصول معاکمات که درش معاکمات ماله را معین میکند یعنی معاکمات معاکمات میشود ببارت اخیری اصول معاکمات حقوقی در تحت چند مواد میباید و مراد این باشد بنده عقیده ام این است که تصویب کمیسیون کافی نباشد بملت اینکه همین کمیسیون قوانین ماله که در طور آن نظامنامه را خواهد نوشت پس ماچطور می توانیم قانع شویم که اصول معاکمات ماله در تحت چند مواد نوشته شود و در کمیسیون تصویب شود بنده تقاضا میکنم که اگر مراد از آن نظام نامه اصول معاکمات ماله است باید وزارت ماله پیشنهاد بمجلس کند و از مجلس بکمیسیون برود بتصویب مجلس برسد

مخبر - تمام قوانین مساوی هستند بهمان دلیلی که بکمیسیون قوانین عدلیه حق داده اصول معاکمات حقوقی یا جزائی را از کمیسیون بگذرانند کمیسیون قوانین ماله هم می تواند قوانین معاکمات ماله را بگذرانند

آقا سید فاضل - پس معلوم شد مراد از آن نظامنامه نظام نامه است که طرفه و روش اصول معاکمات را معین خواهد کرد چون در اصول معاکمات حقوقی که ما نوشتیم با موازین و ترتیباتی که فصل مرافعات را شرعاً و عرفاً میکند مردم بکلی مأیوسند که فصل دعوی آنها بشود و در این جا ما اول معاکمه که برای ماله تأسیس میکنیم و بعد مردم انس بموازین این معاکمه نخواهند داشت فقط عرض میکنم از روی یک ترتیباتی باید این نظامنامه نوشته شود که اسباب فیصله امر و اسباب آسایش صوم فراهم شود و بالاخره جداً تقاضا میکنم که همین طور که عرض کردم که این نظامنامه که برای معاکمات ماله میخواستند بنویسند بمجلس آورده تا از مجلس بگذرد .

مخبر - باز تکرار میکنم از طرف کمیسیون قوانین ماله تقاضا میکنم که این فرمایش را فرمایند بجهت اینکه گمان میکنم قوانین ماله کمتر از افراد نمایندگان در صدد رفاه مردم نباشند

رئیس - مذاکرات در این خصوص کافی نیست ؟

(جمعی گفتند کافی است)
رئیس - رأی میگیریم در ماده ۳۰ آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۳۱ قرائت می شود
 بمضمون ذیل قرائت شد
 ماده ۳۱ دعوی مصله ذیل در معاکمه ماله پذیرفته نخواهد شد

۱ - دعاوی که قبل از تصویب این قانون در ادارات ماله ختم شده است
 ۲ - شکایات مالیاتی که در ظرف دو سال از روز وقوع شکایت از طرف مالیات بمه وزارت ماله اظهار نشده است
رئیس - در فقره اول از ماده ۳۱ ایرادی نیست اظهاری نشد
 در فقره دوم هم گویا مخالفی نباشد - رأی می گیریم بماده ۳۱ آقایانیکه تصویب میکنند قیام بنمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده (۳۲) قرائت می شود
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده (۳۲) معاکمه مزبور پس از رسیدگی بشکایات رایورت خود را بوزیر ماله میدهد و رایورت های مزبور پس از امضاء وزیر ماله قضا می شود بموقع اجرا گذاشته می شود

رئیس - در ماده (۳۲) مخالفی نیست ؟
حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می کنم که نوشته شود رایورت معاکمه بمقامه وزیر رسیده بموقع اجرا گذاشته می شود پس از امضاء نوشتن ممکن است وزیر مجبور بمضاء نباشد و بخاطر در رد و قبول باشد

مخبر - وزیر باید مختار باشد برای این که شاید نخواهد حکم تجدید نظر بدهد نمی توان وزیر را مجبور بمضاء کرد بواسطه این که اگر مجبور بمضاء باشد آن وقت حق تجدید نظر لغو می شود وزیر می تواند رد کند و حکم به تجدید نظر بدهد .

حاج شیخ اسدالله - آن اختیار تجدید نظر بیکه دادیم آن بموقع خودش صحیح است و مانع این کار نیست وقتی که ما نوشتیم پس از امضاء وزیر قضا شده بموقع اجرا گذاشته میشود ممکن است که حکم به تجدید نظر ندهد و امضاء هم نکند پس وقتی که رایورت معاکمه داده شد باید وزیر مجبور باشد که امضاء یا حکم به تجدید نظر بدهد و اگر هر آینه حکم به تجدید نظر نکرد آن وقت اختیار امضاء نکردن آن رایورت را ندارد و نمی تواند امضاء نکند و ایورت معاکمه را رد کند پس اولین اختیار را نداشته باید بمضاء وزیر رسیده بموقع اجرا بیاید و تجدید نظر یک استثنائی است که در این قانون مستثنی شده است

ناصر الاسلام - ماده قانون باید یک طوری نوشته شود که ظاهراً متضمن نباشد و اشکالی روی ندهد وقتی که با این طور نوشتیم که آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند و الزام وزیر را قید کردیم که قدر اشکال نداشته باشد افلا اینقدر اشکال تولید خواهد کرد که برای عارض حق تجدید نظر را سلب کند و همین اندازه که از او تجدید نظر را سلب می کند الزام وزیر هیچ ضرورت ندارد در صورتی که شما در ماده دیگر تجدید نظر را تصویب کردید ممکن است از این امضاء نکردن حکم به تجدید نظر داده شود باین شکل که نوشته شده است تقریباً ماده روشن تر است و از برای ما معین تر است
رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟ جمعی گفتند کافی است

رأی می گیریم بماده ۳۲ - آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - ماده ۳۳ قرائت می شود
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 ماده ۳۳ - وزیر ماله در مواد ذیل حکم به تجدید نظر میدهد
 ۱ - مطابق عقیده خودش ۲ - مطابق عقیده مدعی العموم
 ۳ - بوجوب تقاضای محکوم در صورت مذاکره با اضافه عضو علی البدل معاکمه هر تحت ریاست وزیر ماله و با معاون او متقدم و تجدید نظر و رایورت نموده رأی خود را اظهار میدارد و آن رأی قطعی و لازم الاجرا است - برای تقاضای تجدید نظر علاوه بر صدی پنج حقوق معاکمه صدی دو قبلا از عارض اخذ می شود در صورتی که در تجدید نظر عارض محکوم نشد حقوق معاکمه کلیه باو مسترد می شود

رئیس - در فقره اولی مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
 در فقره دوم مخالفی نیست ؟
 در فقره سوم هم گویا مخالفی نباشد

آقای حاج شیخ محمد حسن گروسی - مخالفت بنده در تفسیر این ماده است مادر اصل حقوق معاکمه حرف داشتم خصوص این عمل تجدید نظر بکلی عملی است که نقصان سهل سابق را تکمیل میکند در مرتبه دوم بزرگ حقی فرار دادن بنده تصور نمی کنم درست باشد اینجا بکمیسیون داده ام که تقدیم میدارم (پیشنهاد بمضمون ذیل خوانده شد)

این اقل پیشنهاد می نمایم که جمله علاوه بر صدی پنج حقوق معاکمه صدی دو قبلا از عارض اخذ می شود از ماده ۳۳ حذف شود

رئیس - توضیحی ندارید
حاج شیخ محمد حسن - توضیح داده شد
رئیس - آقای مدرس اظهاری دارید ؟
مدرس - دیر روز پیشنهادی کردم قابل توجه شد

رئیس - آقای مخبر در این باب اظهاری دارید ؟

مخبر - خیر عرضی ندارم
محمد شاه شه میرزا - تصور میکنم اگر حقی قرار ندهیم این خیلی بد باشد در هر موقع هر کس که محکوم شد چون زحمتی برای هر یک دادن نخواهد بود تقاضای تجدید نظر را میکند و حقیقه باید معاکمه مکرر بشود و اگر در اول حقوق معاکمه صدی دو یا صدی سه بود بنده موافق بودم و در اینجا هیچ حقی قرار ندهیم بنده بکلی مخالفم افلا حقوق معاکمه را باین صدی دو قناعت کنیم و در اینجا هم یک صدی دو گرفته شده که وقت معاکمه را بهتر نهد تا سایر متظلمین بتوانند نظام خودشان را اظهار کنند
رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - رأی میگیریم بماده (۳۳)
حاج شیخ اسدالله - تقاضا میکنم تفسیر شود و فقره بنقره رأی گرفته شود
رئیس - موافق نظامنامه حق دارید - آقایانی که فقره اول را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه فقره دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - آقایانیکه فقره سوم را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - آقایانیکه تفسیر را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - رأی میگیریم بکلیه ماده (۳۳) آقایانیکه کلیه ماده (۳۳) را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده (۳۴) قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۴) اگر معاکمه ماله در ضمن رسیدگی خود تغلفی در اجراء قوانین و نظامنامه های راجع بپایه مشاهده کند و یا به بنده که مأمورین ماله برای جلب منفعت شخصی تمسک کرده و یا مرتکب تغلف و خیانتی شده اند مراتب را بوزارت ماله رایورت میدهد
رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟
عدل الملک - بنده عرض میکنم برای جلب توجه وزیر برای یک نفر از اعضاء یا مأمورین ماله دادن رایورت وظیفه مدعی عموی باید باشد و معاکمه فقط حق حکایت را دارد و دخالت در این کار وظیفه معاکمه نیست

مخبر - بله همینطور است که میفرمایند اگر این معاکمه حق رسیدگی باین قبیل امور را داشت که اگر یک خلافی و تغلفی از مأمورین دیده بان خلاف و تغلف رسیدگی کند آن وقت آن معاکمه از وظیفه حکایت نمیتواند خارج بشود و باید مراتب را بدهی العموم رایورت بدهد و از مجرای مدعی العموم تغلف و خیانت رسیدگی نمیکند حق مدعی العموم شامل حال معاکمه میشود باین جهت معاکمه حق پیدا میکند که مراتب را بوزیر اطلاع بدهد

عدل الملک - برای کسیکه خودش معترض است خودش هم حاکم باشد البته این صحیح نخواهد بود و باید شخص معترض از حاکمیت خارج شود
مخبر - بنده معذرت میخواستم و عرض میکنم که حاکم قضیه در آن مورد معاکمه ماله نباشد و وظایف معاکمه ماله را در بالا ملاحظه فرمودید هیچ این چیزها نیست و اگر معاکمه ماله رایورتی بدهد یا بمجلس مشاوره عالی رجوع خواهد شد یا رجوع بمجلس و جاهای دیگر میشود ولی اگر حکایت قضیه راجع بخود معاکمه بود همینطور بود که شما فرمودید بنده کاملاً موافق بودم بواسطه اینکه هم وظایف مدعی العموم وهم وظایف معاکمه را بیکجا دادن خطاهای است ولی در اینجا این معاکمه وظایف معاکمه را

اجراء نمیکند و حق این حکایت در این مورد بمجلس مشاوره عالی است
رئیس - دیگر در ماده (۳۳) مخالفی نیست رأی میگیریم آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد اگر مخالفی نباشد بقدر ده دقیقه تنفس داده میشود ولی قبلا یک عرض دارم که بعد از تنفس باید راجع بیودجه رأی بدهید چندی قبل در اینجا یک رأی داده شده که بیودجه هائی که می آید برود بکمیسیون بیودجه بنده از تصویب کمیسیون بوزارت خانه مقرر شده شود و موقتاً بموقع اجرا گذارده شود تا بعد بیودجه کل بمجلس بیاید و معلوم نبود که این رأی راجع بتاسیساتی است که سابق بوده یا راجع بتاسیسات قدیم و جدید هر دو است چون بیودجه عدلیه مدتیست بکمیسیون بیودجه رفته سابق بود به عدلیه گویا (۱۳۰) الی (۱۴۰) هزار تومان بوده است درست نمیدانم و (۱۳۰) هزار تومان تقریباً بابت بیودجه ولایات به آن افزوده شده است حالا این بیودجه را اگر نوشتم و فرستادیم بوزارت عدلیه بموقع اجرا گذاشته شد و در ولایات چه محاکم ابتدائی و چه محاکم استثنائی تأسیس کردند بعد که بیودجه بمجلس آمد و مجلس تصویب نکرد آن وقت چه باید بشود خوب است در اینجا یک قدری غور و تأملی فرمایند و بعد از تنفس رأی بدهید که همانطور عمل شود (در این موقع نمایندگان بجهت تنفس از مجلس خارج شده)

(و پس از ده دقیقه مجدداً مجلس در تحت ریاست آقای سلیمان میرزا نایب رئیس تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای آقا سید فاضل در اظهارات خودشان مطلب را خوبی اداء فرمودند که گویا اعضاء کمیسیون قوانین ماله موافقتی بر ایشان حاصل شده است و اظهاراتی که کرده اند خواننده میشود و بعد آقای آقا سید فاضل اظهارات خودشان را توضیح خواهند داد (بمضمون ذیل خوانده شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی چون اظهارات آقای آقا سید فاضل نماینده شاهرود در ضمن مخالفت با ماده (۳۰) رایورت کمیسیون قوانین ماله خارج از ترتیب است و برای اعضاء کمیسیون از دوازده نفر نمایندگان بانتخاب مجلس شورای ملی تشکیل میشود موهون بودلهذا کمیسیون اعتراضی باظهارات معزی الیه نموده در صورتی که ایشان بکمیسیون اظهارات خود را راجع باعضاء کمیسیون در وضع قوانین فرموده اند مسترد ندارند اعضاء کمیسیون استعفا میدهند

آقا سید فاضل - بنده گمان میکنم نسبت باظهارات بنده همان قسمتی که فرمودند برای ایشان سوء تفاهمی شده است و بجهت اینکه بنده اعضاء و اجزاء کمیسیون قوانین ماله را مقدس و عالی میدانم فقط عرض کردم که چون مراد از نظامنامه اصول معاکمات ماله است خوب است در تحت چند ماده نوشته شود بکمیسیون بیاید و بتصویب مجلس برسد والا قصوری در نظر نداشتیم
مخبر - چون ایشان فرمایشات خودشان را

تکرار فرمودند بنده تصور میکنم از طرف آقایان رفقای خودم حق داشته باشم که عرض کنم چون اظهارات خودشان را پس گرفتند ما هم متعصب بشویم و استعفا می خودمان را پس میگیریم
نایب رئیس - در موضوع بود به آقای رئیس قبل از انمام قسمت اول مجلس فرمودند آقایان این مسئله را ختم کنند که آیا این رأی که در جلسات قبیل داده شده راجع بیودجه هائیکه پیش معمول بوده یا راجع بیودجه های قدیم و جدید هر دو است که فعلاً پیشنهاد شده و از برای جلسه دوم مجلس این مطلب باید مطرح شود و پیشنهادی در همین موضوع از طرف آقای محمد هاشم میرزا شده است که قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که رأی در باب بیودجه جلسه بعد بیاید تا نمایندگان مطالبات لازم در اطراف مطلب کرده تصویب قطعی اتخاذ کنند

نایب رئیس - در صورتیکه مخالفی نباشد این مسئله را میگذاریم از برای جلسه بعد خلاصه شروع میکنم ببقیه قانون تشکیلات ماله ماده (۳۵) قرائت میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده (۳۵) کمیسیون تطبیق حوالجات مرکب است از پنج نفر که مجلس شورای ملی از میان ۱۰ نفر که دولت پیشنهاد مینماید با اکثریت تام انتخاب می نماید در صورتیکه در دوره اکثریت تام حاصل نشد دفعه سوم اکثریت نسبی کافی خواهد بود

نایب رئیس - در ماده (۳۵) مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)
 آقایانیکه ماده (۳۵) را تصویب می کنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده (۳۶) قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده (۳۶) برای اعضاء کمیسیون مزبور شرایط ذیل لازم است

۱ - تابعیت ایران ۲ - داشتن لااقل سی سال ۳ - اطلاع از اوضاع ماله و اداری مملکت ولایت
نایب رئیس - در قسمت ذیل مخالفی نیست ؟
ناصر الاسلام - خاطر نمایندگان مستعضر است که در شور اول در مسئله سن بنده اظهار عقیده کردم و متأسفانه قابل توجه نشد در صورتیکه لیاقت هم شرط است دیگر محدود کردن سن از چه نقطه نظر است و بنده معتقدم که داشتن لیاقت حاصل نمیشود مگر بدانشن معلومات و معلومات حاصل نمی شود مگر بتحصیل ریاست است که یک قسمت از معلومات بواسطه تجربه حاصل می شود ولی متأسفانه هیچیک از اینها در مملکت ایران اساس متین نداشته و ندارد که از روی آن ما بتوانیم مقیاس بدست آوریم فقط چیزی را که می توان اسباب امیدواری قرارداد تحصیل کردن چند نفر محصلین است که متخصصین در قرن هستند سلب حقوق این اشخاص نمی حق را نباید کرد بلکه باید حقشان را بآن ها تفویض نموده مثل سابق نباشد که اگر یکی از محصلین ما در قرن نظام تحصیل میکرد همین که پیران